وارلیق

آیلیق تورکجه و فارسجا فرهنگی نشریه
مجله ماهانه فرهنگی فارسی وترکی آذری

۱۱ - اینجی صایی-اسفند۱۳۵۸ - شماره ۱۱

VARLIQ

Monthly
PERSIAN AND TURKISH JOURNAL
No. 11
April 1980

Adress: Mossadegh Ave. Bidi Str. No. 17
Tehran, Iran

قیمت ۷۰ ریال

ایچینده کیلر

(فهرست)

صفحه

۱ـ در بهار سرخ‌روئی: دکتر حمید نطقی ۳
۲ـ آذربایجان ادبیات تاریخینه بیرباخیش ۸
۳ـ نوروز بایرامی وبهار ایچون سؤیله‌نن شعرلر: ۳۵
۱ـ بهار ایامی : فضولی.
۲ـ بهار تصویری : شاه‌اسماعیل ختائی.
۳ـ نوروز بایرامی : جعفر خندان.
۴ـ وطن گولدی : م. بی‌ریا.
٤ـ اردبیل‌ده نوروز بایرامی‌نین استقبالی : ت. پیرهاشمی ۵۱
۵ـ شعر کاوهٔ نوروز : استاد شهریاد ۵۷
۷ـ بزرگان آذربایجان: شمس‌الدین تبریزی‌نین حیات ویارادیجیلیغی: پرفسور بیگدلی ۵۸
۶ـ ائلیمین قوجاغیندا : دکتر حمید نطقی ۶۸
۸ـ یوردومدا ایکی‌چایا بورجلییام : ج. م. ساوالان ۶۸
گونده‌ریلن شعرلر:
۹ـ وطن: شعر. غلامحسین صبری ۷۲
۱۰ـ غیرت ملیت وفکاهی بایاتی‌لر: گونده‌رن آقای نقابی. تبریز. ۷۳
۱۱ـ مصطفی پایان وفات اتدی. وارلیق. ۷۴
۱۲ـ لغت معنی: ج. هیئت و س. هیئت ۷۵

دکتر حمید نطقی

در بهار سرخ‌روئی

مراسم، روایات و اعتقادات خلق بازتاب حوادث طبیعی، تاریخی واجتماعی‌است که رویهم انباشته شده و به‌صورت نمادی یادآور قرنهاکوشش و رنج، خوشیها و تیره روزیها، امیدها و بیم‌های انسانهاست.

اینها رفته رفته به‌صورت انبوهی از خاطرات و اسطوره‌ها درآمده است. در میان آذربایجانیان مراسم و روایات مربوط به‌فصل زمستان وآغاز بهاران بسیار غنی است. مراسم، روایات فولکلوریك اغلب با اشتغالات و روش زندگی وتولید ومبارزه‌باسختی‌ها و تلاش معاش پیوند دارد وگاهی بازگوی داستانی ازیادرفته حوادث بس‌دیرین‌تاریخی، اسطوره‌های دوران‌کوچ‌نشینی است‌که دراثررابطه با اقوام مختلف و درزیرتأثیرمعتقدات جدید و قدیم، اسامی درهم‌آمیخته، شخصیتها بایکدیگرترکیب شده، داستانهابهم‌پیوسته و به‌صورتی بسیار پیچیده و مبهم درآمده است.

چنانکه در رسوم خاص زمستان نیز درآنچه‌که بما رسیده اشارات فراوانی بـه‌این سرگذشت درازموجود است. دانشمندان درآنها نشانه‌های فراوانی ازاسطوره‌های‌مشترك اقوام مختلف ترك، جـای پای پیوندهـا و هم‌جواریها و همزیستی‌ها با دیگران، آثـار روشن عقاید مختلف از شامانیزم، دین زردشت و غیره و تأثیر عمیق‌قبول دین اسلام را تشخیص می‌دهند.

مراسم و معتقدات مربوط به‌زمستان مشحون از این‌گونـه تجلیات است؛ در آنها شادمانی حاصل ازپایان رنج سرما و رستاخیز طبیعت موج می‌زند؛ مراسم معتقدات‌که‌از مدتی بپایان زمستان مانده آغاز می‌گردد در جشن بهار به‌اوج خود می‌رسد.

مردم‌آذربایجان در انتظار فرارسیدن بهار؛ در تـلاش زنـدگی و در رویاروئی بـا شرایط دشوار طبیعی و اقلیمی خود روزهای سرد و بخصوص شبهای دیرپای زمستان‌را با مراسم وآداب و نقل قصه‌های دلگرم‌کننده و شیرین می‌گذرانند. (روایات وقصه‌هائی از ماجراهای‌کؤراوغلی، عاشیق عاباس توفارقانلی، عاشیق عیوض، عرب‌اوزنگی، نیگار خانم، اصلی وکرم و داستانهای دراز از عیاران، قهرمانان و «قاجاقها» و «قوچـاقها»ی گذشتهٔ دور و نزدیك و روایاتی از اسطوره‌ها از همه سو و همه‌جـاکه قوم ما در رهگذر تاریخ زیر پاگذاشته است).

ازمراسم مهم فصل، شب چله، روز یا روزهای خیدیر-الیاس (خضر)، چهارشنبه آخر، «قیشدان چیخدیم»[1]، و بالاخره نوروز[2] را می‌توان نام برد.

این مراسم عموماً عبارت است از:

اولاً گردهم‌آئی وانجام برخی کارها وآئین‌ها: ازاین قبیل است: ترتیب مجالس و تجمعات، شب‌نشینی‌ها، بازیهای مختلف، دید و بازدیدها، رقصها، مسابقات، شعر ونغمه‌خوانیها، قصه‌گوئیها وآئینهائی چون‌آمدن سایاچیها وغیره، روشن‌کردن‌آتش و پریدن از روی‌آب و امثال‌آن.

ثانیاً آزین‌بندیها وآرایشها: از تازه‌گرداندن لباس تا خانه تکانی، تغییردکور و تزئین، روشن‌کردن چراغ و امثال‌آن.

ثالثاً تهیه برخی خوراکیها: از قبیل سمنو، رنگ‌کردن تخم مرغ، تهیه‌هفت نوع غذا، تهیه‌آجیل مرکب از ۱۷ نوع دانه[۳]، پختن شیرینیهای خاص و غیره.

معمولا زمستان را به‌دوچله تقسیم می‌کردند چله بزرگ ۴۰ روز وچله‌کوچك ۲۰ روز در فاصلهٔ این دو-یعنی در چهار روزآخر چله اول و چهار روز دوم چله دوم-هشت روز را بنام سرمای خضر یا «خیدیر صویوغی» مشخص‌کرده بودند:

خیدیر نبی صویوغی
تندیره باصار طویوغی[۴]...

روز «خیدیر-الیاس» را با سرمای «خیدیر نبی» به‌علت فاصله این دو، نباید اشتباه کرد. روزهای آخر زمستان از نظر تقویم مردم داستان دیگری دارد. نخست ازکتاب «جشنها وآداب و معتقدات زمستان» چند سطری را عیناً می‌آوریم:

در ضمن نقل قصهٔ پسر چوپانی در موضوع پایان زمستان عیناً چنین می‌نویسد:

«... **جمیلردن بیری بوگئجه یئره دوشدی** یعنی ازکشتی‌هایکی‌بزمین‌افتاد و توضیح مطلب آنکه مردم ماکو عناصر اربعه را به‌چهارکشتی تشبیه می‌کنند ومعتقدند هرکدام از این چهار تا در مدت معینی به‌ساحل خاك می‌رسند. خاك و باد و آتش و آب چهارکشتی هستند و هر یك بفاصلهٔ ده روز به‌خاك می‌رسد یا به‌تعبیر اهل محل به‌خاك می‌افتد؛ مثل‌کشتی خاك در دههٔ آخر چله‌کوچك، همان شبی‌که‌کرداوغلی (قهرمان‌قصه) در برف‌گیر می‌افتد بزمین می‌رسد!... الخ.»[۵]

این نمونه مثال جالبی است از این‌که در جمع‌آوری و بخصوص در پژوهشهای فولکلوریك هرگز نباید اجازه دادکه تعبیر و تفسیر و وهم وگمان جای تحقیق و دقت‌و کار صحیح علمی را بگیرد.

آنچه‌که باعث این افتضاح‌گشته ناتوانی در درك معنای جملهٔ نقل شده و آسان گرفتن‌کار تحقیق در این زمینه و خیالپردازی به‌جای تحقیق است. درجمله‌ای‌که ازپسر چوپان آورده‌اند چون آشنائی به‌زبان عادات محلی نبوده[۶] **جمیلر** به‌جای **گمیلر** گرفته

شده و چون وجـود «گمی» یعنی «کشتی» در دشت و بیابـان غریب می‌نمود، نویسنده (ولو با آوردن»کشتی خاك به‌زمین!» خواسته است دخواریها را به‌زور تأویـل و تعبیر و خیالبافی بهرنحوی که باشد آسان سازد، غافل ازآنکـه نقل قول غلط است و صحیح چنین است: **جمره‌لردن بیری بوگئجه یئره دوشدی.**

یعنی «یکی از **جمره‌ها** امشب به‌زمین افتاد».

حال اندکی در بارهٔ «جمره‌ها» بگوئیم:

اقوام ترك را از دیرباز اعتقاد بر این بودکـه در چهار هفته، سه هفته و دو هفته به‌بهار مانده، یعنی اول هفتهٔ چهل و هشتم و چهل و نهم و پنجاه و یکم سال به‌ترتیب هوا و آب و خاك گرم می‌شود و تصوراین بودکه علت‌آن، افتادن جمره یا اخگر-«قور» و یا حرارت-«خیز» براین عناصر بود. بی‌مناسبت نیست‌که دراینجا یادآورشویم‌که«خیز» بر وزن «قیز» در ترکی معانی مختلفی دارد؛ ازآنجمله «حرارت» (قیزماق‌رابیادبیاورید) «قدرت» و «نیرو»[۷].

این سه دوره در زبان عامه به‌جمرهٔ اول و جمرهٔ دوم و جمرهٔ سوم معروف است. نام این سه در تقویمی‌که به‌سال ۱۳۰۲ بوسیلهٔ منجم‌باشی‌کامل افندی ترتیب یافته‌چنین آمده است:

«جمرهٔ اولی بارده»، «جمرهٔ ثانیه فاتره» و «جمرهٔ ثالثه حامیه» یا جمرات سرد و نیمگرم‌وگرم. در «قاموس ترکی» چنین می‌خوانیم: «جمره: ذغال درحال اشتعال، اخگر، حرارتی‌که در ماه شباط حاصل گردد...»

احمد راسم در جلد سوم بلوغ‌الادب اشاره به‌روایتی داردکه در زمان قدیم‌اعراب و به‌قولی چینیان (و شاید نیز اقوام دیگرکه در سردسیر دشتها و فلاتها می‌زیستند) در زمستان سه پناهگاه یا چادر تعبیه می‌دیدند،که اولی محیط بر همه ودومی‌قرارمیگرفت. حیوانات بزرگ را در اولی-بیرونی-و حیوانات‌کوچك را در دومی جای دادند وخوددر سومی می‌زیستند ودرهمهٔ این‌هاآتش روشن می‌کردند. به‌تدریج‌که زمستان‌بپایان‌می‌رسید نخست جمره یا حرارت وآتش چادر نخست را خاموش می‌کردند و سپس نوبت جمرهٔدوم بود و دست آخر جمرهٔ سوم برمی‌افتاد یا حرارت پناهگاه اندرونی را خاموش‌می‌کردند. روایت دیگری است‌که به‌موجب‌آن هر جمره بـا ستاره‌ای‌که در تاریخ سقوط‌آن جمره، غروب می‌کند انطباق داده می‌شود.

شعرای قدیم دراین فرصتها چکامه‌ها می‌سرودندکه به «جمرویه» اصطلاح‌می‌شود. برای نمونه چند بیت از شاعری به‌نام «ثابت» می‌آوریم:

دل ، آتش محبت ایله فیض یاب اولار
دریا کیمی که جمره ده پر آب و تاب اولار

یخ بسته می که پارهٔ یاقوت سرخ ایدی
تأثیر جمره دن گئنه لعل مذاب اولار
بیر حمله‌سینه تاب‌ور اولماز اُریر گئدر
دیو سفید برفه ده جمره شهاب اولار
قالماز ، بو فیض جمره ایلن نوبهاره دك
هر نخل کهنه تازه و هر شیخ شاب اولار
جمره ایله خوابگاهینا آتش بوراقدی گول
بلبل دؤنه دؤنه اوجاغیندا کباب اولار

جشن بهار و روز خضر-الیاس در سنت ترکان از بزرگترین روزها بود. ترکان ایران از دیرگاه آئین نوروز را نیز بر آن افزودند و مجموعهٔ مراسم جالب و زیبائی پدید آوردند.

میرعلی‌سیدوف، دانشمند آذربایجان شوروی در پژوهشهای وسیعی که کرده‌دریافته است که اسطوره‌ای اصیلی که خاص ترکان بوده و نامش را باید «خیزیر» نوشت (در بالا گفتیم که «خیز» در ترکی به‌معنای حرارت و نیرو است و «یر» یا «ییر»، «اور» به‌معنای «نغمه» و «شعر» و از سوی دیگر «یر» یا «ار» به‌معنای قهرمان و مرد است ونیز یادآور باید شدکه پسوند «یر» دلالت به‌زمان مضارع دارد و در مجموع میتوان «خیزیر» را «نیروبخش» یا «نیروآفرین» ترجمه کرد)[۸].

برحسب تصادفی بسیارفرخنده این اسطوره با «خضر» عربی‌هم‌نام وهمانندرآمده، اقوام ترك به‌تدریج همهٔ صفات «اؤله‌نگ» خدای‌آب، سبزی، جوانی و خانواده خود را با همهٔ ویژگیهای امثال «اورال‌باتور» (اسطورهٔ باشقیردی) به‌خضر داده‌اند و اوراچون نماد جملهٔ آن چیزهائی که بهار و زندگی و سرسبزی را تداعی می‌کند شناخته‌اند. جای تذکر است که «اورال‌باتور» دردنبال مبارزات ورنجهای فراوان در پایان، برعکس‌خضر، خود از خوردن آب زندگی چشم می‌پوشد وآنرا بدور و بر خود می‌پاشد و در نتیجه به‌جای این‌که خود از عمری بی‌پایان بهره‌ور شود موجب گردیده است که با این ایثار جهان را از خشکی و زشتی نجات دهد و به‌همگان (ولو در زندگی‌ای کوتاه) تا آنجاکه مقدور است با همهٔ مظاهر سرسبزی و نشاط-گل و آب و درخت-از شادی و خوشبختی بهره‌ای ارزانی دارد، تا به‌قول صائب تبریزی خطهٔ برومند ما در بهار سرخ‌روئی همچو جنت غوطه‌ور گردد.

پایان

منابع و یادداشتها

۱- سیدابوالقاسم انجوی شیرازی، جشنها و آداب و معتقدات زمستان، جلددوم،

استانهای آذربایجان و همدان صفحهٔ ۲۰-۲۱ تهران امیرکبیر ۱۳۵۴ در دنبال نام این مراسم چنین می‌خوانیم: «یعنی از زمستان درآمدم» و این نام یکی از رسوم‌شادی‌بخش و نیکوی قدیم **موند** است.

۲- برای اطلاعات بیشتر به‌منابع ذیل مراجعه شود:

الف- علی سلطانلی-آذربایجان دراماتورگیاسی‌نین انکشافی تاریخیندن-باکی ۱۹۶۴-صفحه ۲۶-۲۷.

ب- پروفسورم. طهماسب-خلق ادبیاتیندا موسم‌ومراسم‌نغمه‌لری «ادبیات‌غزئتی»، ۱۹۴۴ نومره ۷ و ۸.

ج- م. س. اوردوبادی- باهار بایرامی، «ادبیات و اینجه صنعت» غزئتی، ۱۹۶۸ نومره ۱۲ صفحه ۱۲.

د- ا. س. براغینسکی، باهار بایرامی حقینده، «ادبیات و اینجه صنعت» غزئتی، ۱۹۶۷ نومره ۲۰.

۳- انجوی شیرازی، همان اثر، صفحهٔ ۶.

۴- ایضاً صفحهٔ ۴۰.

۵- ایضاً صفحهٔ ۲۰.

۶- از شگفتی‌های روزگارآنکه در دوران شوونیسم آریامهری اگر هم‌برای‌خالی نبودن عریضه می‌خواستند در بارهٔ ما سخن بگویندگوئی شرط انجام‌کار، یا ناآشنائی با موضوع بود یا غرض و مرض‌کامل و یا انتخاب موضوع عوضی. چنانکه جز مثالی‌که درمتن‌آمده‌کتابی نیزدرباب «پیشرفتهای محیرالعقول» سرزمین فراموش‌شدهٔ ما در«دوران پرشکوه! شاهنشاهی» ساخته و پرداخته شد، «استادنا»که مأموریت این عظیم را بدوش می‌کشید الحق در انجام «سفارش» سنگی تمام‌گذاشت، نقل هر حادثه‌ای افتخارآفرین را باتکای سست‌ترین روایات منتفی‌دانست، غزها یا «اوغوز»ها «وحشی» خواند! پیوند دده قورقود را از ما برید! و به‌عنوان «تیر خلاص» با وجود ناآشنائی مطلق به‌زبان ترکی، دستور زبان ترکی آذربایجانی‌ای را هم در تکمیل‌کتاب حجیم خود به‌رشته‌تحریردرآورد یا در حقیقت «مونتاژ» فرمود! از سوی دیگرمحققینی نیز هروقت فرصتی یافتند وتحقیقی کردند زبان امروزی را از یاد بردند و به‌نبش قبر پرداختند و با چراغ به‌دنبال «تاتی»و «هرزنی» افتادند و به‌قول سعدی بنیان خانهٔ زبان ما راکندند و بام قصر ظلم راواندودند و بی‌خبر از احوال خانه چون منجم معروف وکذائی به‌پژوهش‌آسمانهاکمر همت بستند.

۷- میرعلی‌سیدوف، خضری‌تورك‌دیللی‌خلقلارین اینامی‌یاراتمیشدیر، «آذربایجان» ژورنالی باکی ۱۹۷۹ نومره ۷ صفحه ۱۹۳.

۸- ایضاً صفحهٔ ۱۹۳ و ۱۹۴.

آذربایجان ادبیات تاریخینه بیر باخیش

(۹)

یازان: دکتر جواد هیئت

۴-۱۹-اونجی عصرین ایکینجی یاریسیندا ادبیات- بوعصرین اورتالاریندا و ایکینجی یاریسیندا، مخصوصاً شمالی قفقاز دمیریولی چکیلدیکدن صونرا، روسیانین صنعتی مالالاری آذربایجان شهرلرینه دولماغا باشلادی. گنجه، شکی وشوشانین بازارلاریندا بوزمان روس مالالاری ساتیلیردی. روسیا ایله اقتصادی مناسبت گنیشلندیکجه تجارت آرتیروجانلانیردی.

کیچیك بیر لیمان (بندر) دان عبارت اولان باکی شهری، ۱۸۷۰ دن صونرا، نفت صنایعی نین انکشافی ایله، سرعتله بؤیومگه باشلادی، روسیا و اوروپا-نین کاپیتالیستلری باکی یه آخین ائدرك اونون زنگین والده یمه میش نفت قایناقلارینی (منبع)، اوجوز فعله قوه سینی استثمار اباشلادیلار. بوعصرین صونلاریندا باکی آرتیق (دیگر) صنایع مرکزینه چئوریلمیشدی.

۱۹-اونجی عصرین ۶۰-اینجی ایللرینده روسیادا معارفچی لیك حرکاتی ان بؤیوك و مترقی اجتماعی جریان اولاراق انکشاف ائدیردی بوجریانین نماینده لری خلقی کهنه نظامی ییخماغا و روسیانی هرطرفلی« اوروپالیلاشدیرماق» وکندلیلرین منافعینی مدافعه اتمه یه چاغیریردیلار. مسکو وپطرسبورگ دارالفنونلاریندا انقلابچی روس طلبه لری ایله بیر یرده اوخویان آذری طلبه لر قاباخجیل فکرلرله وطنلرینه قاییدیردیلار. حسن بیگ ملکزاده زردابی، نجف بیگ وزیروف، احمدبیگ جوانشیر، عسکرآدی گؤزلوف بئله منور

لردن‌ایدیلر. بئله لیکله‌آذربایجاندادا روس‌واروپا مدنیتی‌تاثیری‌داها قوتلنیر، دموکراتیک و معارفچی فکرلر یاییلماغا باشلاییردی.

آذربایجان ادبیاتی‌دا بئله بیر تاریخی و اجتماعی شرایطده سرعتله انکشاف اتدی. باکیخانوفلاباشلایان ینی معارفچی ره‌آلیست ادبیات، میرزا فتحعلی‌آخوندوفون‌یارادیجی لیغندا ادبی سویه‌سینه یوکسله‌بیلدی.

آخوندوف روس واوروپاکلاسیکلرینی اوخویور، معاصر اوروپافلسفه‌سینی‌ایزله‌ییر (تعقیب‌ائدیر) و ۱۸۵۰ده یاراتدیغی کمدی‌لریله‌آذربایجان ملی دراماتورگیا (نمایشنامه نویسی) سینین بناسینی‌قویدی. اوبیرطرفدن‌عرب الفباسینین ده‌گیشدیریلمه‌سی مسئله‌سینی ایره‌لی سوره‌رک بو خصوصدا طرح‌لر وئریر، شرقده فرهنگی و مدنی انقلاب یاراتماق ایسته‌ییر، معاصریازیچیلاردان میرزا ملکم‌خانین، رضاقلیخانین، شاعر سروشون‌وسایره‌نین اثرلری حقینده ادبی‌ـتنقیدی مقاله‌لر یازیر و نهایت فاناتیزمی‌تنقید ائدن «کمال‌الدوله مکتوبلاری»کیمی چوخ‌کسگین بیراثرین مولفی‌کیمی میدانا چیخیردی. بوایللرین ادبی ینی لیکلریندن بیری‌ده‌آذربایجان مطبوعاتی‌نین یارانماسی ایدی.

حسن‌بیک‌زردابی ۱۸۷۵ده ایلک‌دفعه اولاراق، باکی‌دا، تورکجه اکینجی‌غزته‌سینی نشراتمگه‌باشلادی. بونشریه سیدعظیم شیروانی، نجف‌بیگ‌وزیروف، عسگرآقاآدی‌گؤزل کیمی مترقی یازیچیلاری اؤزاطرافینا توپلادی وکسگین (قاطع و تیز) مقاله‌لریله‌جهالته، فاناتیزمه قارشی چیخیر، معارفچی‌ـدموکراتیک فکرلری تبلیغ ائدیردی. بو روزنامه‌آیدا ایکی دفعه منتشر اولوردی متاسفانه اوچ ایل‌دن صونرا چار اداره‌سی طرفیندن توصیف ائدیلدی. معارفچی ره‌آلیست ادبی جریانی یانیندا باشقا ادبی جریانلاردا وارایدی.

شعرده غزلچیلیک داهاگنیش‌یاییلاراق انکشاف اتمکده‌ایدی.

۱۸۶۰-۷۰ ایللرینده‌قارا‌باغدا «مجلس انس» و «مجلس فراموشان»، شاماخیدا «بیت‌الصفا» باکیده«مجمع‌الشعرا»کیمی شعر مجلس‌لری یارانیر و بومحفل‌لرده یوزلرجه غزلسرالارتوپلانیردی. قاراباغدا عبداله‌بیگ **عاصی**، خورشید بانو **ناتوان**، شاماخیدا میرزا نصرالله **بهار**، حاجی**سیدعظیم شیروانی**، باکیدایوسف**خالق**، محمدآقا**جرمی**، گنجه‌ده‌میرزامهدی **نقی**، شکی‌ده اسماعیل‌بیگ **ناکام**، دربنده‌ده **قمری** کیمی گؤرکملی غزل شاعرلری یتیشمیشدیر. بودؤرده جانلانان غزل شعری‌نین الهامچی‌سی سید عظیم شیروانی ایدی. او معارفچی‌ـساتیریک شعرلریله معارفی‌تبلیغ ائدیر وخلقی‌اویاندیرماغا چالیشیردی. بوعصرده عینی زماندا مرثیه شعری و عرفانی شعر هر ایکی‌آذربایجاندا یازیلیردی. مرثیه شعری حقینده داها اول معلومات وئریلمیشدیر. عرفانی شاعرلرین باشیندا **نباتی** گلیردی. **سیدنگاری** و **شاه‌نگارخانم رنجور** صوفیانه وغنائی‌شعرلریله

او یئرلردن سچیلیرلر.

۱۹ ـ اینجی عصرین ایکینجی‌یاریسیندا شفاهی خلق ادبیاتی‌دا انکشاف‌ائده‌رك یاییلماقدایدی . بودورین‌ان گؤرکملی خلق‌شاعرلری عاشق علی عسکر، شمکیرلی‌عاشق حسین، شکی‌لی عاشق ملاجمعه، عـاشق محمود ایدی. عاشق علسکر عاشق شعری‌نین بؤیوك بیر استادی کیمی یوکسلمیشدیر.

بودوره‌ده انکشاف ائدن شفاهی خلق ادبیاتیندا **قاچاق‌نبی** حقینده‌بیرسیرانغمه‌لر و خاطره‌لر یارانمیشدیر. بو خاطره و نغمه‌لرده تصویر اولونان قاچاق‌نبی دشمنله مرد و جسارتلی وورُوشان، قورخماز بیر خلق قهرمانیدیر.

یوقاریدایازدیقلاریمیزی خلاصه‌ائدرسك بودورده دراماتورقیا، مطبوعات‌یارانمیش، ادبی محفللر قورولموش وگؤرکملی و نفوذلو شاعرلر یتیشمیش و ادبیاتـدا دموکراتیك فکرلر انکشاف اتمیشدیر.

میرزا فتحعلی آخوندوف (۱۸۷۸-۱۸۱۲). میرزافتحعلی‌آخوندزاده۱۸۱۲ ده نوخا (گنجه محلاتیندان) دا آنادان اولموش، آتاسی خامنه‌ای و آناسی نوخالی‌دیر. سککیز یاشیندا باباسیندان‌آیریلمیش وآنـاسی‌نین عمی‌سی حاجی علی عسکرین حمایه‌سینه کئچمیشدی. او حـاجی علی عسگردن الهیات، عـربجه و فارسجایی ئویرنمیش و اسلام فرهنگینه دریندن بلد اولموشدی. ۱۸۳۲ده میرزا شفیع واضح ایلـه ثانیش اولدوقـدان صونرا اوندان نستعلیق یازیسینی اویره نیرکن اونون تاثیری آلتیندا روحانی اولماقدان وازگچمیش (صرفنظر ایله‌میش) ومعاصرعلملره ماراق (علاقه) تاپمیشدیر. ۱۸۳۴ده‌میرزا فتحعلـی تفلیسه‌کؤچموش و اورادادولت اداره‌سینده شرق دیللری مترجمی اولموشدور. چالیشه‌یغی‌وظیفه‌ده باجاریق‌ولیاقت گؤسترديگیندن تزیوکسلمیش و ۱۸۴۸ده‌چارحکومیی طرفیندن ناصرالدین‌شاهین تخته چیخماسینی تبریك ایچون گونده ریلن نماینده‌لرله ایرانـا گلمیش و بوفرصت‌ده میرزاتقی‌خان‌امیرکبیرایله‌گؤروشموش و ایرانین وضعی‌ایله‌یاقیندان تانیش‌اولموشدور. ۱۸۴۲ده‌آخوندوف‌آخوند حاجی‌علسکرین قیزی طوبی‌خانملااولنمیش وآخوندزاده‌آدینی اؤزونه صوی‌آدی (نام فامیل‌ولقب) سچمیشدیر. ۵۵-۱۸۵۰ آراسیندا مشهورآلتی کمدی‌سینی یازمیش و ۱۸۵۷ده «آلدانمیش کواکب» حکایه‌سینی و ۱۸۶۰دادا «کمال‌الدوله مکتوبلاری» نی‌یازمیش‌واوندان صونرا ینی‌الفبانی قبول‌ومتداول‌ائتدیرمك ایچون چالیشمیش و ۱۸۷۸ده تفلیس‌ده اوره‌ك خسته‌لیگیندن‌وفات اتمیشدیر. آخوندوف بدیعی یارادیجیلیغا(۱)شعرله باشلامیشدیر.ایلك‌شعرینی مشهور روس شاعری پوشکین‌ین ئولومونه دایر و فـارسجا یـازمیشدیر (پوشکینین قتلی حقینده شرق پوئماسی). بو شعر

۱ـ هنری خلاقیت و فعالیت.

مارلینسکی طرفیندن روسجا یا ترجمه ائدیله‌ره‌ك چاپ‌اولموش و گئنج شاعره بؤیوك بیرشهرت قازاندیرمیشدی.

بو پوئمادا شاعر طبیعتین گؤزه‌ل تصویرینی وئردیکدن صونرا، پوشکینین ئولوم خبریندن دوغان درین کدرینی، روحی الم و هیجانلارینی افاده اتمیش و پوشکینین روس ادبیاتیندا کی موقعینی تعیین و ترسیم اتمیشدیر.

بو منظومه‌دن باشقا آخوندوف تورکجه و فارسجا مختلف شعرلر یازمیش؛ بعضاً واقف سبکینده عاشقانه توشمالار، بعضاًده دوستلارینا (قاسم بیگ‌ذاکر ونوا وباشقالاری) منظوم مکتوبلارو حتی الفبا اوغروندا (یولوندا) آپاردیغی مبارزه‌لرحقینده شعرلر یازمیشدیر. شعرلرینده صبوحی تخلصینی سچمیش لکن شعرله کفایتلنمیه‌ره‌ك ادبیاتین باشقاساحه‌لرینه، دراماتورقیا (نمایشنامه) و نثره کئچمیشدیر.

کچن عصرین ۴۰-اینجی ایللرینده تفلیس‌ده تآتر حیاتی جانلانمایا باشلامیشدی. او زمان‌وارلی گرجی خانلاری‌نین اولرینده بعضاًده آچیق هوادا موسیقی کنسرتلری و تآتر تاماشالاری تشکیل اولونور و روس و گرجی یازیچی‌لاری‌نین اثرلرینده کیچیك پارچالار اوینانیردی. ۱۸۵۱ ده تفلیس‌ده بؤیوك بیر تآتر بناسی تیکیلدی، میرزا فتحعلی بو تآتر تماشالارینی ایزله‌دیکجه، شکسپیر، مولیر، گریبوندوف و گوگول کیمی بؤیوك نمایشنامه یازانلارین اثرلرینی اوقور و تآترین بؤیوك فرهنگی رولونو دوشونه‌ره‌ك تآتر اثرلری یازماغا هوسله‌نیردی.

بئله‌لیکله ۵۵-۱۸۵۰ آراسیندا یازدیغی آلتی کمدی نمایشنامه (**حکایت ملاابراهیم خلیل کیمیاگر، حکایت مسیو ژوردان و درویش مستعلیشاه جادوکن مشهور، حکایت خرس قلدرباسان، سرگذشت وزیرخان لنکران، سرگذشت مرد خسیس** ویا **حاجی قارا** و **مرافعه وکیل‌لری‌نین حکایتی**) لریله آذربایجان دراماتور قیاسی‌نین تملینی قویدو.

آخوندوف بوساحه‌ده «بانی‌کار» اولماسینی بوشکلده ایضاح ائدیر.

چون امیراعظم کنیاز[1] بورونسوف فرمانروای مملکت قافقازیه ۱۲۶۶ اینجی‌سنه‌ده شهرتفلیسده بیرعمارت عالیه تآتر اسمیله برپا ائدیب، بالاده مذکور اولان منافع کلیه‌نین وسایلی اکتسابینا مخارج کثیره صرف اتمك ایچون، کلی حمایت و عنایت ظاهر بویوردو لهذا من دخی ملت اسلامی بو امر غریبدن مستحضر اتمك ایچون بر سبیل امتحان، بیر حکایت تصنیف ائدیم ایندی جمله‌سینی بیر مجلدین ایچینده ارباب کمالا معروض ائدیب باشقا مصنفلر کیمی توقع اتمیرم که نیك و بدیندن اغماض ائتسینلر؛ بلکه تمنام بودورکه

۱- خان.

بوعلم جدیده مخبراولوب بقدرقوهٔ خیال امثالینی تصنیف اتمیه اقدام ائده‌لرکه‌اونلارین اهتمامیندان بوفن عجیب اسلام‌آراسیندا دخی شهرت تاپا. مندن‌آنجاق انـدازه و نمونه گؤسترمك، بانی‌کار اولماق ایدی[1].

آخوندوف اوروپالی لارکیمی تآترا، انسان اخلاقینی اصلاح ائدن بیر **عبرتخانه و مکتب**کیمی باخیردی وکمدی‌لرینده انسانی تربیه‌یولی‌ایله دوزلتمك واونادوغروبیر جهت وئرمك مقصدینی ایزله‌ییردی.

تمثیل‌لری‌نین مقدمه‌سینده دراماتور قیادان بحث ائدرکن یازیرکی: «فایده‌ی نقل مصیبت و بهجت بنی‌نوع بشرین اخلاق و خواصینی بیان اتمکدیرکه مستمع‌یاخشیلارینا خوشحال ویامانلاریندان متأذی و غافل اولا و هم نفس اماره بوگونه حکایتین استماعینا مشغول اولماقـلا لذت‌گـؤروب معاصی و منـاهیدن جلـب سرور اتمیه میل ایله‌میه». آخوندوف نمایشنامه یازماق‌دا نقل بهجت یعنی‌کمدی یولونو سچمیش ویازدیغی‌ساتیریك کمدی‌لرینده اوزمانکی اجتماعی حیاتین منفی لیکلرینی‌کسگین‌کولوش و نیشخندله‌افشاء و تنقید اتمیشدیر.

حکایت ملاابراهیم‌کیمیاگـر نمایشنامه‌سینده شرقده چوخ یاییلمیش اولان یـالانچی گیمیاگر لیك و موهومات علیهینه چیخمیشدیر. اثـرده ترسیم ائتدیگی نوخالی تاجرلرین وملاابراهیم خلیلین‌سیماسیندا کهنه جمعیتین طمعکار، عوام ویالانچی تیپلرینی‌تصویراتمیش و بومنفی تیپلره قارشی مثبت سیما اولاراق شاعر حاجی نوری‌نی ایـره‌لی سورموشدور. حـاجی نوری ملاابراهیم خلیلین فیریلـداغینا اینانارق مسین قیزیـلاچوریلدیگینی یقین

---

۱ ـ آخونـدوفون بـو نظری تـاریخی باخیمدان دوغـرو دگیلدیـر . چونکـه‌کمدی نمایشی اوروپادا (فرانسه) ۱۵ـاینجی عصرده باشلادیغی حالده مسلمان سلجوق تورکلرینده، ۸۵۰ ایـل بوندان قـاباخ مرسوم ایـدی. بیزانس امپراطـوری آلکسیوسون قیزی‌آنـا، کومنینی باباسی‌نین سلطنت دورینه عائد یازدیغی‌آلکسیاد آدلی تاریخ‌کتابیندا Alexiade بئله یازیر: ۱۱۱۶ده بیزانس امپراطوری قلیج ارسلان اوغلو ملکشاه اوردوسوایله حربه حاضر لاندیغی زمان نقرس خسته لیغینا توتولور و حربه‌گئده بیلمیر. تورکلر بـو مسئله‌نی تمارض تلقی ائدیب حقیقی سببین امپراطـورون تورکلرله حربدن قورخماسینا بـاغلامیشلار و حادثه‌نی بیرکمدی شکلینده نمایش وئـرمیشلر. بـو نمایش‌ده امپراطـوری بیر ارابه‌نین اوستونـده دکتر و پرستار لاریلـه بیر لیکـده صحنه‌یه چیخارمیشلار.

Ferdinand_Chalandon. Essai Sur Le Regne D'alexis, 1. Comnene, 1900. Paris.

ائده‌ن تاجرلری ئوزکسگین و معقول سؤزلریله مذمت‌وملامت ائدیر واکسیرین، انسانین ئوز هنرینده وباجاریغندا اولدوغونو ایره‌لی سورور؛ لکن اونون سؤزلری تاجرلره‌خوش گلمیرومجلس‌دن قووولور. مؤلف‌حاجی‌نوری‌نین‌سیماسیندا اوزمانکی قاباقجیل‌آذربایجان منورلرینی تصویر اتمیشدیر.

حکایت مسیو ژوردان حکیم نباتات و درویش مستعلیشاه جادوگر نمایشنامه‌سینده قارانلیق شرق عالمی‌ایله اوروپانین مقایسه‌سینی وئرمیشدیر. مستعلیشاه سیماسیندا فیریلداقچی‌جادوگردرویشلری افشاء وتنقیداتمیش، نباتات‌عالمی‌مسیوژوردانین سیماسیندا ایسه اوروپا مدنیتی‌نین قاباقجیل فکرلرینی وآذربایجانین اوروپالی لاشدیرماق فکرینی ایره‌لی سورموشدور.

سرگذشت وزیرخان لنکران‌کمدیسی‌ایله‌آخوندوف فئودال اداره اصولونا قارشی کسگین بیر ساتیرا یاراتمیشدیر. اثرده خانین سارساق حرکتلری، وزیرین ایکی اوزلو یالتاق سیماسی مهارتله افشا اولونموشدور. تیمور آغا ایسه، اداره اصولوندا معین بیر دئیشیکلیك یاراتماق ایسته‌ین لیبرال دوشونجه‌لی و عقللی بیر خاندیر بواثر عینی زمانلا بیر معیشت‌کمدیسی‌دیر.

خرس قلدرباسان‌کمدیسی‌آذربایجان‌کندلی حیات وگچیمینی (معیشت)عکس‌ائتدیرن ره‌آلیست بیر اثردیر. تورکجه ویرلی خصوصیتلری بیلمه دیکلری ایچون چتین‌وگولونج بیر وضعیته دوشن چار مأمورلاری، ئولکه‌ده جهالت و قلدرلوغون چوغالماسی و قادین اسارتی تصویر اولونموشدور.

حاجی‌قاراآخوندوفون ان مشهور و قوتلی‌کمدیلریندندیر.اثرین‌بیرینجی قهرمانی حاجی قاراخسیس بیرتاجردیر و بوسببدن‌گولونج بیر وضعه دوشموشدور. اثرین‌ایکینجی سیماسی حیدربیگ‌دیر.

او بودورده‌کی بیگ ومالکلرین افلاسینی و بونون نتیجه‌سینده هرایشه‌باش‌ووروپ چاریزمه بنده‌لیك اتمه‌لرینی‌گؤسترمیشدیر.

مرافعه وکیل‌لری‌کمدیسی اوچ ایل صونرا یازیلمیشدیر. بواثرده محکمه‌ایشلرینده کی حق‌سیزلیقلار، رشوت، وکیل‌لرین فیریلداقچیلیغی شدتلی صورتده تنقیدائدیلمیشدیر. مولف چار سانسورونون دقتینی جلب اتمه‌مك‌ایچون حادثه‌نی قصداً تبریزه کؤچور موشدور.

تبریزده حیله‌گر لیگیله مشهور اولموش مرافعه وکیلی (وکیل عدلیه) آقا مردان، ئولن قارداشی حاجی غفوردان سکینه خانما یتیشه‌جك آلتمیش‌مین تومن لیك میراثی محکمه یولیله اونون‌الیندن چیخارماق ایچون حیله ایشله‌دیر، یالانچی‌شاهدلردوزه‌لدیر،

حاکم شرعی ئوز طرفینه چکمیه چالیشیر لکن محاکمه اثناسیند اونون شاهدلری ایشین حقیقتینی سؤیله‌ییرلر و بثله لیکله حق و عدالت غالب گلیر.

آخوندونون کمدی‌لرینده‌یالنیزمنفی‌تیپلردگیل، عصرین‌قاباقجیل، مثبت‌آداملاری‌دا مهم ریرتوتورلار. مؤلف منفی تیپ‌لری داها دریندن افشا اتمك ایچون‌مثبت‌سیمالاردان استفاده اتمیشدیر. اثرلرده‌کی منفی تیپلر اوزمانکی محیطین اجتماعی منفیلیکلرینی‌تمثیل ائدیر دیلر. مثبت تیپلرین جدی سیمالاری و بعضاًکسگین مبارز چیخیشلاری و عاشقانه ماجرالاری‌آخوندوف کمدی‌لرینی بیر حده قدر «جدی دراما» یاخینلاشدیریر.

آخوندوف کمدیلرینی ئوز و روسجا یا ترجمه اتمیش و ۱۸۵۸ده تفلیس‌ده چاپ اتدیرمیشدی. تورکجه چاپینا بیر چوق زحمتدن صونرا ۱۸۵۹دا موفق اولابیلمیشدی. آلتی‌نمایشنامه‌سینی‌آلدانمیش کواکب آدلی‌حکایله‌سیله بیرلیکده **کلیات** آدیله‌چاپ‌اتمیشدیر.

کلیات، ۱۸۷۲ده میرزامحمد قاراجاداغی طرفیندن فارسجا یا ترجمه ائدیله‌رك ایراندا چاپ اولونموشدی. ۱۸۸۲ده سرگذشت وزیرخان لنکران قاراجاداغی‌نین‌فارسجا ترجمه‌سیندن انگلیزجه‌یه ترجمه ائدیله‌رك فارسجا متنی ایله بیر لیکده لندن‌ده نشر ائدیلدی. مرافعه وکیللری‌نین فرانسیزجا ترجمه‌سی‌ده اوندان بیر ایل صونرا نشر ایدیلدی و بوصورتله بیرنئجه ایل ایچریسیندهٔ آخوندوفون کمدی‌لری اوروپادا‌یایبلیب، مولف ایچون بؤیوك بیر شهرت قازاندیردی اوروپادا اونا شرقین موللیری و قفقازین گوگولی لقب وئردیلر.

آلدانمیش کواکب حکایه‌سی بیرینجی شاه عباسین استبدادینا قارشی یازیلمیش بیرساتیرادیر. شاه‌عباس‌اونون اطرافیناتوپلانان‌وزیرلرین، روحانی، منجم‌باشی‌وسایره‌نین سیمالاریندا ایران استبدادی‌نین نماینده‌لری تصویرایدیلمیشدیر. شاه ایکی‌اوزلو، یالتاق وزیرلر ودرباری روحانی‌لرین الیله ایران خلقینی تالان‌ائدیر، آدام شاقالاییب، بوروون، قولاق‌کسیرگؤز چیخاردیر و بوکیمی وحشیانه جزالارلا انسانلاری محو ویامعلول‌ائدیر؛ شخصی حرص وآرزوسونو ارضا اتمك ایچون خلقین قیز وگلینلرینی زور لاعرمخاناسینا گتیردیر؛ اطرافیناکی‌لاردا ئوز موقعیتلرینی ساخلاماق ایچون شاهایالتاقلانیر و اونون ظالمانه حرکتلرینی آلقیشلاییر[1]لار.

وزیرجنگ سردارزمانخان ئوزونو آستانه‌ی علیه‌نین قوجا ایتی‌ساییر، مالیه‌وزیری میرزا محسن دولت مأمور لاری‌نین‌حقوقونو وئرمه‌مك یولیله پادشاهلیق خزینه‌سینی دولدورماغی ئوزونه بؤیوك بیرموفقیت‌بیلیر، ملایاشی آخوندصمده وزیرلرکیمی‌یالتاق و ایکی اوزلودور. اودا شاهی تعریفله‌ییر، اونا دعا اوخور، سنی مذهبینه قارشی مبارزه سیندن و خلقه زورلا شیعه مذهبینی قبول ائتدیرمه‌سیندن دانیشیب ئویونور[2] و شاهین

۱ـ تحسین اتمك، چیپك چالماق ۲ـفخر اتمك.

خلاف شرع ایشلرینی توجیه ائدیر. مؤلف بو طفیلی زمره‌یه قارشی **یوسف سراجی** مثبت بیر سیما اولاراق میدانا چیخاریر.

یوسف سراج شاهلیغی الینه‌کچیر دیکدن صونرا ایشلرینده بؤیوك دییشیکلیکلر یارادیر، اولا حکومت اداره‌لرینی تصفیه‌ائدیر، یالتاق و احمق وزیرلرین یرینه عقللی و باجاریقلی آدامللار گتیریر، منجم باشیلیق وظیفه‌سینی لغوائدیر، وحشیانه جزالاری آرادان قالدیریر، محکمه‌سیز هیچ بیرکیمسه‌یه جزاوئریلمه‌مك حقینده قانون‌قویوروعدلیه محکمه‌لری‌نین تشکیلینه باشلایبر و عینی زماندا والی‌لره خلق ایله یاخشی رفتار اتمك ایچون یول لار گؤسته‌ریر.

خلق ایچریسیندن چیخیب حکومت باشیناکچن یوسف‌سراج مولفین یدی‌ایل‌قاباخ یازدیغی کمدی‌لرده‌کی حاجی‌نوری وتیمورآقاسیمالاری‌نین‌داهاانکشاف‌اتمیش‌وتام‌یتیشمیش بیردوامیدیر. یوسف شاه‌گنیش سیاسی‌بیربرنامه‌ایله حرکت‌ائدیر. اوبؤیوك بیراصلاحاتچی دولت آدامیدیر.

آلدانمیش‌کواکب داستانی‌آذربایجان ادبیاتی‌تاریخینده ساتیریك‌حکایه‌نین‌ان‌یوکسك نمونه‌لریندندیر. بو داستانی‌یازدیقدان صونرا آخوندوف اؤزونوداها چوخ ینی الفباء، فلسفه و ادبی تنقیده حصر اتمیشدیر. الفبانین ده‌ییشمه‌سینه عائد دورد طرح (لایحه) و و بیر چوخ مقاله ومکتوبلار یازمیشدیر. ایران، ترکیه و روسیه دولت‌آداملارینایازدیغی مکتوبلارینداعرب الفباسی‌نین‌نواقصیندن، تحصیل و تدریسده چتینلیك تؤرتمه‌سیندن[1]، خلقین‌فرهنگی انکشافینا مانع اولماسیندان‌شکایت ائدره‌ك بوالفبانین لاتین الفباایله‌عوض ائدیلمه‌سینی ایسته‌میشدی. شاهزاده اعتضادالسلطنه‌یه گؤندردیگی تاریخی مکتوبوندا (۱۸۷۴) بئله‌یازیر: بلی‌من‌ئوزوم‌ده‌آنلاییرام‌امایازیرام‌ودیری‌اولدوقجا یازاجاغام‌دا، تاکه، الفبانی ده‌ییشدیرمك فکری بوتون ملتین آراسیندا یاییلمیش اولسون نئجه‌کی اون‌بش‌ایله یاخیندیرکی بوفکرین توخومونو ایران و ترکیه تورپاغیندا سپمیشم. شبهه یسزکی تخم خلف‌لریمیزین عصرینده اُوزون گؤستره جگدیر. آخوندوف بوایش ایچون ترکیه‌یه‌ده مسافرت اتمیشدیر.

آخوندوفون «کمال‌الدوله مکتوبلاری» آدیندا کی اثری اونون فلسفی فکرلری و سیاسی فعالیتی‌نین گؤزل‌افاده‌سی‌دیر(۱۸۶۵). استبداد و مذهبی تعصبات علیهینه یازدیغی بو اثرین عواقبیندن قورونماق[2] ایچون اؤزمؤلفلیگینی گیزله‌دیر و ئوزونو اثرین‌مترجمی گؤسترمگه‌چالیشیردی. بیرمدت صونراکمال‌الدوله‌مکتوبلاری‌نی ئوزو طرفیندن‌نه‌مقصد ایله یازیلدیغینا اشاره ائدیرواصل هدفی مدنیتیه مانع اولان مذهبی فاناتیزیمی‌قالدیرماق

۱ـ ایجاد اتمك. ۲ـ محفوظ قالماق.

و اسلامدا پروتستانتیزم یاراتماق اولدوغونو بیان ائدیر.

کمال‌الدوله‌نین بیرینجی مکتوبوایرانین جمشیدوگشتاسب زمانیندا کی دولت‌قانون نامه‌سی اولان «پیمان فرهنگ»ین تصویریله باشلانیر و بونون آردینجا معاصر ایرانین هرطرفلی‌تصویری وئریلیر: «یول‌لارین خراب، قریه‌لرین ویران، شهرلرین بی‌رونق، کوچه‌لرین «بی‌انجام» اولماسی، حاملارین ناتمیزلیگی، مالیه ایشلرینده‌کی هرج‌ومرج، محکمه‌لرده‌کی‌قانسوزلوق وئوزباشینالیق، مطبوعات، تاریخ، شعر ساحه‌لرینده‌کی‌اساسلی نقصانلار، جهالت‌وموهومات،منجم‌لرین، درباری‌روحانی‌لرین«یالتاق‌وآلچاق‌طبیعتلری»، پادشاهلارین ظلمو و سایره تصویر اولونور و ایران خلقی انقلابا دعوت ائدیلیر: «ای اهل ایران» اگرسن نشأه‌ی‌آزادی‌دن و حقوق انسانیدن خبردار اولسایدین بئله‌عبودیته، بئله رذالته متحمل اولمازدین. کسب علمه طالب اولوب **فراموشخانه‌لر** آچاردین، مجمعلرپاپاردین، وسائل‌اتفاقی‌دریافت‌ائدردین، سن عاده واستطاعتده دسپوتدان[1] بمراتب آرتیقسان‌سنه‌آنجاق یکجهتلیق ویکدل لیك‌لازیمدیر ، اولجه رووولوسیا[2] ائدیب‌عبودیتدن نجات تاپاردین، اگر بو حالت یعنی اتفاق سنه میسر اولسایدی ئوزونه بیر فکرچکردین و ئوزونو پوچ عقایدین قیدیندن، دسپوتون ظلموندن نجات‌وئره‌ردین»

آخوندوفون فلسفی‌گؤروشوآتمیست نظریه‌سینه یاقیندیر ؛ اونون نظرینجه کائنات بوتؤ و مادی بیر وارلیقدان عبارتدیرکی بوداصایی‌سیزحسابسیز ذره‌لردن متشکلدیر. او زمان و مکانین خارجینده وارلیغین غیرممکن اولدوغونا اینانیر. اونون فلسفی گؤروشلرینده بیرطرفدن ۱۸ـاینجی عصر فرانسیز متفکرلری‌نین (ولتر، مونتیسکیو، روسو، میرابو و مخصوصاً ارنست رنان) بیرطرفدن‌ده شمس تبریزی، ملای رومی، شبستری‌کیمی‌وحدت وجوده‌معتقد فیلسوفلارین تاثیری‌گؤرونور. او عقلین اصلالتینه و حکومتینه اینانیردی؛ ادبیاتدا ره‌آلیزمی‌تبلیغ‌ائدرکن‌ادبیاتین اجتماعی، تربیه‌دی‌رولونو اساس بیروظیفه‌کیمی ایره‌لی سوروردی. او ئوز بدیعی‌ـاجتماعی اثرلریله‌آذربایجان خلقی‌نین اجتماعی فکر انکشافیندا مهم بیر رل اویناميشدير.

۱۹ـ اینجی عصر ادبیاتیندا کلاسیك شعر جریانی: ۱۹ـاینجی عصرده آذربایجان ادبیاتیندا کلاسیك شعر جریانی‌دا مهم یرتوتاراق دوام اتمکده ایدی. زنگین ادبی عنعنه‌لره و یوزلرجه، استعدادلی شاعره صاحب اولان بو شعر جریانی چوخ‌گنیش یاییلمیشدی. بوجریان غنائی (غزل) و عرفانی و مرثیه شعری‌کیمی اوچ اساس خطده دوام ائدیردی.

مرثیه شعر و ادبیاتیندان داها قاباخ بحث اتدیگیمیز ایچون تکرار یازماغی زائد

۱ـ دیکتاتور. ۲ـ انقلاب.

گؤروروخ. غنائی شعر و شاعرلریمیزدن، جنوبی‌آذربایجانا عائد اولانلاری، گچن مقاله‌لریمیزده شرح‌وئردیك؛ شمالی‌آذربایجان غزلسرالارینی‌دا بومبحثین صونوندا خلاصه اولاراق ایضاح ائده‌جگیك. عارف‌وصوفی شاعرلریمیزدن، نباتی‌دن‌ده، جنوبی‌آذربایجان شاعرلری‌آراسیندا بحث ائتدیك شمالی‌آذربایجانداکی صوفی شاعرلرین ان‌گؤرکملی‌لری سیدحمزه نگاری، رنجور خانم، وحیدی، طالبی و عسگری دیر.

میرحمزه افندی سید نگاری قارابـاغلیدیر (۱۸۸۵-۱۸۱۵). اثرلری‌نین چوغونو نباتی تاثیریله یازمیشدیر. گنج یاشدا ترکیه‌ده تحصیل‌آلمیش و بیرمدت‌آماسیادا قالدیقدان صونرا قازاغادؤتموش وخانلیقلارکندینده بیرصوفی مرشدی‌کیمی‌چوخلومریدلر اطرافینابیعّمیشدیر. غزل، قصیده، مخمس و مستزاد وبیرده چاینامه‌دن مرکب‌بیردیوانی واردیـر، آیریجا فـارسجادا دیوان صاحبی‌دیر. دیوانی ترکیه و تفلیس‌ده دفعه‌لرله نشر اولونموشدور. قازاخ شاعرلریندن **وحیدی** تخلصلی رحیم دیلبازوف (۱۸۷۳-۱۸۲۶) و **رنجور** تخلصلی شاهنگارخانم (۱۸۹۹-۱۸۵۰) اونون ان‌یاخین مریدلریندن ایدیلر.

۱۹-اینجی‌عصرده شمالی‌آذربایجان شهرلری‌نین جانلانماسی، مدرسه ومکتب‌لرده فضولی‌دیوانی‌نین اوخونماسی‌غزل‌شعری‌نین یاییلماسینا یاردیم (کمك) اتدی. بوعصرین ایکینجی‌یاریسیندا گنجه، شکی، شوشا، شیروان، قوبا، باکی‌وتبریزده یوزلرجه‌گؤرکملی غزل شاعرلری یتیشدی. بونـدان بـاشقا دورون مختلف ادبی جریـانینا منصوب اولان شاعرلرده غزل‌یازیردیلار. غزل شاعرلری‌نین ان‌مهم‌لریندن‌ساغری، قاسم‌ذاکر، مصطفی آقا نـاصر، میرزا نبی غائبوف، میرزا نصراله دیـده، نصراله بهار، سیدعظیم شیروانی، ناکام و داها بیر چوقلارینی صایابیلیریك .

ساغری- (۱۸۴۵-۱۷۹۰) قاراباغلی روحانی عائله‌سینه منسوبدور،آتاسی‌آخوند صادق و باشقا عالملردن درس‌آلمیش و ۴۰ ایل ملاخانادا معلم لیك اتمیشدیر. تورکجه و فارسجا یازیلمیش ایکی بؤیوك دیوانی واردیر. فضولی تاثیریله یازمیش. غزل‌لری‌نین دیلی ساده، بدیعی و پارلاقدیر:

ای شانـه اوتان طـره‌ی افشانینا دیمه
جانیم چیخار، اول زلف پریشانینا دیمه
اتمه گونومو قاره منیم ، زلف ، حذر قیل
چین چین دؤکولوب مهر درخشانینا دیمه
ای سرمه حیا ائیله گونوم ایله‌مه تیره
چشـم سـیـه نـرگـس فتـانینـا دیمـه
ای زلف حیا قیل ، منی سن اتمه پریشان
هر دم دؤکولوب اول مـه تابانینا دیمه

ملاقاسم ذاکر کچن عصرین بیرینجی‌یاریسیندا یاشامیش نخالی (گنجه) دیرو غزل و مخمسلریله مشهور اولموشدور.

مصطفی آقا ناصر ـ ذاکر و شیروانلی ملاقادر ناجی ایله معاصر دیر. نظامی‌دن «خسروشیرین» شعرینی تورکجه‌یه ترجمه اتمیه باشلامیش لکن وفات اتدیگیندن ترجمه یاریمچیلیق قالمیشدیر. کچن عصرین اورتالارینداقازاخدان میرزا نبی **غائبوف**، **اسکندر آقا شاعر**، شاماخیدان میرزا نصرالله **دیده** کیمی اصیل کاراکترلی شاعرلر چیخمیشدیر.

میرزانبی غائبوف چار مأمور لارینا قارشی شعرلر، اسکندرآقا شاعر، خیام‌روحوندا شعرلرومنظوم حکایه‌لریازمیش، میرزا نصراله دیده ده تاجرلرین، آچ گؤزلوطمعکارروحانی نمالارین و پول پرستلرین علیهنه بیرسیرا، منظوم اثرلر یارادمیشدیر.

دیده منظوم پارچالاریندا، دنیا مالینا اویان تاجرلری تنقید ائده‌رك، اونلاری بوخسوللارا یاردیماچاغیریردی. پولونو دنیانین علیهنه‌چیخارکن خلقی پرهیزکار اولماغا دعوت ائدیردی:

بیر یوخو صورتیدیر واقعه‌ی کل جهان
بئله افسانه یری جای صفا ایله مه‌یین
اویمایین دولت دونیایه خطا معدنی دیر
بو خطا منبعینی باشابلا ایله مه‌یین

۱۹ـاینجی عصرین ایکینجی یاریسیندا غزل شعری داها جانلی و سرعتلی انکشاف اتمیشدیر. بو دورده بهار، سیدعظیم شیروانی و ناکام کیمی مقتدر شاعرلر یئتیشمیش، ادبی محفللریارانیب، شاعرلرآراسیندا مشاعره، نظیره‌چیلیك، منظوم حکایه‌لر، فلسفی‌وعاشقانه غزللر یازیلمیشدیر.

بودورده آذربایجان شاعرلری اساس‌اعتباریله‌ادبی مجلسلراطرافیناتوپلاشیردیلار.

۷۰ـاینجی ایللرده قاراباغدا «مجلس انس» و «مجلس فراموشان»، شاماخی‌دا «بیت‌الصفا»، باکیده «مجمع‌الشعرا» کیمی شعر مجلسلری تشکیل ائدیلمیشدی.

مجلس انس خورشید بانو **ناتوانین** ابتکاری و میرزا رحیم **فنا**نین اشتراکیله قورولموشدی.

مجلس‌فراموشانین بانی‌سی میرمحسن **نواب** ایدی. شاماخیداکی بیت‌الصفامجلسینه سیدعظیم‌شیروانی، باکیداکی مجمع‌الشعرایامحمدآغا **جرمی** باشچیلیق ائدیردی. غزل شعری‌نین‌انکشافیندابوادبی مجلسلرین بؤیوك رولواولموشدور. بومجلسلرده فردوسی‌نین شاهنامه‌سی، نظامی‌نین خمسه‌سی، حافظین، نوائی‌نین و فضولی‌نین دیوانلاری مطالعه

ائدیله‌رك ادبی مباحثه‌لر و محاکمه‌لـر یورودولور، نظیره‌لر یـازماق ایچون شاعرلـر آراسیندا یاریش (مسابقه) اعلان اولونوردو. بعضاًده مجلسلر آراسیندا ادبی مناسبت و و مراجعه‌لر اولوردو.

بو دوره‌ده غزل شعری‌نین‌باشچیسی سیدعظیم شیروانی ایدی. اونون شهرتی‌یالنیز شاماخی‌دا قالمایيب بوتون آذربایجانـا یـاییلمیشدی، بیت‌الصفا یـا سید عظیم‌دن باشقا ملا آقا **بیخود** (۱۸۹۲-۱۸۳۰)، ملامحمود **ضوئی**، غفار **راغب** (۱۸۹۲-۱۸۱۸)، آقابابا **ظهوری** (۱۸۹۲-۱۸۴۸)، علی‌اکبر **غافل** (۱۸۹۱-۱۸۱۸) ومحمد **صفا**کیمی شاعرلرده داخل ایدیلر.

باکی‌داکی‌مجمع‌الشعرا مجلسی بیت‌الصفا و خصوصیله سیدعظیم شیروانی‌تاثیریله قورولدی.

مجمع‌الشعرا یا محمدآقا **جرمی**، میرزا عبدالخالق **یوسف**، آقا داداش **ثریا** و **منیری**، علی عباس **مشتاق**، میرزا آقـا **دلخون**، ابـراهیم **زلالی**، وهاب **واهب**، **هزاره**، **مهدی**،محمد **مصور**، عبدالخالق **جنتی**، هادی **ثابت**، حسین‌بیک **وحدتی** و ابوالحسن **واقف**کیمی شاعرلر داخل‌ایدیلر.

باکی‌شاعرلریندن **جرمی** وعبدالخالق **یوسف** درین‌معنالی غزللریله‌دیگرلریندن سئچیلیردیلر، یوسف ایچون معاصرلریندن عبدالشاهین:

ای اولان مملکت نظم‌ده سلطان یوسف
وی غلام حبشین نثرده لقمان ، یوسف

مطلعیله باشلانان مدحیه‌سینده اونو شعر عالمی‌نین سلطانی آدلاندیریر.

میرزا عبدالخالق یوسف‌دن بیر قطعه و بیر تك بیت نمونه ایچون درج ائدیریك :

بزم ایچره شمع روی جانانه بیرطرفده — من بیرطرفده یانمام‌پروانه بیرطرفده
بیر یانداحسن لیلی بیر یاندآه مجنون — زنجیر بیرطرفده دیوانـه بیرطرفده
مسجددەخلق‌یاتمیش‌واعظ‌نصیحت‌ائیله‌ر — افسرده بیرطرفده افسانـه بیرطرفده

یوسف‌جهانداگئت‌اوخوعشقین‌رساله‌سین — حل‌اولدوکل‌مسئله‌لر بورساله‌ده

محمد جرمی نی‌ده سیدعظیم شیروانی شعرین پیغمبری درجه‌سینه قالدیریر.

اگر محمد ائده ادعا نبوت شعر — اونون نبوتینه اولی منیم قائل،

بودورده قاراباغ مجلسلری‌داها بؤیوك نفوذا صاحب ایدیلر. بورادا هم‌شاعرچوخ ایدی، هم‌ده یارادیجیلق ایشی داها منتظم و متشکل قورولموشدو .

مجلس فراموشان‌دا شعردن باشقا نقاشی، موسیقی و علمی یارادیجیلیقلارلامشغول اولانلاروواردی.

مجلسه باشچیلیق ائدن میرمحسن نواب‌گؤزل رسملر چکدیگی کیمی موسیقی علمیندن‌ده خبردار ایدی. موسیقیه دائر «وضوح الارقام» آدلی اثرینده باشقا، هیئت، تاریخ، ادبیات حقینده علمی اثرلری و درس‌کتابلاری واردیر. مجلس فراموشان خارجی اولکه‌لرله ده‌مناسبت‌ساخلاییردی، باکی‌دان **اکینجی**، کریمه‌دن **ترجمان**، استانبولدان **صباح** وهندوستاندان **حبل‌المتین** روزنامه‌لرینی‌آلیردی‌آلینان غزته‌ومجله‌لراوخونور، ادبی، علمی، سیاسی مسئله‌لر اطرافیندا قیزقین مباحثه‌لر آپاریلیردی.

مجلس انسه ناتوان خانم و فنا، مخفی، یوزباشیوف حسن، پیران، آگاه و داها بیر چوق شاعر داخل ایدیلر.

بودورشاعرلریندن بعضی‌لری فضولی یولونو ایزله مکله برابرنوائی‌یارادیجیلیغینا داها آرتیق میل‌گؤستریردیلر. عاصی، حسن، عبدالشاهین، یوسف ودلخون نوائی‌شعرینه پرستش ائدنلردن‌ایدیلر. البته خیام، حافظ، نظامی و خاقانی شعرینه‌ده غلاقمند اولانلار واردی. شکی شاعرلری‌نین ان مقتدری اولان ناکام نظامی تاثیریله یازیردی.

میرزانصراله بهار و سیدعظیم‌شیروانی حافظ شعرینه داها آرتیق‌میل‌گؤستریردیلر.

میرزانصراله بهار (۱۸۸۳-۱۸۳۴) شاماخیدا تاجر عائله‌سینده دوغولموش وداها اول یازدیغیمیز کیمی‌گنج یاشدا ایراناگؤچموش و ناصرالدین شاهین سرایندا ملك‌الشعرا عنوانینی‌آلمیشدی.

عاصیـ عبدالله عاصی (۱۸۷۴-۱۸۴۰) مشهور قاسم‌بیگ ذاکرین نوه‌سیدیر. گنج یاشدا ایچگیه (مشروبا) آلوده‌اولان شاعرکئچیردیگی مأیوس حیات‌ایله‌علاقه‌دار اولاراق ئوزونه (عاصی) تخلصونو قبول اتمیش و نوائی و حافظ تاثیری‌آلتیندا یازدیغی غزل‌لریله بؤیوك شهرت‌قازانمیشدیر. شاماخی شاعرلری اونو سرآمد دوران، قبلهٔعرفان آدلاندیریردیلار. سیدعظیم شیروانی اونون حقینده بوسؤزلری یازمیشدیر:

نه عاصی ، اول‌کی ، در عزتینده سیدزار
غلامی اولماق ایله صاحب اعتبار اولاجاق
نه عاصی ، اول‌کی ، خیالی ، ره محبتدن
کؤنول سراچه‌سینه شاه تاجدار اولاجاق
صفا ایله گله‌جك نظم و نثری شیروانه
گؤروب او نظم‌لری ضوئی شرمسار اولاجاق

عاصی‌نین «گؤزلر» ردیفلی غزلی حقیقتا یوکسك شعر نمونه سیدیر:

ائدر سحر ایله دائم بو خطا کانی قاراگؤزلر
کؤنول شهرینه یغما ترك ترکانی قاراگؤزلر

گنه سلطان هندوتك ، سپاه خطه حکم اتمیش
کی توتسون دور لعلینده بدخشانی قاراگؤزلر
غزال چینه بنزتدیم بـو جـادونو خطا اتدیم
که اوندا کج نگاهین شیوه‌سی هانی قاراگؤزلر

ناکام- (۱۹۰۵-۱۸۲۹) اسماعیل‌بیگ‌ناکام نوخادا صدرالدین‌بیگ‌عائله‌سیندندیر. تورکجه‌دن باشقا فارسجا و عربجه دیللرینی مکمل اؤیرنمیش و شرق مدنیتینی‌یاخشی‌بیلن بیرشاعردیر. **دیوان بدیع و خیالات پریشان، گنجینه ادب، لیلی و مجنون، فرهاد و شیرین، دؤرد افندی و لطیفه‌نامه** آدلی یددی اثر تألیف اتمیشدیر.

دیوان‌بدیع وخیالات‌پریشان غزل، ترجیع‌بند وترکیب بندلردن عبارتدیر. گنجینه‌ی ادب، لیلی و مجنون و فرهاد و شیرین اثرلری نظامی‌نین تأثیریله یازیلمیشدیر.

اوتوز بیر منظوم «مقال» دان عبارت اولان گنجینه‌ی ادب اثرینی نظامی‌یه نظیره اولاراق سؤزون (سخن) مدح و تعریفیله بـاشلامیشدیر. لطیفه‌نامه ساده نثرله یازیلمیش شیرین لطیفه و مضحکه‌لردن عبارتدیر.

حاجی سیدعظیم شیروانی- سیدعظیم شیروانی ۱۸۳۵ده شاماخیدا روحانی عائله‌سینده آنادان‌اولموشدور. آتاسی سیدمحمدشاماخی‌نین تانینمیش آداملاریندان‌ایدی. سید عظیم یدی یاشیندا یکن آتاسی وفات ائتدی، سید آنـاسیله بیرلیکده داغسناکؤچوب یاقسائی‌کندینده آتا باباسی‌ملاحسین‌یانینا گئتدیلر. ملاحسین نوه‌سینی روحانی‌لیگه‌حاضر لاماق ایچون اونا فارسجا، عربجه و الهیات ئویرتمیه چالیشدی. بوندان صونراسیدعظیم تحصیلینی درینلشدیرمك مقصدیله نجف، کربلا، شام، مصر و بیت‌المقدسه گئدی‌وشاماخیا دؤندوکدن صونرااصول جدیدایله مکتب‌آچاراق خصوصی درس وئرمکله‌مشغول‌اولدی. سیدعظیم شیروانی تدریس ایشی ایله یاناشی شاماخیدا **بیت‌الصفا** ادبی‌محفلینی‌تشکیل ائدیب بیخود، راغب، غافل، ضوئی، ظهوری و صفاکیمی شاعرلری بورایاتوپلامیش و اونلارا رهبرلیك اتمیشدیر. سیدعظیمین باشقا محفل‌لرین شاعرلری خصوصیله باکی‌شاعر لری ایچریسینده چوق نفوذ و حرمتی واردی. اوتزتزباکی‌یه گلیر و بورادا تشکیل‌ائدیلن شعـر و ادب مجلسلـرینده اشتراك ائـدردی. سیدعظیم مولـوی، سعـدی، فضولـی و جامی‌دن‌ترجمه‌لر ائدیر بعضاًده اونلارا نظیره‌لر یازیردی. اؤزنون سؤیله‌دیگی غزللرده حافظ و فضولی یولونو ایزله میشدیـر؛ او فضولی‌دن صونرا آذربـایجانین ان‌گؤرکملی غزل شاعری‌دیر.

شاعرین شوخ‌ونیك‌بین دنیاگؤروشونو افاده ائدن غزللریله برابر زمان وحیات‌دان شکایت ائدن غزللری‌ده واردیر. بئله غـزللرینده هجران غمی‌نی، فلك ستمی‌نی، طعنه‌ی

رقیبی‌ودرد دل بیماری افاده ائدیر:

من بیلمه‌رم که هانسی غمی ایله‌یم بیان
یوخدور شماره‌سی الم بی‌شماریمین .
هجران غمی، فلك ستمی، طعنه‌ی رقیب
کسمیش قراریمی بو دل بی‌قراریمین .

غزللرینده فضولی کیمی سوگی‌دن وگؤزللردن گلن جور و جفانی و بلانی ئوزو ایچون بؤیوك بیر سعادت بیلمیشدیر.

جسم‌دن جان آلماغا گر اولسا فرمانین سنین
جانا منت‌دیر اولام ای دوست قربانین سنین.
گر توکر سن ای خلیلیم قانیمی غم اتمه رهم
غم بودورکیم، گر باتا آل قانا دامانین سنین.

فضولی تاثیریله یازدیغی بیر نئچه‌کدرلی فلسفی غزللری مستثنا سیدین غزللرینده عمومیتله نیکبین، کاماچاتمیش نشئه‌لی بیر روحون افاده‌سی گؤرونور. اونون غزللری‌نین چوخو اونون شخصی حیاتی ایله علاقه داردیر. بو غزللرده بعضاً یاخین دوست و یولداشلارینا ئوز صمیمیت و محبتینی، بزم مجلسلرینده راست‌گلدیگی گؤزللری، شرابی و ذوق و صفانی ترنم اتمیشدیر:

دونن گجه منه هم بزم بیر سمنبر ایدی
مه جمالی ایله گؤزللریم منور ایدی .
باشیمدا نشئه‌ی می ، خاطریمده ذوق و صفا
بیر الده طره‌ی دلبر بیر الده ساغر ایدی .
گئجه او حور جمالی ایله روز تك روشن
یریم بهشت برین بادەم آب کوثر ایدی .

شاعربعضی غزللرینی کلاسیك شعر اسلوبوندان فرقلی اولاراق، ساده وآچیق‌دیلده خلق شعرینه یاقین بیر طرزده یازمیشدیر.

دولانیم باشینا ای نازلیجا یاریم بری باخ
عشوه‌لی غمزه‌لی چم‌خملی نگاریم بری باخ.
غشوه آغاز قیلیب صبریمی تاراج اتمه
گتدی دلدن داحی آرام و قراریم بری باخ.

سیدبعضی غزللرینده حافظ کیمی مجاز، تشبیه و استعاره‌لرایشلتمیشدیر و بویوزدن (سبب‌دن)بعضی کیمسه‌لر اونو آته‌ئیت سانماق ایسته میشلردیر:

زاهد چاغیرما کعبه‌یه میخانه‌دن منی
یوز کعبه‌دن صفالیدی میخانه‌نین بیری
مین حج‌دن شرافتی افزون اولور اگر
شمعه دولانوبان یانا پروانین بیری
یا جنتی وئرللـه بیزه یا جهنمی
سید مقامیمیزدی بو ویرانه‌نین بیری

بورادا طواف کعبه‌ایله پروانه‌نین شمع اطرافینا دولانماسینی مقایسه‌ائدرکن معشوق و معبود یولوندا فنا اولماغی مقصد بیلدیگینی افاده اتمك ایسته‌ییر.

سید عظیمین غزللری همیشه خلق طرفیندن سویله سویله اوخونموش واونلارا بیر چوق نظیره‌لر یازیلمیشدیر.

غزل‌دن باشقا کلاسیك شعرین قصیده، مخمس، رباعی کیمی بوتون ادبی نوعلرینده بدیعی اثرلر یاراتمیشدیر. شیروان گوزللرینه یازدیغی مخمسی مجاز، تشبیه و استعاره‌لر و شاعرانه تصویرلرله دولودور.

شهر شیروانین عجب دلبر دلجولاری‌وار
گلبدن غنچه دهن ساده و مهرولاری‌وار.
بو خطا ملکو دور هر یاندا چوخ آهولری‌وار
یوز لب شهد و شکر زلف سمن بولاری‌وار.
یوز قد سرو و سهی گؤزلری جادولاری‌وار.

موسیقی حقینده یازدیغی مخمس‌ده مغنی دمینی دم عیسایه برابر صاییر و خلقی موسیقدن حظ آلماغا و استفاده اتمه‌یه چاغیریر:

توت برابر دم عیسایه مغنی دمینی
قیلیب احیا اؤزونو سیر ایله روح عالمینی
زیر غم اولما اشیث نغمه‌ی زیر و بمینی
چکمه عاقل سن اگر دهر مخالف غمینی
شوره گل نغمه ایله چك غم دنیایه حصار

سیدعظیمین پارلاق قصیده‌لریندن بیری‌ده عبداله عاصی‌یه یازدیغی «اولاجاق» ردیفلی قصیده‌سیدیر. بوقصیده‌ده بیت‌الصفا شاعرلریندن قیساوییغجام بیرتعریف‌وثرمیش‌وقاراباغ شاعرلریندن عاصی‌یه صمیمی مناسبتینی بیلدیرمیشدیر.

سیدعظیمین بدیعی اثرلری‌آراسیندا **منظوم مکتوبلاری**‌دا بؤیوك بیر یرتوتور. دوستلارینا گؤندردیگی مکتوبلارین چوغونو شعرله یازیردی. بو مکتوبلاردا قاباقجیل

فکرلری تلقین ائدیر ، اونـلاری شعر یازماغا تشویق ائدیردی؛ بعضاًده شعرلـرینده‌کی نقصانلارینی دوز لـده‌رك اونلاری گؤزل و دریـن معنالی یازماغاچاغیریـردی. قاصره، عاصی‌یه و نورسه یازدیغی منظوم مکتوبلاری بو قبیلدندیر.

گلستان وبوستان سعدی‌دن ترجمه ائتدیگی و یا سعدی سبکینده یازدیغی **منظوم حکایه‌لری** معاصرلـرینده چوق تـاثیر بـوراخمیشدیر. بو حکایه‌لرده ریـاکار و یـالتاق عابدلر، آخماق تاجر و قاضی‌لر، اخلاقی دوشگون روحانی نمالار و ظالم حاکملرتصویر اولونموشدور.

سیدعظیم شیروانی اجتماعـی و مدنی حـادثه‌لردن متاثر اولان بیر شاعر ایدی. ۱۸۷۵ده‌باکی‌دا نشره‌باشلایان اکینجی روزنامه‌سی‌اونون معاصرمسئله‌لره یاخینلاشماسینا و ساتیرایاکئچمه‌سینی سرعتلندیرمگه یاردیم اتمیشدیر. شاماخی دولت مکتبینده معلملیك ائدن شاعر تدریس و تعلیمین ینی اصول‌لاریله تانیش اولدوقدان صونرا، ئوزو خصوصی بیر مکتب آچدی. بو زمان سعدی وکیریلوف‌دان ترجمه اتـدیگی‌کیمی ئوزوده بیر سیرا نصیحت‌آمیز شعرلر یازیردی و بو شعرلرله خلقی علمه و فرهنگه دوغرو چاغیریردی. وطن‌گنجلرینی معاصر اوروپا علملرینی ئویرنمیه، معیشت ایچون صنعت و زراعت‌کسب اتمیه چاغیریردی:

دئمه بو کافر او مسلماندیر　　هرکیمین علمی‌وار او انساندیر!

حسن‌بیگ زردابی‌یه گؤندردیگی «قافقازمسلمانلارینا خطاب» شعرینده بیله خطاب ائدیردی:

بـاب علم اولمایيب بیزه مسدود　　کسب‌ائدن یوخدورآنی لیك نه سود
بوندان اقدم اگر چـه‌کسب علوم　　مشکل ایـدی ولیك ، ای مخدوم
ایندی ایشلـر چیخبدی آسانـه　　رسـم دنیـا دوشوبـدی سامـانـه
تـاپیپ اوضـاع مـاسوی تغییر　　گؤیه چیخماغا خلق ائدیب تدبیر
پاراخود[1] اولدی کشتی یلکان[2]　　ئوزگه سامانه دوشدی خلق جهان
لیك بیز بیلمیریك گؤز آچماقی　　کهنـه ایشلـرده قـالمیشیق بـاقی
بابا میزدان نه گؤرموشوك اول　　داخی اونـدان سوایه اولماز عمل

ساتیریك‌شعرلری‌نین‌بیرقسمیندا اجتماعی‌قورولوشوتنقیدائدیب چارماموزلاری‌نین رشوتخورلوغو و ئوز باشینا لیغینی افشاء ائدیر:

نه پریستاو[3] نه کمك‌چی نه کـوارتال[4]نه قازاق
هامیسی قوردکیمی سویماقلیغا خلقی‌کی‌قوچاق

۱- موتورلی‌گمی.　۲- یلکنلی‌گمی.　۳- رئیس.　۴- محله‌مختاری-کدخدا.

مصلحت‌چین ائله‌یبلر نئچه اشخاصی قاچاق

نئچه کس وارکی ناحقدان اولونوبدو دوستاق

کیمی ئولدوردو گؤره‌ك هانسی سینیب قان ایله‌دی

سیدعظیم تعلیم‌وتربیه مسئله‌لرینه حصر اولونموش منظوم حکایه‌لرینده‌ساتیریك اصولوندان استفاده اتمیشدیر. شاعر بعضی تمثیل‌لری‌نین مضمونونو سعدی‌دن و باشقا فارس و روس یازیچیلاریندان اقتباس اتمیش و ساتیریك تمثیل‌لرینده پداقوژی فکرلرینی بیان اتمیشدیر. روس دیلینی اؤیره‌ندن صونرا روس ادبیاتینا ماراقلانمیش و پوشکین‌دن بیر نئچه منظومه فارس دیلینه ترجمه اتمیشدیر.

سیدعظیم شیروانی ادبیات تاریخیمیزده آخوندزاده‌دن صونرا استعدادلی لیریك، گؤرکملی بیر معارفچی ساتیریك شاعری‌کیمی یوکسلمیشدیر. اونون قدرتلی و زنگین یارادیجیلیغی م. ع. صابرکیمی داهی بیر شاعرین یتیشمه‌سینده بؤیوك رول اویناميشدير،

سیدعظیم شیروانی ۱۸۸۸ ده شاماخی‌دا وفات اتمیش و شاه‌خندان (شاخاندان) قبرستانیندا دفن ائدیلمیشدیر.

خورشید بانو ناتوانـ (۱۸۹۷-۱۸۳۷) بو عصر ادبیاتی‌نین اوچ گروپ اطرافیندا تمرکز ائتدیگینی قید اتمك لازیمدیر. بونلاردان بیری محلی‌کلاسیزمی دوام ائتدیره‌ن قاسم‌بیگ ذاکر ایله محمدبیگ عاشق اطرافیندا قرار توتور. ایکینجی گروپا میرزا فتحعلی آخوندزاده‌نین غربی فکرلری و نشر جیلیگی‌له توسعه امکانی تاپان جریان طرفدارلاری‌داخل‌ایدی. اوچونجو گروپ مجلس‌انس‌شاعرلریندن تشکل‌ائدیب‌غزلجیلیگی ولیریزمی‌اینجلتمگه (ظریف‌لشدیرمك) چالیشانلاردیر، بوصون گروبون نماینده‌سی‌ناتوان خانم دیر. سیدعظیم شیروانی و مسلکداشلاری ایسه بو جریانلار آراسیندا قالماقلابرابر خصوصی بیر عصیانچیلیق ایله‌کهنه زنجیرلری قیرماق فکرینده ایدی. ناتوانین نفوذی دیگر ایکی جریان طرفدارلاریندان قات‌قات قوتلی ایدی.

ناتوان خانم قاراباغین صون‌خانی مهدیقلی‌خانین قیزی و ابراهیم خلیل‌خانین نوه‌سی‌دیر. بوناگؤره‌ده هر یرده **خان قیزی**لقبیله تانینمیشدیر. آناسی بدرجهان بگم‌ده گنجه‌خانی جوادخانین‌نوه‌سیدیر. ناتوان۱۲۵۳ = ۱۸۳۷ده‌شوشاشهرینده‌دوغولموشدور. دوغولدوغو زمان قاراباغین صون درجه فلاکتلی زمانی اولموشدور چونکه ابراهیم خلیل‌خان بوتون عائله و خدمه‌سیله مایورلیسانوویچ طرفیندن ئولدورو لندن صونرا قاراباغدا آردی‌آراسی‌کسیلمه‌ین قیرقین، مهاجرت واقع اولموشدور. اوزمانلارحیاتدا پریشانلیق اولدوغوکیمی ادبیاتدادا بیر سؤنوکلیق ظاهر اولموشدی. بو اوضاع حساس شاعره‌نین روحوندا درین تاثیر قویوب اونون دردآشنا و حزنلی بیر غزلسرا اولماغینا

یاردیم ائتدی. شخصی حیاتیندا داگوردوگوناکاملیق‌واوغلونون ئولوموبوحالت‌روحیه‌نی داها شدتلندیردی.

ناتوان سرایا منسوب اولان عالملردن درس‌آلمیشدیر. زیرك و عقللی بیر قادین اولوپ تورکجه، فارسجا و عربجه‌نی ئوگرنمیش و عمرونون چوغونی مطالعه ایله کچیرمیشدیر.

ناتوان خانم داغستان نجباسیندان خاسای‌خانی‌یله اولنمیش و اوندان بیر اوغلو (مهدیقلی وفا) و بیرده قیزی (خان‌بیکه) اولموش، لکن بو اؤلنمه قافقاز عموم والیسی مارشال وورونسوف‌ون اصراریله و سیاسی سببلردن اؤتورو اولموشدور. ناتوان خانم بیر مدت صونرا خاسای خاندان بوشانمیش و ۱۸۶۹ ده شوشادا آقا سیدحسینی ایله اولنمیشدیر. ایکینجی ارینده بش اوشاغی اولموش‌دیر.

۱۸۷۲ ده **میرزا رحیم فنا**نین اشترالیکه **مجلس انس** آدلی ادبی محفلینی قورموش و داها صونرا میرمحسن **نوابین** توردوغو **مجلس فراموشانین** تشکیلینه یاردیم اتمیشدیر. مجلس انسه مادی یاردیم گوسترپر و مجلس عضولرینی شعر یازماغا تشویق ائدیردی.

ناتوان خانم یوخسوللارا کمك ائدن، خلقین قایغی‌سینا قالان، الی‌آچیق وخیرخواه بیر قادین ایدی. قاراباغین‌آبادلیغینا چالیشاراق یوللاری وکؤرپولری تعمیر ائتدیردی و ۱۸۷۲ ده‌آلتی کیلومترلیق بیرمسافه‌دن شوشا قلعه‌سینه‌صوکمری چکدیردی. بوصوکمری حال حاضردا خان قیزی بواغیلا مشهوردور.

۱۸۸۵ ده ۱۷ یاشیندا اوغلو میرعباسین سل مرضیدن ئولمه‌سی شاعره‌یه‌آغیرتاثیر اتدی. بیر اوغلونون ئولومو و دیگر اوغلونون (مهدیقلی‌خان) اوزاقلاردا یاشاماسی، بوآرادا مالکانه‌لری‌نین‌ده الیندن چیخماسی ناتوانی حیاتدان ناراضی و ناامیدی ائتدی. بوحادثه‌لر ناتوانین شعرلرینده ایز بوراخدیغی کیمی غزللرینده‌ده منعکس اولموشدور. اونون‌ایچون گؤزیاشلاری، حسرت، دعا، وصال‌آرزوسو، هجران‌غمی، امیدسیزلیق وشکایت ناتوانین شعرلرینی روحونو تشکیل ائدیر. بوخصوصیتلر ایله ناتوان آذرنایجان ادبیاتی تاریخینده حسی رومانتیك شعرین گؤرکملی نماینده‌سی کیمی تانینر.

ناتوان خانم دیگرشهرلرده‌کی ادبی محفللریله‌ده شعر ومشاعره‌مناسبتلری‌قورموش و معاصر شاعرلری اونون شعرلرینه نظیره‌لر یازمیشلار. بیر چوق شاعرلر یازدیقلاری شعرلری تائید ایچون اوناگؤنده‌ریردیلر. اوزمانین ان بؤیوك غزل شاعری سیدعظیم شیروانی و دیگر گؤرکملی شاعرلر (فنا، ناکام، نواب، صادق بیران، وفا، بیخود، خیالی و عاصی و سایره) اونون شعرلرینه نظیره‌لر یازمیشلار. شاعره اوشاقلاریله‌ده

شعر ایله یازیشاردی، ایندی نمونه ایچون بیر نچه غزل و غزللرینه یازیلان نظیره‌لردن درج ائدیریك:

ئولورم ردیفلی غزلی اوغلو مهدیقلیخان وفادن آیری دوشدوگونده‌یازمیشدیر:

واریمدی سینه‌ده درد و غم نهان ، ئولورم
فدا اولوم سنه گل ایله امتحان ئولورم

فراقدان گئجه‌لر یاتمارام صاباحه کیمی
خیال زلفونه باغلی گئدیبدی جان ئولورم

باهلر حسنون آرا گؤرنئجه خزانم من
باهار لاله‌سی تك باغریم اولدوقان ئولورم

ورق ورق دل و جان هجرین ایچره اودلاندی
مثال چئنجه[1]ی صد پاره اولدوجان ئولورم

او خاك پاکینی من آشیانه اتمیشدیم
وطندن آیری دوشوب ایندی لامکان ئولورم

فدا او قامتینه کیم قضانه‌خوش چکمیش
قدر بوکوب بلیمی ایله‌یوب کمان ئولورم،

فراقدان توکنوب[2] تاب و طاقیم بالله
وصاله یتمه‌زالیم زارونا توان ئولورم

غزللری‌نین چوغوندا فضولی کیمی «دهردون» ون وفاسیزلیغیندان شکایت ائدیر :

زمانه صالدی عجب محنت و ملاله منی
او ماهروده‌ن ایراق وئردی غم زواله منی

توکندی تاب و توان ای خدای لم‌یزلی
یا تز بو جانیمی آل یا یتیر وصاله منی

نه یاخشی گونلر ایدی کیم سنینله مونس ایدیم
زمانه ایندی ائدیب سینه داغلی لاله منی

وصاله یتمه‌یی‌بن زار و ناتوان قالدیم
ائدیب فلك نیه حسرت او مه جماله منی.

«اولایدی» ردیفلی غزلینده حیاتین معنی‌سیز لیغینی دوشونه‌رك، آللها، نه ایچون بو عالمی و منی یارادیب‌دا «هجرآتشینه اودلاندیردی» دییه شکایت ائدیر.

---

۱ ـ پارچاپارچا اولموش‌ات کبابی (اوریژینال نسخه‌ده کنجه‌یازیلمیش لکن چئنجه‌دوغرودور)
۲ـ تمام اولوب

نه بن اولایدیم الهی نه ده بو عالم اولایدی
نه ده بو عـالم‌آرا دل مقید غـم اولایدی
نه هجر آتشینه اودلاشوب یـانیدی دلیم‌کیم
نه‌عشقین ایچره‌گؤنول بویله شادوخرم اولایدی
نه‌سرو قددین اولایدی نه‌حسرتیله گؤزیم‌کور
نـه روزگار فـراقینده قـامتیم خم اولایدی
نه بحر اولایدی نه‌عمان نه‌بیله‌گؤزیاشی جاری
نه‌گل یوزونده الهی بو نوع شبنم اولایدی
نه گل اولایدی نه گلزار گلشنین داحی‌سیری
نه خـار محنتی بلبل سنینله محکم اولایدی
نه جاه اولایدی نه زندان نه کاروان‌گذری
نه یوسفی بو بلاده گؤرن بیر آدم اولایدی
نه بـزم اولایدی نه بـازار یـوسف احوالی
نه رهگـذرده زلیخا غمیلـه همـدم اولایدی
نه آه اولایدی نه افسوس نه پاره‌پاره‌کؤنول
نه نـاتوانین الهی حـواسی در هم اولایدی

شعرلرینده‌عروض وزنی‌نین ان اوُیناق وآهنگداربحرلریندن استفاده ائتدیگی‌کیمی، ان پارلاق و سچیلمیش قـافیه‌لر ایشلنمیشدیر. بیر ایکـی شعری مستثنا ائدیلیرسه بوتون شعرلری ردیف‌ایله یازیلمیشدیر. شعرلرینده **تکریر** (نه من اولایدیم غزلی‌کیمی)، **قوشا قافیه‌لر** (بیلن بو دردیمی یوخدور، بو حالتده بوحالتده‌قویوبدور انتظاریندا نئچین‌گلمز نئچین‌گلمز) اوستالیقلاایشله دیلمیشدیر.

بیلن بو دردیمی یوخدور بو حالتده بو حالتده
دوتوبدور کؤنلومی محنت بو فرقتده بو فرقتده
نیچون احوالیمی بیلمه‌ز او مـاه مهربان یارب
نه‌دن هیچ دادیمـه یتمه‌ز بو مدتده بو مدتده
گیدوبدو طاقتیم دیزدن توکنمیش نورهم گؤزدن
نیچون الفت کسوب بیزدن بو غربتده بو غربتده
خیالیم یارایله گتمیش دلیم هجر ایله اودلانمینش
جسد هم نـاتوان قـالمیش بو ذلتده بو ذلتده

۱- پارچا پارچا ائدیلمیش ات‌کبابی.

ناتوانین غزللرینده فضولی‌ده اولدوغو کیمی فکر وحدتی وبیتلری‌آراسیندا منطقی و فکری رابطه محافظه ائدیلمیشدیر.

قویوبدور انتظارینده نیچون گلمه‌ز نیچون گلمه‌ز
همیشه آه زارینده نیچون گلمه‌ز نیچون گلمه‌ز
اوزولدوم کاروانیمدان ال اوزدوم خانمانیمدان
فلك اینجیر فغانیمدان نیچون گلمه‌ز نیچون گلمه‌ز
گئدوبدیر قافله‌سالار اولوبدیر گؤزلریم خونبار
نه‌بیریار ونه‌بیر غمخوار نیچون گلمه‌ز نیچون گلمه‌ز
گؤنولده آه زاریم‌وار نه صبر و نه قراریم‌وار
دئمه‌ز بیر دلفکاریم‌وار نیچون گلمه‌ز نیچون گلمه‌ز
او زلف نرگس مسته کؤنول چوقداندی پابسته
بنی‌هجران ائدوب خسته نیچون گلمه‌ز نیچون گلمه‌ز
سرکویون گزر کؤنلوم گل رویون سه‌ور کؤنلوم
وصالین‌چوخ‌دیله‌رکؤنلوم نیچون گلمه‌زنیچون گلمه‌ز
آلوبدور جانیمی هجران اولوبدورگؤزلریم‌گریان
او مهوش نازنین جانان نیچون گلمه‌ز نیچون گلمه‌ز
بنه هجران مشقتدیر فراقین درد محنتدیر
نگاریم خیلی مدتدیر نیچون گلمه‌ز نیچون گلمه‌ز
عزیزیم گؤزیاشیم قاندیر ایشیم فریاد و افغاندیر
او یاریم هاردا مهماندیر نیچون گلمه‌ز نیچون گلمه‌ز
یاناجانیم فراغیندان دوتار کؤنلوم سراغیندان
که چیقسین یاراطاقیندان نیچون گلمه‌زنیچون گلمه‌ز
الیمده اختیاریم یوق گئدیب صبر و قراریم یوق
یانیمدا گلعذاریم یوق نیچون گلمه‌ز نیچون گلمه‌ز
صبا اول مه‌لقا دلبر آلوبدیر جانیمی یکسر
کؤنول‌آنجاق‌اونی‌ایسته‌ر نیچون گلمه‌زنیچون گلمه‌ز
یتوبدیر عرش اوزه دادیم دوتوب دنیانی فریادیم
بنیم اول سرو آزادیم نیچون گلمه‌ز نیچون گلمه‌ز
قالوبدیر **ناتوان** نالان گئجه گوندوز اولار گریان
اونون‌یوق دردینه‌درمان نیچون گلمه‌ز نیچون گلمه‌ز

ناتوانین قوشا قافیه‌لی بوغزلینی اوخویاندا فضولی‌نی خاطرلاماماق ممکن‌دگیل. اوغلو میرعباسین اؤلومو ناتوان خانمی بوسبوتون پریشان اتمیش، مدتلر آغلاماقدان باشقا ایشی اولمامیشدیر. اوغلونون فراقیندا بیرچوق غملی غزللریازمیش‌دیر اونون بومصیبتینه بوتون شاعرلر اشتراك اتمیشلر و غزللرینه نظیره‌لر یازمیشلاردیر.

هجرون ائدیبدی کؤنلومی بر باد آغلارام
چوقلار دوتار بو حالیمه ایراد آغلارام.
کؤنلوم ,ائوی خرابتر اولدی فراقدن
وصلین بو ملکی اتمه‌دی آباد آغلارام
دام فراقده که چوق الحاح و لابه‌لر
ائتدیم نه سود اتمه‌دی آزاد آغلارام
چکدیکجه جور هجرینی کؤنلوم فرح تاپار
شادم بو امره بس نیه ناشاد آغلارام
کوبینده محرم ائتدی رقیبی صفا ایله
قهر ایله اتمه‌دی بنی هم یاد آغلارام
هجرینده خوشدور آغلاماق آه و فغان ایله
سس وئرمه‌سه بو نالهٔ فریاد آغلارام
چون **ناتوان** زار ضعیفم فراقدن
بو گونده یاراتمه‌سه امداد آغلارام

میرزا رحیم **فنا** و باشقالاری‌دا هم نظیره هم ده ناتوانین دردینه شریك اولاراق شعر یازمیشلار:

هجرین ایدوبدی کؤنلوم اوین غارت آغلارام
بو آغلاماق اولوبدی بنه عادت آغلارام
صحبت مجالی اولمادی بیر دم سنینله حیف
هر دم ائدوب خیالین ایله صحبت آغلارام
رویون فراقی دیر سبب گریه‌ی **فنا**
دیدارینا قویوبدی فلك حسرت آغلارام

بورادا ناتوانین غزللرینه یازیلان نظیره‌لردن نمونه ایچون بیره‌ر مطلع‌درج‌اتمکله اکتفا ائدیریك:

دوشدوکجه یادیمی او سهی قامت آغلارام
ای مه قیامته کیمی هر ساعت آغلارام
سیدعظیم (سید)

نولوردی بزمده یارب منیمده یاریم اولایدی
آلوب پیاله اله می‌کساریم اولایدی.
سیدعظیم (سید)

دلبـرا درد دلیمدن بیلـه عنـوان ائتدیدم
که غم هجرده دل ملکینی ویران ائتدیم
ناتوان

شب هجـران اوقدر نـاله و افغـان ائتدیم
تـا که چشم فلکی حـالیمه گریـان ائتدیم
سیدعظیم (سید)

صون اولاراق ناتوانین فارسجا غزللریندن‌بیر نئجه بیت درج ائدیریك:
گذشت موسم گـل رفت نوبهار افسوس
بماند بلبل بیچاره خوار و زار افسوس.
شکفته بود گلی در ریـاض عز و شرف
ربـود نـاگه گـلچین روزگـار افسوس.
گلی که رشك گل گلستان رضوان بود
بزیر خـاك گرفته کنون قـرار افسوس.

ناتوان خانم عصری‌نین ان نفوذلی شاعـری اولماقلایـاناشی موسیقی عـاشقی و انده‌گرلی‌نقاشی اولموشدیر. ناتوان ۱۸۹۷ده شوشادا وفات اتمیش واونون‌اؤلوموندن صونرا قاراباغ شعراسی‌باش‌سیز و آواره قالدیغی‌کیمی‌قاراباغین معارفی‌ده اونونلاسؤنوب گتمیشدیر.

۱۹ـاینجی عصرین ایکینجی یاریسیندا مطبوعات: اکینجی‌گازتی‌ـ ۱۸۳۲ده تفلیسده **تاتارسکیه و دوموستی** آدیله ایلك دفعه توركجه بیر ورقـه نشر اولونماغا باشلادی. بو روزنامه یالنیزحکومتین وئرگی (مالیات) وسایرحقینده قانون و امرلری یرلی خلقه چاتدیرمـاق مقصدیله چـاپ اولوردی و بیر نئجه صایی چیخدیقدان صونرا داباغلانمیشدی.

۱۸۷۵ده حسن‌بیگ‌ملکزاده‌زردابی‌نین(۱۹۰۷-۱۸۳۷) تشبثویله(اقدام)**اکینجی** آدلی‌گازتین بیرینجی صایی‌سی نشر الوندو و بونونلادا آذربایجان مطبوعاتی‌نین اساسی قویولدو (۲۲ سپتامبر۱۸۷۵) حسن‌بیگ ۱۸۳۷ده‌زرداب‌کندینده آنادان اولموش و اورتا تحصیلینی تفلیس‌ده‌آلدیقدان صونرامسکودا دارالفنونون‌طبیعیات فاکولته‌سینده‌اوخوموش و ۱۸۵۵ ده مأذون (لیسانس) اولموشدور.

حسن‌بیگ باکی‌دا اکینجی روزنامه‌سینده و داها صونرالار **حیات** و **ارشاد** روزنامه‌لرینده معارفچی مقاله‌لر یازمیش و حفظ‌الصحة و سایره‌یه عائد علمی کتابلار چیقارمیشدیر.
اکینجی روزنامه‌سی آیدا ایکی دفعه نشر اولونوردو و ۱۸۷۷ نین صون آیلارنیا قدر جمعاً ۵۶ صایی نشر اولموشدیر.
بوروزنامه **داخلیه، اکین و زراعت‌خبرلری ،مکتوبات ،علمی خبرلر و تازا خبرلر** باشلیقلاری آلتیندا بش اساس قسمته آیریلیردی. علمی وزراعت خبرلری گازتین اساس حصه‌سی ایدی و بوراداکند اقتصادی ایشلرینی‌ینی اصولدا قورماق ایچون علمی مقاله‌لر یازیلیر و یول گوسته‌ریلیردی، بو مقاله‌لرین چوخو زردابی طرفیندن یازیلیردی. اکینجی شهر دستی صنایعنی تنقید ائدیر و آذربایجان شهرلرینده کارخانالار قورولماسینا چالیشیردی.

روزنامه‌نین مکتوبات قسمنده مختلف‌یرلردن گلن مکتوبلار درج اولونوردی. بوقسمته **نجف‌بیگ‌وزیرلی، عسگربیگ آدی‌گوزه‌ل** و گنجه‌دن **محمدصادق گنجوی** (احسن القواعد)ین دربنددن **حیدری**نین و شاماخیدان سیدعظیم‌شیروانی‌نین مقاله‌لری درج اولونوردو. اکینجی‌نین اساس مفکوره‌سی (ایدئولوژی) فئودال و سنتی آذربایجانی‌ینی انکشاف (تکامل) یولونا چکمک‌ایدی بونا گوره‌ده علمی مقاله‌لرایله‌یاناشی جهالت، موهومات و فاناتیزمه قارشی چیخاراق کهنه قاعده‌لرین ینی قاعده‌لر له عوض ایدیلمه‌سینی تبلیغ ائدیردی. اکینجی یازیچیلاری خلق‌کوتله‌لرینی «تقاضای‌زمانه‌یه‌موافق» تربیه اتمیه سعی ائدیردیلر. نجف‌بیگ وزیرلی‌ده زردابی کیمی کهنه شعرین علیهنه چیخاراق، شاعرلری‌معاصرحیاتدان یازماغا، خلقی جهالت‌وغفلت یوخوسوندان آییلتماغا و معاصر روحدا تربیه اتمیه چاغیریردی.

اکینجی روزنامه‌سی دموکراتیک، آزادلیق فکرلری تبلیغ ائدیردی. شرقین گری لیگینی (دالی قالماسینی) بو ئولکه‌لرده آزادلیغین‌اولماماسیندا و کهنه قاعده‌لرین هله‌ده حکم سورمه‌سینده گؤروردی. اکینجی گازتی آذربایجان اجتماعی فکر انکشافیندا بؤیوك رول اوینامیشدیر. شدتلی سانسور، یرسیز هجوملار، مشتری‌لرین ناراضیلیغی، مادی‌ضرر و سایره روزنامه‌نشرینی چتینله‌شدیردی. بوتون بو مشکلاتا باخمیاراق حسن‌بیگ‌زردابی گازتین نشرینه‌دوام اتدی لکن ۱۸۷۷ ده حکومت امریله روزنامه باغلانیب حسن‌بیگ‌ده مرکزدن اوزاقلاشدیریلدی.

نمایشنامه و تئاتر (دراماتورقیا)ین انکشافی.

آذربایجاندا غربی شکلده تآترین ونمایشنامه یازماغین بنانسی م.ف.آخوندزاده‌نین آلتی‌کمدیاسیله قویولدی. لکن بوپی‌یس‌لریرلی آرتیستلرین یتیشمه‌دیگی‌ایچون آذربایجان

دان قاباخ روسیه و اوروپادا اویناندی. مثلا «حکایت مسیو ژوردان ودرویش‌مستعلیشاه جادوکن مشهور» کمدیاسی‌نین روسجاسی ۱۸۵۱ ده پطرزبورگ‌دا اویناندی. ۱۸۵۲ ده حکایت «خرس قولدورباسان» کمدیاسی‌داتفلیس‌تآترینداروس‌دیلینده‌اویناندی. بوخصوصدا اوزمانکی تفلیس مطبوعاتیندا بئله یازیلمیشدی:

« جمعه آخشامی یانووارین ۳۱ نده ادبیات و تآتر عالمینده بوزمانادەك\مثلی گؤرولمه‌میش بیر احوالات اولاجاقدیر. اوگون بیرینجی دفعه اولاراق صحنه‌ده ترك عادتلرینی، ترك پالتارینی، ترك‌چادرالارینی وترك حیاتینی گؤره‌جه‌یيك. ان‌مهم‌بودورکه ایلك دفعه‌آفیشا (اعلان)لاردا قدرتلی بیر ترك یازیچیسی م. ف. آخوندزاده‌نین آدی گؤرولەجگدیر.»[1]

بو دورده حسن‌بیگ زردابی و نجف‌بیگ وزیروف ملی تآترین یارادیلماسیله‌جدی شکلده مشغول اولوب، بالاخره ۱۸۷۳ده باکی‌دا اورتا مکتب شاگردلری‌نین کمکیله م. ف. آخوندوفون «سرگذشت وزیرخان لنگران» کمدیاسینی ایلك دفعه اولاراق ترك دیلینده اویناماغا موفق اولدولار. آذربایجان تآتری‌نین اصل‌تاریخی‌ده بوزماندان‌باشلار. م. ف. آخوندزاده‌نین پی‌یسلری آذربایجان صحنه‌لرینده اویناندیقجا تاماشاچیلارا درین تاثیر ائدیر. ادبیات مراقلیلارینی (علاقمند) تآتر اثرلری یازماغا تشویق‌ائدیردی. نجف بیگ‌وزیروف (۱۹۲۶-۱۸۵۴)، عسکرآقاآدی‌گؤزلوف، رشیدبیگ افندیوف، عبدالرحیم حق‌وردی‌یوف‌کیمی‌کنج (جوان) یازیچیلار آخوندزاده‌نین یارادیجیلیغیندان الهام‌آلاراق نمایشنامه یازماغا هوسله‌نیردیلر.

باکی‌نین سرعتلی اقتصادی و مدنی انکشافی‌ده بوهنرین جانلانماسینایاردیم‌ائتدی. ۹۰-اینجی ایللرده حسن‌بیگ زردابی‌باشدااولماق اوزره‌باکی‌دا «دراماجمعیتی»قورولدی. بو دورده بیر طرفدن روس و اوروپاکلاسیکلری‌نین اثرلری (شکسپیرین) اوتللوسی، شیللرین قاچاقلاری، گوگولون رویزورو و سایره‌آذری تورکجه‌سینه ترجمه ائدیلیر، بیر طرفدن‌ده نجف‌بیگ‌وزیروف، ع. حق‌وئردیوف، سلیمان‌آخوندوف‌کیمی اونلارجانمایشنامه یازان یتیشیر و آذری تآتری قوتلنیردی و معیشت درامالاری، کمدیالار و تاریخی تراژدیالار یارانیردی.

نجف‌بیگ‌وزیروفون «مصیبت‌فخرالدین»، «یاغیشدان چیخدیق یاغمورادوشدوك»، «پهلوان زمانه» و ع. حق‌وردیوفون « داغیلان تفاق» کیمی پیس‌لری بو دورده یارادیلمیشدیر.

آذربایجان نمایشنامه یازانلاری آخوندزاده‌نین ادبی عنعنه‌لرینی دوام ائتدیر

۱- قفقازگازتی ۱۸۵۲ نمره ۷.

دیکلی کیمی شکسپیر، مولی‌یر، گوگول و استروفسکی کیمی دنیا و روس دراماتورقیا استادلاریندان‌دا ثویره‌نیردیلر. آذری نمایشنامه یازانلارین یارادیجیلیغیندا **دموکراتیک و معارفچی فکرلر** اساس منبعی تشکیل ائدیردی. کهنه جمعیتین منفی طرفلرینی آچیغاوورماق ، اجتماعی خسته لیکلری تنقید یولیله ساغالتماق نمایشنامه‌لرین اساس مفکوره‌وی استقامتی‌نی تشکیل ائدیردی. نمایشنامه‌لرده بیگ و مالکلرین حیاتی تصویر ائدیلیردی. بو یازیچیلار، کهنه جمعیت‌ده‌کی نادانلیغین، اوغرولوغون، قولدورلوغون و سایر عیب‌لرین اساس سببینی، معارفسیزلیکده گؤردوکلری اوچون خلقی معارف‌یولونا چکمیه چالیشیردیلار.

منابع و مراجع:

۱ـ آذری ادبیاتیندا تجددوری (۱۹ و ۲۰ـ اینجی عصر) اسلام آنسیکلوپدیسی پرفسور فوادکؤپرولو، جلد ۲ـ استانبول.

۲ـ آذربایجان ادبیاتی. احمد جعفراوغلو. تورك دنیاسی ال کتابی ۱۹۷۷ـ آنکارا.

۳ـ آذربایجان ادبیاتی. فریدون بیگ کؤچرلی. بیرینجی جلد. علم نشریاتی ۱۹۷۸ـ باکو.

۴ـ آذربایجان ادبیاتی تاریخی. ایکینجی جلد. ف. قاسم‌زاده، محمدعارف وحسین حیدروف. علملر آکادمیاسی. آذربایجان قولو نشریاتی. باکی ۱۹۴۶.

۵ـ اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده. فریدون آدمیت. تهران.

۶ـ ناتوان خورشید بانو. ره‌داقتوری. حنفی زیناللی. آذرشهر. باکو ۱۹۲۸.

۷ـ سخنوان آذربایجان. عزیز دولت‌آبادی.

نوروز بایرامی و باهار ایچون یازیلان غزللردن :

توپلایان : منظوری خامنه‌ای

فضولی:

بهار ایامی

عیش ایچون بیر طرفه منزلدور بهار ایامی باغ
آنده دوتسین غنچه‌وش هر کیم که عیش ایسته‌ر ایاغ(۱)
غنچه‌لر آچیلدی سیر باغ ائدین ای اهل دل
کیم گؤروب گوللر، کؤنوللر آچیلان چاغدور بوباغ
سندن ای بلبل فزوند و رمنده محنت فصل گل
سن‌سن و مین تازه‌گول ، حالا من و مین تازه‌داغ
باغه سرویم گلدیگین بیلمیش سحردن شاخ گل
روشن أتمیش رهگذاری اوزره هر یئر مین چراغ
چکسه‌لر زنجیر ایله گلزاره گئتمه‌م کیم منه
سنبل زلفین فرا قینده‌ن مشوشدور دماغ
موسم گولدور ولی گئتمم، چمن سئیرینه کیم
روضهٔ کویین منه اول سئیرده‌ن وئرمیش فراغ
محرم اولماز رندلر بزمینه مئی نوش ائتمه‌ین
ای «فضولی» چك آیاغ اول بزمدن یا چك ایاغ

شاه اسماعیل ختائی:

بهار تصویری

قیش گئتدی، یئنه بهار گلدی — گول بیتدی و لاله‌زار گلدی
قوشلار هامیسی فغانه دوشدی — عشق اودی یئنه بوجانه دوشدی
یئر گئیدی قبای خضر پوشان — جمله دیله گلدی لب خموشان
سروین یئنه دوتدی دامنین‌صو — سرواوسته اوخودی فاخته غوغو
غنچه دهنی چمنده خندان — گولماخدان انار آچدی دندان
بلبل اوخودی صفات هجران — در یاده در اولدی ابرنیسان

---

۱ ـ قدح

دورنا اوچوبان[1] هوایه دوشدی
لاچین[2] آلوبان اودایه[3] دوشدی

آلماغا آغاجی دییننده سایه
طعن ائده‌ر ایدی بولوتلا آیه

یاشین یئره تؤکدی ابر نیسان
بلبل‌لر اوخودی صد هزاران

مئی بسله‌دی ژاله هر ورقده
دراجی کباب اوخور طبقده

شاخ‌اوسته قاباقلار آسلی[4]، حالی
غو گردنیندن وئریر مثالی

قوش بچه‌لری اونی یوواداندان
مکتب اونی تك گلیر هوادان

بویاندی زمین هزار رنگه
اوراق شجر ده تنگه تنگه

نیلوفر آچیلدی صویا گیردی
پیراهنینی باشنا سردی

چنار الینی چؤ رقصه آچدی
گول خیردا زرین شابا ساچدی

چایلاردا بولاندی،یئخدی‌آزخین
باغلار آغاجی گوگردی شاخین

گیلاس آغاجی دییننده ماهیم
چون ماه ایدی در میان انجم

یوز دورلی[5] قبا گئیب چمن‌لر
آغ دونینی گئیدی یاسمن‌لر

شاخ اوسته شکوفهٔ شجرلر
موسا ائلیندن وئریر خبرلر

جعفر خندان:

نوروز بایرامی

خوش گلدی بهار ، اولدی کؤنول خرم و خندان
گول فصلینه حصر ائیله‌دی ئوز شعرینی «خندان»

به‌به نه گؤزه‌لدور وطنین آب و هواسی.
هر یاندان اوجالمیش گؤیه آزادلیق هواسی.

بام باشقا لطافت گؤرونور گولده ، چیچه‌کده
آزاد نفس آلمیش ائله بیل گول‌ده ، چیچه‌کده

توی پالتاری گئیمیش بو ایل ائل‌لرده ، بهاردا
شاعر نئجه سوسسون بو ملاحتلی بهاردا.

یاز ، یاز دئیه امر ائتمه‌ده شاعرلره شن‌یاز
شاعر ، وطن اولادی‌کی شن‌دور ، اونی شن‌یاز

۱- اوچاراق. ۲-عقاب. ۳ - آلاچیق - اطاق ۴ - آسیلی ۵ - جور

یاز نغمه‌لرین ئولکه‌ده دیلدن‌ـدیله دوشسون
هر بیر سؤزی‌نین تأثیری دیلدن‌ـدیله دوشسون

نوروز بیزیم ئوز بایرامیمیز دور گولون ائل‌لر
عطریندن آلون هر چیچه‌گین ، هر گولون ائل‌لر

م. بی‌ریا:

وطن گولدی

گنه نوروز عیان اولدی قرنفیل ، یاسمن گولدی
گونش ده‌گدیکجه هر لاله قیزاردی، نسترن گولدی

***

بهارین خوش نسیمیندن بو گون روحلاندی سنبل‌لر
دؤنوب بیر جنته یوردوم ، آچیلدی جور به‌جور گل‌لر
بوتون گلشنلره ای دل نگهبان اولدی بلبل‌لر
یاشیل چؤل‌لر صفا لندی، چیچه‌ك گولدی، چمن گولدی

***

داغا ، صحرایه باخدیقجا اورکدن ذوق آلیر وارلیق
محیطین صاف فضاسینده نه غم وار نه کدر آرتیق
بو شن دوری نصیب ائتدی بیزه دنیاده آزادلیق
ائلیم ظلم و اسارتدن خلاص اولدی وطن گولدی

***

کمالـه چاتدیغیم گوندن نه‌لر گؤردوم طبیعتده
اونون اسراری غرق ائتدی منی دریای حیرتده
باشیم داشدان‌ـداشا دگدی دوشوندوم که حقیقتده
همیشه دامن حقی دوتوب ، حق یول گئدن گولدی

***

دانیش، گول قلبدن سنده عزیز بایرامدر ای ملت
او کس‌لر کـه اولوب دائم شهید راه حریت
جهانداروحی شاداولدی، مزارایچره یاتیب‌راحت
بیزه باخدی ، فرحلندی ، او آلقانلی کفن گولدی

توپلایان: مرتضی مجدفر:

آتالار سؤزی

بولانماسا، دوؤرولماز.
هاردا بیرلیك، اوردا دیریلیك.
تك اُلدن سس چیخماز!
هر ایشیوی باب ائله، گؤره‌ن دئسین هابئله.
چوخ دولانان، چوخ بیلر.
قوردون توبه‌سی، ئولوم‌دور.
کؤر دوتدوغون‌بوراخماز.
قره‌گونون عمری آز اولار.
ائل‌گؤجو، سئل‌گوجو.
آج آدامین ایمانی اولماز.
آجا میت حلال دور.
ایشله‌میین، دیشله‌مز.
حق سؤز آجی اولار.
هر زادین تازاسی، دوستون‌کهنه‌سی.
عالم اولماق آساندی، آدام اولماق چتین.
اصلان آغزیندان شکار آلینماز.
توپراقدان سس چیخماز.
توخی ترپتمه، آجی دیندیرمه.
وارلیغا نه دارلیق.
مردار اسکی اود توتماز.
یاغماسادا گورولتوسو وار.
قره‌دن آرتیق نه رنگ وار.
آروادی أرساخلار، بوستانی‌ور.
سیچان اولمامیش قاوورقا یئیر.
ایتی‌ایبه‌سینه تانیتدیرما.

قره‌بخت داغاچیخاندا داغلاری دومان بورور.
ات یئیه‌ن قوش، دیمدیگیندن بللی اولار.
بیری ئولمه‌سه، بیری دیریلمز.
آیدان ایلدن بیر نامازا، اونودا شیطان قویماز.
ئولی عزرائیلین اوزونه‌گولر.
دوستا آلقیش، دوشمنه قارقیش.
چیخان قان داماردا قالماز.
دامی بیخدیم‌کوره‌مگیندن اُوتور.
یئکه‌گؤز ایشقیسیز اولار.
آدام ئولر، آدی قالار.
توت الیمدن، توتوم الیندن.
یانماسا یانماز، یا اتکله یا یئللە.
ئولدی وار دوندی یوخ.
قورخو باشابلادی.
قلم یازانی قیلینج پوزا بیلمز.
قورددان قورخان قویون ساخلاماز.
تویوق یاتار یوخودا داری‌گؤره‌ر.
جالانان یاغ مچیده نذیردی.
چولاغ آت سیده نذیردی.
جواهر جیندا ایچینده اولار.
دلی‌دن عقیللی‌سی اولماز.
قیصاص قیامته قالماز.
میریغا دئیرلر: چراغی پؤله!
قارین دویوران آشی‌گوز ثانیر.
ایگید ئولر آدی قالار، مخنثین نیئی قالار؟
آدام آداماگلر، داغ داغاگلمز.
گزه‌ین ایاغا داش‌ده‌گر.
محبتدن مرض حاصل اولار.
زر قدرینی زرگر بیلر.
سوکوزه‌سی سویولوندا سینار.

عاشیق ناغیل لاری

عاشیق عباش توفارقان روایتینده

توفارقانلی عاشیق عباس ناغیلی‌نین اوچونجی پارچاسی

عباس مهیار

آما عاباس هامیدان قاباخ ئوزون شاه قصرینه یئتیریب وعرضه داشی‌نین اوستونده اوتور موشدی.

شاه‌آداملاری عاباسی‌گؤروب و صوروشورلار: «سن‌کیم سن و بورایا نه اوچون گلمی‌سن؟» عاباس دینمیر. صونرا بیریسی دئییر: «اولمایا سن توفارقانلی عاشیق عاباس سان‌کی، شاها عرضه وئرمگه‌گلیب‌سن» عاباس دردلی اورکدن‌آه چکیب و دئییب:

خبر آلسالار عاباسی — دئنه گئتدی توفارقانا
آلدیلار یارین الیندن — گئتدی قارقانا ، قارقانا[1]

***

عاباسین عمی‌سی قیزی — بیردی گئجه‌سی گوندوزی
گؤزله‌دی شهر تربیزی — گئتدی او صاحب زامانا

***

عاباسین واردی آغاسی — موشگولده قویماز عاباسی
الینده عرضه ناماسی — گئتدی شاه خوراسانا

۱ـ نفرین اولموش شکلده.

شاه‌آداملاری عاباسی تانی‌یبلار و اونی شاه قوللوغونا گتیریبلر. گول‌گز عاباسین گلمه‌گیندن خبرداراولوب، ئوزون شاه بالاخانالارینین بیری‌سینه یئتریب، اؤزون‌عاباسا نیشان وئریب، صونرا شاهینان عاباس دانیشیغینا باخماغا باشلاییب.

شاه صوروشوب : «آی‌توفارقانلی» عاباس، سئوگون چوخ گؤزلدی‌کی، سنی توفارقاندان بورایا گتیریب؟»

عاباس‌گؤزون دولاندیریب، شاهین‌باشی اوسته، بالاخانادا، گول‌گزین گول‌جمالین گؤروب و بئله دئییب:

هئچ کتابدان درس آلمادیم اوخودوم — محتاج‌دگیل هئچ اوستایه قاشلارون
باخمازیدیم گوناهکارلار اوزونه — سالدی منی مین بلایه قاشلارون

شاه‌عاباس اوزون‌آلله وئردی خان وزیره توتوب صوروشدی: «آلله وئردی‌خان، بو اوغلان نه دئییر؟»

وزیر دئدی «قوربان دئمك نه لازیم، عاشیق سنون قاشلاریوی تعریف ائیله‌ییر.»

شاه عاباس ال بوغلارینا چکیب‌دئیر: «هه! عاشیق دالی‌سین یئتیر گؤرك.»

وزیر، عاشیق عاباسا دیش قیسیب گؤزباسیب: «ائوین ییخیلسین عاشیق! ئولوم‌آیه سی‌وار، سؤزون بیر تهردانیش شاه راضی دوشسون.» عاباس دئییب:

من یارین قولویام بوینومدا طوقی — یار منی یاندیردی جمالون شوقی
کعبه‌نین‌ئورتوگی‌بهشتین‌طوقی(طاقی) — سالیبدور اوستومه سایه قاشلارون

***

امن ئولمز یارین شیرین دیلیندن — قوجان ئولمز یارین ایشگه بئلیندن
ینگی چیخیب اوستادینین الیندن — بنزهر اوچ گئجه‌لیك آیه قاشلارون

***

اووچی اولان دورار داغ دامانیندا — دردلی اولان دورار دردلی یانیندا
نه دوروبسان سیراقینین دالیندا — وئریبدورعمرومی ضایه قاشلارون

***

بیرحالون یاخیشدور، بیرحالون‌یامان — بیرحالون صالوبدور، کؤنلومه‌گومان
بیر حالون بولوتدی داغلاردا دومان — منی چکیب تاماشایه قاشلارون

***

بیرحالون بزیرگان، بیرحالون خوجا — حسنون ذکاتین‌وئر منیم تك آجا
من عاباسام شاهسا ائتمم ایلتیجا — گتدی منی ایلتیجایه قاشلارون

شاه عاباس دوشونـورکی، عـاشیق عـابـاس اونی تعریـف ائیلـه‌میر. اوجـادان قیشقیریب‌دئیر:

«آی جلاد!» عاشیق عاباس‌ئولومی گؤزونون قاباغیندا گؤروب‌آمائوزون سیندیر-ماییب و دئیر: «قوربان عاشیقی الی باغلی ئولدوررلرآما دیلی باغلی ئولدورمزلر. سؤز لریمه قولاغ‌آس ئولدورمك اوزاخ یئرده‌کی دگیل» و دئدی:

گون‌کیمی نج وئریب قصردن باخان — جمالون شعله‌سی آیه دوشوبدی
باهار اولجاخ آچـار غنچه‌سی، گولی — قیزیل گول گؤرمیشم یایه‌دوشوبدی

***

ئوز الوندن دولدوروئر ایچیم باده — حییف‌دی لبلرون وئرمه، سن باده
سور دورانون بئله فانی دونیاده — ابله اودی بو قورخایه دوشوبدی

***

ماللالار ماللاسی عالیملر خاصی — بـو دور سنه مؤمنلرین دوعاسی
جوت ممون آلتیندان بیرکان آراسی — ائله‌بوللم‌قارقوزایه(شمال)دوشوبدی

***

عاباس دی‌یر دوردوم دوردوم قـوولومدا
جـلادلار دور ائـدر سـاق صـولـومـدا
چـوخ جفـالار چکـدیم یـارین یولوندا
دی‌یـه‌سن امـه‌گیـم ضایـه دوشـوبـدی

آللاه وئردی‌خان اوزون‌شاه عاباسا توتوب ودئییب: «قیبله عالم! عاشیق‌ئولدور-مه‌گین دوشه‌ردوشمه‌زی اولی . یاخجی‌سی بودورکی عاشیق عاباسی درین‌درین‌دوسداغا سال تا اورادا چوروسون گئدسین، سنون‌ده الون ناحاق قانا باتماسین.»

شاه‌وزیرین سؤزوندن خوش گلیپ. بیربوغون اویناديب، جلادلارعاباسی‌چکه‌چکه سیاهچال‌لاررآپاریبلار .

سیاهچال بیردرین قرانلوق یئرایدی‌کی، هرکس‌اوچ گون اورادا قالسیدی‌چورویوب آرادان گئده‌ردی. عاشیق عاباس قیرخ گئجه گونوز اوردا قالیب، اوف دئمه‌ییب، گول گز عشقیندن گون‌به‌گون حالی ساز اولوب. آما بیرگون گول گز شاه درخانـاسی‌نین کنیزلری ایله. سیاهچال قویوسونون‌باشینا گلیب. عاباسدان‌سس‌صوراخ بیلمه‌ییب. بیرچیلتیك‌داشی سیاهچالاآتیب تاییلسین کی، عاباس ئولوب‌یادیریدی. قدیم زاماندان دئییبلر: «دوس‌داشی یامان اولی، باش یارماسادا اورك یارار.»

داش‌عاباسین‌باشین‌یاریب. ایستی‌قیرمیزی‌تزه‌قان‌قارانلوق‌قویودا عاباسین‌آنلینا‌آخیب.

عاباسین اوره‌گی یار الیندن درده‌گلیب و بئله دئییب:

گئنه گلدی باهار فصلی — قوی یاریم اغوار ائیله‌سین
نه‌گؤرگؤرسون بئله یاری — نه‌کؤنول غوبار ائیله‌سین

***

حاشا سئو دیجگیم حاشا — یازیلانلار گلدی باشا
بیر یاندان ئوزون یاس داشا — بیر یاندان ائل جار ائیله‌سین

گول‌گز عاباسین سسین ائشیدیب. اوره‌گی ایشیقلانیب، آمابیلیب‌کی، آتدیغی‌داش عاباسین‌باشین یاریب. ال ایاغا دوشوب و دئییب: «آی عم‌اوغلو، قوی‌گئدیم سنون اوچون طبیب‌گتیریم.» عاباس‌گول‌گز سؤزونون جوابیندا بئله دئییب.

قوی عاباس زینداندا قالسین — آغاسیندان درسین آلسین
نه گول‌گز باشینی یارسین — نه طبیب تیمار ائیله‌سین

شاه‌آدامیلاری‌گول‌گزی عاباسدان‌آرالی‌یییلار وآپاریبلار.

بیرگون‌عثمانلی دولتیندن شاه درخاناسینا بیرگؤرکملی‌ائلچی گلیر. مجلس‌قورولور. بو بساط دؤشنیر. دئملی اوتورانلارین‌گئجه‌سی چوخ خوش‌گئچیر. عثمانلی ائلچی سینین‌کئفی‌گول ائیله‌ییرو اوزشاه عاباسا توتوب و دئییر: «اولارکی، بیرائل عاشیغی‌بورا یاگتیره‌سن، بیرآزعاشیق ناغیل‌لاریندان سازینین‌دیلی‌جه بیزه سؤیله‌یه؟.»

شاه عاباس فیکره‌گئدیر. ائله بیرآدام، گئجه‌نین اوزامانی یادینا دوشمور. اوزون آللاه وئردی خان وزیره توتور. وزیر دئییر: «قوربان امر ائیله توفارقانلی عاباس مجلیسه‌گلسین.»

شاه عاباس دئییر: «یاخچی دئدون وزیر. تئز عاباسی بورایاگتیر.»

وزیرین اشاره‌سینه‌گؤره، شاه‌آدامیلاری عاباسین صوراغینا‌گئدیبلر. گؤروبلر عاباس ساغ سلامت، دیری‌باش، عشقی‌ساز‌گول‌گز اوچون شعراوخویور.

من گلیردیم توفارقانین ائلیندن — یولوم دوشدی اوباسینا پریمین
سالام‌وئردیم، علیک‌آلدی سالامیم — قوناق اولدوم باباسینا پریمین

***

پریم تکلیف ائتدی چاشتا دوشماغا — سوایسته‌دیم شراب‌وئردی‌ایچماغا
کؤنلوم قوشی پرواز لانیب اوشماغا — اوچدی، قوندی جیغاسینا پریمین

***

دال گردنه تؤکولوبدور هؤرمه‌لر — میناکمر اینجه بئلی بورمه‌لر

اطلس قوفتا (پالتار) اوسته قیزیل دویمه‌لر دوزولوبدو یاخاسینا پریمین

***

عاباسی یدیم گلدیم بیردا قالماغا سارالیبان هئیوا کیمی صولماغا
جفا چکیب بئله گؤزه‌ل آلماغا عجب دوشدوم سؤداسیناپریمین

عاباسی‌سیاهچالدان‌چیخاردیبلار. گئجه گؤزی خاماماآپاریبلار. تمیزپالتارگئیدیریبلر و شاه مجلسینه گتیریبلر.

شاه عاباسین گؤزی عاشیق عاباسین پولادبدنینه دوشوب. عاباسی‌آللی، قیرمیزیلی و دوری صفت گؤروب و دئییب: «آی توفارقانلی عاباس، اوچ گون او سیاهچالدا قالان اریمه‌ر، چوروپه‌ر سن نئجه قیرخ گون اورادا قالدون هئچ رنگونده پوزولمادی؟»

عاباس شاه عاباسا طعنه ویرا ویرا بئله دئدی:

نازلی یارین اوزون گؤره‌ن چورومه‌ز نه باکی وار قالاغملر ایچینده
آغام شاهین ئوزون گؤره‌ن اریمه‌ز یوز ایل قالا شه وغمله‌ر ایچینده

***

گؤزه‌ل اولان هئچ واخ اوزون بورومه‌ز وفالی یار ، یارین قویوب یئر یمه‌ز
نازلی یاری ، یار ائله‌ین چؤرومه‌ز یوز ایل قالا شه و نمله‌ر ایچینده

***

گل گل سنه دئییم ای شاه خوبان گئجه گوندوز ائیله‌رم آه و فغان
یار عشقیلن بئله قالمیشام جوان سیزلاشمارام زئر زمیله‌ر ایچینده

***

شاه عاباس دئییر: «آی عاباس توفارقانلی، گئنه‌ده‌کی، یار یار دئدون عشقوندن دانیشدون.»

مجلسده اگله شنلرین بیریسی دئدی: «قوربان عاشیقلارئوزآغالارینا یاردییرلرشاه عاباسین بوسؤز قولاغینا گئتمیر. گئنه‌ده جلاد چاغیرماق فیکرینه دوشور. عاشیق عاباس بونی‌شاهین‌قاش قاباغینین تؤکولمه‌سینده سئچیر. ئوزئوزونه دئییر: «نه‌عیبی‌وارسؤزومون قالانین شاها دئییم واونی دانلی‌ایمانلی‌بیرآدام ساییم بلکه‌ده مسلمانچیلیخ بوینونادوشسه وگول گزی منه قئیته‌ره.» اونا گؤره دئدی:

عاباس دی‌یه‌ر سنده صاحب دین‌سن سلیمان مولکونه صاحب حکم‌سن
هانسی مزلیش‌اولسا صندل‌نشین‌سن ملاکه سن معظم‌لر ایچینده

پیچ‌پیچ دوشدی. باشلار قولاخلاردیبینه‌اگیلدی. شاه مجلیسینده اوتورانلار، ائلچیلر دوشوندولرکی، عاباسین‌آداخلیسین شاه عاباسین امریله شاه درخاناسینا گتیریبلر. عثمانلی ائلچیسی دئـدی: «آی شاه عاباس، مسلمان شاهی گرکمز. ائلـه بیر ایش گؤره‌کی، آپری شاهلارینداایرزین‌آپارا.»

شاه‌عاباسین بوینونا چکیرکی، عاباسین‌آداخلی‌سین زورونان اورایاگتیریب اماائونا ال وئرمه‌ییب. شاه عاباسین اوزون عاباسا توتور و دئییر: «آی عاباس نئجه اولدی سن بوسودایه دوشدون؟» عاشیق عاباس دئییر :

دامـاد پیغمبر زینب منبر — محشرده شیعی‌یه امـداد ائدندی
کرمین کانی دور صاحب قنبر — امامت وجهینده ارشاد ائدندی

* * *

ذی طه قباسی ذی یسن کمر — انـا و منایـه هـوالتاج سر
اوگونکی‌جبرائیل‌قالمیشدی‌بی‌پر — اوناتعلیم‌وئریب ایفادائدندی

* * *

ماه هدایتدی نـور منور — بارماخلا، شق ائتدی سماده قمر
آدم صفتینده خـاتمه سرور — قـرآن مجیدی ایراد ائدندی

* * *

حق تالا یارادیب بیربئله سرور — امیـرالمـؤمنین امـام اکبـر
قبر ائوینده گلیر نکیر و منکر — اوندادا عاباسی بیریاد ائدندی

شاه‌عاباس‌دئدی: «آی عاباس توفارقانلی، اگرسن‌حق عاشیقیسان‌برگشاقویوسونون آغزیندا اولان داش بورادادی، اونـون اوچون بیرشعرقوش واوخو وایسته‌کی، اوداش یئرینده‌ن اویناسین.»

عاشیق عاباس یـا حق دئییب، دردلی اورکـدن بیرآه چکیب و شعر او خوماغا باشلاییب:

ختم رسل ارنلرین سروری — جمعی گؤزلر گؤرسون یاری سنون تك
آدمدن ایره‌لی خاتمدن بری — کیمین واردی اومیدواری سنون تك

* * *

قلبیم قلبونیله اولدی آشنا — محبتـون بـو قـلبیمـه داشینـا

ازل ازل عمرو، انتر باشینا　　کیم ویراردی ذوالفقاری سنون‌تك

***

نظر سالیب قره داشی دیندیرن　　اون دؤرد اوخی بیر چیلایه میندیرن
شکسته عاباسین کؤنلون‌گولدورن　　کیمین واردی غمگساری سنون تك

بئله روایت ائله‌یيبلر کی‌داش ئوز ئوزونه بیرتکان‌وئردی، یئریندن‌اویندی، هوایه قالخدی، ایکی تیکه اولدی، بیرتیکه‌سی ائله گئتدی کی گؤزه گؤرسنمه‌دی، ایکینجی تیکه‌سی ایصفهانین جولفا محله‌سینه دوشدی ویئتمیش اسلامدان بری اولانلارین ائوین باشلاریناییخدی.

شاه عاباس گئنه بهانه دالیجا دولانیردی. اوناگؤره دئدی: «ها! عاباس‌ایندی‌اگر بیرایشده گؤرسؤن گؤل‌گز سنوندی و هئچ‌کسین سنه سؤزی یوخدور. اودا بودورکی، بیر شعری دی‌یه‌سن‌که هاوالار دولا، یاغیشلاریاغا.»

یورولمازعاشیق عاباس گئنه‌ده دولی اورکدن شعراوخوماغا باشلاییب:

ایکی سلطان چخیب نرگس تختینه　　بیر بیرینه اوخ آتیل‌لار قیژهاقیز
سمك‌آغزین‌آچیب دریا اوستونه　　آب نیسان اوندان یاغیرقیژهاقیژ

***

نؤکر اولان قوللوق ائیله‌ر خانینا　　معشوقلار سوسویوب عاشیق قانینا
جبراییل وحی گتدی رسول یانینا　　شهپری‌نین سسی گلیر قیژهاقیژ

***

بو یوران نامه‌سی گلدی یادیما　　البته یئته‌رم من مورادیما
عاباس دی‌یرآغام دوشدی یادیما　　گؤزوم یاشی سئله دؤنور قیژهاقیژ

دئیرلر یاغیش یاغماغا باشلاییر. ائله بیر یاغیش‌کی، ایسفهانی سئل‌گؤتوروز. ائلچیلرین بیری دئییر: «بوحق‌عاشیغی‌دور. داها اونی چوخ اینجیتمه، گول‌گزی وئرالینه و حرمتیلن یولاسال.»

شاه عاباس دئییر: «عاشیق عاباس یان دئییر. عاشیق یوزدانیشسا بیرده دوز اولماز.» صونرا شاه عاباس دستور وئریر قیرخ نفر عجم اوباش ییغیب شاه مجلیسینه گتیرسینلر. قاباغدان اونلارا دئییرلرکی، شاه مجلیسینه نه اوچون اونلاری آپاریرلار. عجم اوباشلار وقتی شاه مجلیسینه وارد اولورلار وشهادت وئریرکی، توفارقانلی‌عاباس یالان دئییر.

عاشیق عاباسین غریبلیك دردی اوره‌گی‌نین باشین دلیر و دئییر:

ای آغالار هئچ کس غریب اولماسین — غریبین‌ده یئری یوردی دار اولی
یاپالاخلار ئوز یئرینده لاچین‌دی — تولك طرلان غریبلیکده ساراولی

***

صونرا عاشیق عاباس سؤزونون دالیسین بئله توتوب و دئییر:

ای آغالار بو دونیانین کونجینده — گل‌گل قره‌باغریم کؤزه توتال‌لار
یوخسول اگر ایلمان دیلی اوخوسا — وارلی‌نین سؤزونی دوزه توتال‌لار

***

عالم اولان حق کلامین اوخویا — بارماخلاریم کلیم گبه توخویا
غریب‌آدام قوران دیلی اوخویا — آداملی‌نین سؤزون سؤزه توتال‌لار

***

ای آغالار بودونیادا نئیلی‌یم — خنجر آلیم باغریم باشین طی‌لی‌یم
بودونیادا یوزمین قازانج‌ایلی‌یم — آخیردا بیر آرشین بئزه توتال‌لار

عاباسین اوره‌گین یالان سؤز، یالان شهادت وئرمك چوخ برك یاندیریب، سؤزون بیرآیری جور باشلاییب و بئله دئییب:

ئوزوندن کیچی‌گی ایشه بویورما — سؤزون یئره دوشه‌ر هئچ مقداراولماز
هرنه‌کی،ایش‌گؤرسؤن ئوزالونله‌گؤر — انسان ئوز ایشینده جافاکار اولماز

***

ئوزوندن بؤیوگون‌ساخلایولونی — دوشن یئرده صوروش عرض حالینی
امانت امانت قونشو مالینی — قونشویوخ ایسته‌یه‌ن‌ئوزووار اولماز

***

صوروشون قول عاباس حالون نئجه‌دور — گوندوزلریم، آی قرانلوق گئجه‌دور
سرو آغاجی هر آغاجدان اوجادور — اصلی یوخدور بوداغیندا بار اولماز

بوسؤزلر وشعرلر ایصفهان اوباشلارینین ائله حالین دؤنده ریب‌کی، هامیسی‌ایاغا دوروب، شاه باغیشلایان پالتالاری‌اگینلریندن چیخاردیب، شاه وئرن پول‌لاری‌مجلسین آراسیناسپیب ودئییبلر: «آی اگله‌شنلر، بیزه شاه‌آداملاری سؤزی بیرآیری جورحالی‌ائله میشدیلر. بیزعاشیق عاباسین باشیناگلن قضووقدردن خبریمیز یوخودو. اوناگؤره دئدیك لریمیزدن‌چوخ عذرایستی‌یندن صونرا، دئییریك‌که شهادت‌وئرمه‌گیمیز یالانیدی.» صونرا هامیسی مجلسدن دوروب و یولادوشورلر.

شاه عاباس‌کی، حاضر درگیلدی گول‌گز پرینی الیندن وئره، دئدی: «آی عاباس توفارقانلی، بوراجاق نه‌دئدون هامیسی دوز، آما ایندی‌سندن ایسته‌ییرم‌کی، بؤیوك‌عالیم میرحسینی ۲ آدلی مالالایله‌ده، دین بابتینده‌آغیزگپی ائیله‌یسن.»

عاباسین بویینی قیلدان نازیك ایدی‌گئنه‌ده شاه دیین سؤزه دوردی.

شاه امریله میرحسینی مجلسده حاضر اولدی. اوزون عاباسا توتدی و دئدی: «آی عاباس توفارقانلی گؤزووی‌آچ‌آدام‌تانی، من هنده منده‌آدام‌لاردان دگیلم. اگر منیم سؤزلریمه دوز جواب وئرمه‌سؤن باشون بدنوندن قاباخ مجلسده‌ن ائشی‌گه‌چیخاجاخ.»

عباس دئدی: «میرحسینی ائشیدمی‌سن‌آدام ئولدرورلر، آما جنگ میدانیندا مجلسده سؤزدانیشارلار. گؤزون یوم سؤزون‌ده. اوشاق قورخودماغاکی، گلمه‌می‌سن.»

میرحسینی عاباسین طعنه‌لی سؤزونون قاباغیندا دئدی:

ییغیلیب بیر یئره عاریف اولانلار — رسول نه گونونده تاج سر اولدی
نه‌یئدی، نه‌ایشدی، نه‌دن اویوشدی — نه‌اوستونده دوردی دین ایلقار اولدی

عاباس دئدی قولاغ‌آس میرحسینی:

گل گل سنه دئییم ای میرحسینی — یك شنبه‌ده رسول تاج سر اولدی
نوریئدی، نورایچدی، نوردان‌اویوشدی — اسلام‌اوسته دوردی‌دین‌ایلقار اولدی

میرحسینی دئدی:

اوکیمدورگتیردی اولگوجو، داشی — کیمسه‌نین سؤزیله قیرخیلدی‌باشی
نئچه تاریخیده یوخلاندی یاشی — نئچه ایل دونیادا عمری وار اولدی

عاباس دئدی میرحسینی اونون جوابی‌دا راحاتدی:

جبراییل گتیردی اولگو جو، داشی — سلمانین الیلن قیرخیلدی باشی
قیرخ ایل‌لیکده اونون یوخلاندی‌یاشی — آتمیش‌ایل دونیادا عمری واراولدی

میرحسینی دئدی:

میرحسینی دی‌یه گونلر نئچه‌دی — نئچه لعل‌دی، نئچه گوهر نئچه‌دی
رسولون باشیندا موسر نئچه‌دی — هارایا یوخلاندی مختصر اولدی

عاباس دئدی:

عاباس دی‌یه‌ر دونیا داگون ایکی‌دور — ایکی‌لعل‌دور، ایکی گوهرایکی‌دور
باشینداتوك: مین‌اوچ‌یوزآتمیش‌ایکی‌دور — قدرت لیلاده مختصر اولدی

عاباس شعرین‌کی، باشاویردی دئدی: «میرحسینی من دمیرچی زیندانی‌دگیلم‌کی، بئله‌گوپزه‌یه‌سن هرنه‌صوروشدون دئدیم، دایان بیرینده من صوروشوم.» وصوروشدی:

خاتم‌الانبیا عین ذاتیندان — بی‌تیرن گول‌لرین روناقی ندور

هاراداسالیندی مسجداقصی ایچی‌داشدی اونون قیراغی ندور

میرحسینی دئدی: «سن هرنه ایستی‌یی‌سن صوروش، منده اونلارین هامیسی‌نین کتابی‌وار، گئدیب گتیریب بیریئرده جواب‌وئره‌جیم.»

عاباس شعرینین دالیسین توتدی:

گؤیون قندیل‌لری آسیلیب داردان نئچه‌سی هیئوادان ، نئچه‌سی ناردان
یئرین گؤیون واردی قاپیسی هاژدان کیم‌آچار، کیم ئورتر، اویناقی ندور

* * *

قندیل‌لر آسیلیب عرشین اوزوندن نئچه‌کیمسه‌نه، اونون سؤزوندن
نئچه زادوار حقیقتین ئوزوندن رسول خدانین بوداقی ندور

* * *

عاباس دی‌یه‌ر من توربانام قامته نئچه زادلار سن گتوردون صفته
اوکیمیدی آپاردیلار ظولمته اونلارنه یاندیردی چیراغی‌ندور

میرحسینی ایاغادوردی. عاباس توفارقانلی صوروشدی: هاراگئدیسن؟» میرحسینی دئدی: «گئدیرم همان‌کتابی سنون اوچون‌گتیرم و سؤزلروون هامینسینون جوابین وئرم.» میرحسینی بونو دئییب مجلسدن چیخیب، ائله‌گئدیب کی، قارقالادا خبرین‌گتیره بیلمی‌یب.

مجلسین هریانیندان **پاشا عاباس توفارقانلی پاشا** سسی اوجالیب.

عاباسین شعر دریاسی جوشه‌گلیب وآیری بیر شعر اوخویوب:

آللاهدان امراولدی گلدیم دونیایه گؤزوم‌آچدیم ماییل اولدوم‌اوبورجا
کامیلیدیم حق کلامین اوخودوم الیف قددیم دال یازیلیب اوبورجا

* * *

هئچ بیلمه‌دیم جبراییلدی خواجادی گوندوزوم گوندوزدی گئجه‌دی
اوبیربوشدی هامی‌بوشدان اوجادی عرش اوزوندن بیریول سالیب اوبورجا

* * *

عاباس دی‌یه‌ر آختاردیغیم تاپمیشام قیخلار مجلسیندن بیر پای قاپمیشام
سینیخ‌کؤنول بیخمامیشام یاپمیشام هرکؤنولدن بیریول‌گئدر اوبورجا

صونرا عاشیق عاباس سؤزون دگی‌شیب بئله دئییب:

نئچه پادشاهدی کوثر آغاسی الینده توتوبدی بیر جام اول عزیز
اسکندرآختاردی تاپدی ایچمه‌دی خضیرایچدی اولدی‌جوان، اول‌عزیز

* * *

اونه‌دی دولانان اولدی دونتانی — نـه عجب خلق ائدیب کرمین کانی
بئش پیغمبر سؤدی دین اسلامی — اونلاربویوروبلار: «ایمان» اول عزیز

***

دولدولون صاحـابی قنبر آغاسی — هـارادا گی‌ییندی شاهلیق لباسی
موشگولده‌قویماییب‌هئچ‌واخ‌عابا سی — ئیتیش‌سین دادیمه‌گومان، اول‌عزیز

عاباس شعراوخوماقدان‌یورولموردی، شعریلن‌ژنیداندادولان اوره‌گین‌وشادیردی. گئنه بیرآیری شعر اوخوماغا باشلاییب:

اول ابتـدادن نـوردان یـارانمیش — چـکیلیدی نـوری آیـه ششاشش
آب وآتش، خاك و باددان یارانمیش — آیدا اوندان قیلار سایه ششاشش

***

ازل گوندن سنه دئمیشم علی — پیمبـر یئرینـده وصـی‌سن ولـی
چکدون‌ذوالفقاری‌بؤلدون‌انتری — شاهلیق‌گلدی سن مولایه ششاشش

***

عاباسین شستینده چوخدور هنری — اولیـالـر ، انبیـالـر مـرسلی
یـدالله الیلن ییخـدون خیبری — احسنت گلیب بو ثنایه ششاشش

(دالیسی‌وار)

اتك یازیسی

(۱) ایکینجی روایت بو جوردور:

بیرخالون بزیرگان، بیرخالون‌خوجا — حیف‌دی لبلرون،وئرمن تك‌آجا

۲ـ میرحسینی: حاج محمد حسین، محمد اصولی‌نین اوغلی،گرك اولاکی، حسینی شیرازی‌آدینا معروفدور.

حسینی یا میرحسینی ۱۱۸۴ اونجی ایلده دوغولوب و ۱۲۴۹ نجی ایلده‌وفات‌ائله ییبدور. اونون اصلی‌قزوینلی‌دی،آما دوغولماغی‌کربلادا اتفاق دوشوب. اشترنامه‌کتابی اونون یازدیغیدور. بونولازیمدی بیلمك‌کی، میرحسینی‌نین یاشادیغی زامان، شاه عاباس زامانی‌ایله دوزگلمیر.

ت ـ پیرهاشمی

اردبیل‌ده‌نوروزبایرامی‌نین‌استقبالی(۱)

اردبیل‌ده **بایراماقاباق** یا بایرام استقبالی اسفند آیی‌نین‌اولیندن باشلانیر[۱] بایرام قاباغیندان منظوربایراما حاضرلیق‌آپارماق،اونا گره‌کن شی‌لری آلماق، ائوتوزو تؤکمك، پالتار تیکمك و بونون‌کیمی ایشلردیر.

بو بحث‌دن قاباق قیش بؤلگوسیندن دانیشماق گرکدیر: قیش‌ایکی‌چلله‌یه بؤلونور اولی بؤیوك‌چلله دیرکی دی‌آیی‌نین اولیندن باشلانیر وقیرخ گون‌دیر، بهمن آیی‌نین اونوندا قورتاریر؛ صونرا کیچیك چلله‌ایگیرمی گون دیرکی بهمنین اون بیریندن باشلانیر و آخرینده قورتاریر؛ اسفندین بیرینجی دؤردگونی‌چلله بئچه‌یه‌کورداوغلی احمد و قاری کولگی دئییرلر. بو آدلار فولکلوریك بیر افسانه‌دن‌آلینمیشدیر. او افسانه بودیر:

کیچیك‌چلله چیخاندان صونرا صویوق سینیر و هوا خوشالیر، افسانه‌دی بیرگنج اولان‌کورداوغلی شکار فکریله شهردن چیخیر، اما بویاندان بیر قاری آروادکی یالینز بیردوه‌سی وار ایدی حضرت سلیمانین یانینا گئدیب شکایت ائدیرکی‌چلله‌لرده هامونون دوه‌سی قیزدی[۲] اما منیم دوه‌م اینديه قدرقیزمایيبدیر. حضرت سلیمان قارینی‌راضی‌سالماق ایچون الله‌دان استغاثه ائدیر بیر نئچه‌گون‌کولك اولسون بلکه قارینین دوه‌سی‌ده قیزسین. حضرت سلیمانین بو ایستگی قبول اولوب نئچه‌گون‌کولك اولور و قارینین دوه‌سی‌قیزیر، اما او طرفدن‌کورداوغلی احمد غافل‌گیر اولوب‌کولك‌دن هئچ یئری‌گؤره بیلمیر ناچار کورکین اوستونه چکیب،تفنگین عمودی حالدا الینده ساخلاییب یاتیر، اوستونو آغیر قاردوتور. بوکولك‌دؤردگون طول‌چکیر، دؤردگوندن صونراهوا آچیلیر،کورداوغلی‌نین خانواده‌سی نیگاران قالیب اونو آختارماغا باشلاییرلار بیر یئرده قاردان بیرتفنگ‌اوجو چیخدیغینی گؤروب باخدیقداکورداوغلی احمدین تفنگینی تانیرلار و قاری یانا وئریب

۱ ـ بو باره ده داها آرتیق بیلگی ایچون آقای **دکتر.س. جاویدین** یازدیغی **(نمونه‌های فولکلور آذربایجان)** کتابینا مراجعه ائدین.

کورداوغلی احمدی قاردان چیخاردیب اؤزلریله برابر ائوه گتیریرلر. بوندان صونرا بو دؤردگونون آدی کورداوغلی احمد وقاری‌لگی‌قالیر.

اوچ چرشنبه (چهارشنبه)

بوندان صونرا چرشنبه‌لرحسابی‌دیر: ایلین اوچ آخرچرشنبه‌سینین مخصوص آدی واردیر: ایلین ان آخرینجی چرشنبه‌سینین آدی (گل‌چرشنبه) دیر اوندان قاباقکی‌چرشنبه (کول‌چرشنبه) وکول‌چرشنبه‌دن قاباقکی‌چرشنبه (قودوق‌قیرخدی) آدلانیرقودوق‌قیرخدی چرشنبه‌ده هوالار خوشالـدیغیناگؤره قیشدا دوغولمیش قـودوق و قولان لاریـن توکونو قیرخیرلار. کول‌چرشنبه‌ده ائوتوزوتؤکوب وکندلرده تندیرلرین‌کولونو چیخاردیب‌ائشیگه توکورلر. اماگول‌چرشنبه‌نین‌تشریفاتی‌چوخدیر، دئدیگیمیزکیمی‌گول‌چرشنبه ایلین‌ان‌آخر چرشنبه سیدیر، بوگونون‌آدی فارسیدا دئییلدیگی (چهارشنبه سوری) ایله بیرمعناوئریر، چون (سوری)ده فارسیداگول‌معناسینه‌دیر.

دولگه‌ـتوتك

بـایرام قاباغی‌گونلـرده اردبیل شهری رنگ وارنگ دولگه‌ـتوتك‌لر دولور، بو دولگه‌ـتوتك‌لر اردبیلین یاریم آغاج لیغیندا اولان داشکسن آدلی‌کنده قایریلیر، بوکند اهلی‌نین ایشی‌کوزه‌گر لیك‌دیر. اما بایراما قاباق‌کیچیك بارداق قایریرلار و اونا دولگه دئرلر و آت، مارال، کئچی مجسمه‌لری دوزلدیب اونا مخصوص دیل قویورلارکی پیلك ایله چالینیر و بونلارا توتك دئییرلر و بو دولگه‌ـتوتك‌لری‌گؤزل آل‌ـیاشیل بویاقلارلا بویاییرلارکی شهره شن و نشاط‌انگیز منظره وئریر. اهالی بونوشوگونلی بیلیر اوناگؤره بوتون شهروکند اهلی بو دولگه‌ـتوتك‌لردن‌آلیب ائولرینه‌آپاریرلار البته‌بوشئیلراوشاق اویونجاغی‌دیر، بونلاردان عـلاوه هره بیر تـازاکوزه آلیب ائوه آپاریرکی بودا آخـر چرشنبه‌نین حتمی تشریفاتیندن‌دیر.

گؤگ (گؤی) پایلاماق

بایرام‌قاباغی‌نین تشریفاتیندن‌بیریده گؤگ پایلاماق‌دیر، حمام‌ایشچی‌لری‌مخصوص بیر طرز ایله بؤیوك تخته‌لرین اوستونده بوغداگؤگردیرلر و بایراما بیر هفته قالاندا او گؤگ‌لری معین اندازه‌دن‌ده دوغراییب بوتون او حمامین مشتری‌لرینین ائوینه آپاریب پـایلاییرلار ، بونون مقابلینده ائوین کیشی‌لری حمامـا گئدنده ایشچی‌لرینه بـایراملیق وئریرلر .

اولدوزو فشنگ

چرشنبه‌نین تشریفاتی بوردا قورتارمیر، بوگونلرده شهره سس‌ـکوی‌سالان فشنگ (موشك) بمب، هفترقه و مهتابی‌دیـر. فشنگ باروتدان دوزه‌لیر، تهرانـدا اونا موشك

دئییرلرفتیله‌سینه اودویریب یاندیریرلار، اودباروت مخزنینه‌چاتاندا فشنگ قورتؤکدیگی حالدا گؤگه‌گئدیرواونون گؤگه چوخ گئتدیگینه گؤره اونا اولدوزو فشنگ دئییرلر. بمب زرنیخ وکرنـات‌دان دوزه‌لیر و آراسینا ریزه داش دولـدوریرلار وکاغـذه بوکوب محکم باغلاییرلار، اونو یئره ووراندااپارتلاییش عمله گلیب مهیب سس چیخاردیر. هفترقه‌لوله اولمیش کاغذ دیرکی،آراسیناباروت تؤکوب فتیله قویورلار و یدی قاتلاییب باغلاییرلار اونادا اود ووراندا یدی دفعهٔ بیر-بیرینین دالیسیجا پـارتلاییر. مهتابی بیر نازك مفتول دیرکی مخصوص موادایله چولغالاییرلاراوناکبریت ووراندا اولدوزشکلینده قورتؤکوب گؤزل منظره تشکیل وئریر.

خلقین دامدا اود یاندیرماق باره‌سینده عقیده‌سی

بو دامدا اودیاندیرماغین‌دا خلق آراسیندا بیرفلسفه‌سی‌وار: خلقین اعتقادینه گؤره کربلا فاجعه‌سیندن صونرا شیعه‌لـرامیرمختار ثقفی‌نین رهبرلیگی آراسیندا کوفه‌ده گیزلی بیر تشکیلات‌قوروب‌و یزید دستگاهی علیهینه قیام نقشه‌سی چکمیشدیلر قرار بو ایدی‌کی هر وقـت گؤردیلر دامدا اود یـاندی بیسینلرکی قیام بـاشلانیب و بوتون شیعه‌لـر اؤز داملارینداا ودیاندیریب، سلاح گؤتوروب ابن‌زیاد وکربلاده شرکت ائدن‌قاتل‌لره‌یوریش آپاریب شهیدلرین انتقامین آلسینلار و امیرمختار قیامی بو ترتیب ایلـه باشلانیب و تصادفاً بو قیام ایلین صون چرشنبه‌سینه تصادف ائدیبدیـر. ایندی دامـدا اود یاندیرماق شیعه‌لرین کوفه‌ده ابن‌زیادو یزید علیهینه قیامی‌نین خاطره‌سین تزه‌له ملك‌دیر.

چرشنبه‌نین قارآلتیندا قالماغی

بونودا دئمك لازم دیرکی خلقین عقیده‌سینه گؤره چرشنبه گرك قـارآلتیندا قالسین یعنی چرشنبه‌ده قاریاغماق حتمی‌دیر. بو عقیده بوردان ناشی دیرکی اردبیل صویوق یئر اولدیغی ایچون‌چوخ وقت چرشنبه‌ده قاریاغیر و بوقار یاغماقدان‌داکیمسه اینجیمیر بلکه اوشاقلار داها شاد اولوب بو شعری اوخویورلار:

اولدوز و فشنگ توپ تاراقتا

چرشنبه قالدی قار آلتدا

اردبیل‌ده دییه‌رلر اوشاقلارین بایرامی چرشنبه‌ده‌دیر،چونکه اوشاقلارین شادلیغی چرشنبه‌ده بایرامدان‌آرتیق‌دیر. بؤیوك‌لرظاهرده بئله دئییرلرحالبوکی بؤیوك‌لرین‌شادلیغی چرشنبه‌ده اوشاقـلاران آز دگیلدیر، مکر ائولـره شادلیق وئرن اوشاقـلار دگیل‌لر، پس ائوده‌کی اوشاقلار شاد اولوّنجا بؤیوك‌لرده شاد اولاجاقلار.

قورشاق آتماق

بونودا یازیم‌کی چرشنبه‌ده اوشاقلار بؤیوك‌لردن چرشنبه‌لیك آلیرلار، بوچـرشنبه

لیك بایراملیقدان باشقادیرکی بـایرامدا بؤیوك‌لرگیچیك‌لره وئریرلر. و هـابیله قورشاق آتماق[۴]و یا بؤیوك‌شاعریمیز شهریار دئمیشکن‌شال سالاماقدا آیری‌دیر، قورشاق آتماق آذربایجانین باشقا یئرینده‌کی‌کیمین اردبیلده ده دب‌دیر. چرشنبه گئجه‌سی اوشاقلار فامیل یا یاخین‌قونشوائوینه گئدیب شال‌یئرینه‌دستمال آتیرلار واؤزلری گیزله‌نیرلر، ائوییه‌سی بیر مقدار چرشنبه قـارْیشیغی[۵] اونون دستمالینا بـاغلاییب قـاچیدان ائشیکه قویورلار، دستمال صاحبی اونو گؤتوروب گئدیر.

قولاق آسماق

یادیماگلیر چرشنبه آخشامی‌آنام ائو اهلینه تاپشیراردی‌کـه صحبت‌لروزه مواظب اولوب یاخشی سؤزلر دانیشین ممکن‌دیر قولاق آسان اولسون.آخی اردبیلده معمول‌دیر قیزلار-قادینلار گیزلین گلیب‌قاپو دالیندا یا حیاطدا دوروب آتیرلار و ائشیتدیکلری سؤزو نیت‌لریله تطبیق ائله‌ییب فال یورولار[۶].

چرشنبه‌گونی (نوو) اوستونده

چرشنبه‌گونی صبح‌چاغی خانواده‌لر اوشاق-بؤیوك تازا پالتارلارینی گئییب(نوو)[۷] اوستونه‌گئدیرلر، نوودان منظور دگیرمان نووی‌دیر پس نوواوسته‌گئتمك یعنی دگیرمان آرخی‌نین قیراغینا گئتمك‌دیر.

شهرین هر سمتی‌نین اهلی ئوزینه یاخین دگیرمـانین اوستونـه‌گئدیب اورادا جمع اولورلار، بیر-بیرلرینه چرشنبون مبارك دئییر، بمب تاراقا سسی هامویاشادلق‌وئریر . بو مراسم ایکی-اوچ ساعت ادامه تاپیر صونرا هـرکس چرشنبه‌دن قاباق آلـدیغی اجه‌ر[۸] کوژه‌نی صوایله دولدوروب ائوه قاییدیر. بونونلا. گول‌چرشنبه‌نین تشریفاتی بیتیر.

بایرام تشریفاتی

گول‌چرشنبه‌دن‌صونرا هـامو بایرامی‌گؤزله‌ییر. چرشنبه‌کی جـوش و خروش ایله یاناشیدیر، بـایرام ترسینه اولاراق تمکین و متانت‌له قارشیلانیر، بـایرامدا ایـرانین هر یئرینده اولدیغی‌کیمین‌ایل تحویل‌اولاندا ائواهلی یدی‌سین سفره‌سینین باشیندا اولمالیدیر. اردبیلده یدی‌سین ایچون‌بوشی‌لردن استفاده‌ائدیرلر: سرکه، ساریمساق، سبزی، سوماق، سکه، ساعت، سو. سرکـه جوشش و تحرك، ساریمساق سلامتلیك، سبزی امید، سومـاق نعمت، سکه دولت، ساعت طول عمر، سو آیدینلیق‌دیر، بونلاردان باشقا بیر کاسه سودا تحویل بالیغی دئییلن‌کیچیك بالیق قویارلاروبالیق باشی (ماهی دودی‌نین باشی) وتوبوق دؤشی‌ده سفره‌ده اولمالیدیر. ایل تحویل اولانا یـاخین هامو تازا پـالتارین‌گئییب سفره باشیندا اوتوریرلار. ائوین بؤیوگی یا ائو اهلیندن بیری قرآن اوخور باشقالار شنلیك و سئوینج‌له اونودینله‌ییرلر. اردبیلده عقیده بونادیرکی ایل تحویل اولاندا سفره‌باشینداکی

تحویل بالیقلارینین بیری آتیلار. اونا گؤره ایل‌تحویل‌اولماق همان اوشاقلارقیشقیریرلار: ایل تحویل اولدی بالیق، آتلاندی (آتیلدی)، ایل تحویل اولاندان صونرا ائو اهلی بیربیرلریله گؤروشوب اؤپوشورلر و بؤیوکلرکیچیکلره بایراملیق وئرهر.

بایرام گؤروشی

اردبیلده بایرام گؤروشونونده مخصوص ترتیبی واردیر: بایرامین‌اول گونی علمانین گوروشونه و قارا بایراملیلارین دگمگینه گئدرلر[9] ایکینجی گوندن محله‌لرین گوروشو باشلار. اردبیلین آلتی محله‌سی واردیر: ۱- عالی‌قاپو. ۲- کازران. ۳- چشمه باشی. ۴- پیرعبدالملك. ۵- اوچدوکان. ۶- تازه‌میدان بو محله‌لردن چشمه‌باشینا قنبلان‌دا دئییرلر و بو محله اهلی قنبلان. ۱۰- اولدیقلارینا افتخار ائدیرلر. بو آلتی محله‌نین نئچه کوچه خولاسی (شعبه‌سی) واردیر. بایرامین ایکینجی گونوندن باغلاناراق گونده بیر محله پذیرا ائوده اوتورور و باشقا محله‌لر اورداکی فامیل، دوست و لازم اولان آداملارین گؤروشونه گئدرلر. بایرامین یدی سینده بوتون گؤروشلرتور تولار. بئله‌جه هامونین تکلیفی آیدین دیرکی هاچان کیمین گؤروشونه گئده‌جك و هاچان اؤزی پذیرالیق ائده جکدیر.

۴ فصل

بحث‌میزین صونوندا بونودا دئمللیك کی، اردبیل اهلی‌نین عقیده‌سینه گؤره بایرامین ایلك گونی سلطان‌دیر، ایکینجی گونی یازدان‌دیر ، اوچونجوسی یایدان، دؤردینجی‌سی پاییزدان و بشینجی گون قیشدان‌دیر و هرگون هر فصلین آدینادیر اوگون نئچه کئچسه (ایستی، صویوق، گونش، یاغیشلیق) او فصلده او ایلده اوجورکئچه جکدیر و بونونلا او ایلین نئچه کئچمگین پیش‌بین‌لیك‌ائدیرلر.

صون

۱- اردبیلدن مقصود اردبیل شهری و اونون محاللاری: ارشق، مشگین، مغان، اوجاری، یورتچی، پولادلوونیرکندلری‌دیر.

۲- قیزماق: مست اولماق، دلی اولماق، قودورماق معناسینادیر.

۳- کولش: قوری بوته و علف.

۴- تورشاق: بئله باغلانان شال.

۵- چرشنبه‌قاریشیغی بونلاردان‌عبارتدیر: نخود، کشمش، ایده، تورقا(قوورولموش بوغدا)، قاخ (برگه)، انجیر و او جمله‌دن بویانمیش یومورتا.

۶ـ فال یورماق یا یوخویورماق یعنی فال و یوخو تعبیر و تفسیر ائتمك.

۷ـ نوو عبارتدیر بیر آغاج‌دان‌کی،اونون ایچینی یونوب بوشالدیرلار و دگیرمان آرخی‌نین‌آخریندا قویورلارکی آرخین سوپوییغیشیب نوو دان سرازیر اولورودگیرمانین پیره‌سین ایشله‌دیر.

۸ـ اجه‌ر تازا و ایشلنمه‌میش.

۹ـ قره بایراملی او آداملار دیلارکی،او ایلده او خانواده‌دن بیری فوت ائله‌میش اولسون.

۱۰ـ قنبلان: بوکلمه‌نین معناسی مقاله‌نی یازانا معلوم دگلیدیر اوخوجولاردان خواهش اولونور بوکلمه‌نین معناسین و وجه تسمیه‌سین بیلیرسه مجله میزه یازسین و اونون آدینا چاپ ائدك.

از استاد شهریار:

کاوهٔ نوروز

تنور لاله افروزد نهیب باد نوروزی
بیا کز شعلهٔ آهی تنور سینه افروزی
برآمد چیره بر ضحاك بهمن کاوهٔ نورؤز
بدوش از سرو و شمشادش درفش فتح و فیروزی
درخت گل بگلشن دختری گلدوز را ماند
چمن خود از گل و بوته نگارین کار گلدوزی
بهاری بیوفا داری بخود چندین مناز ای گل
که تا یکهفته تاراج است تاج میر نوروزی
ندانم راز شور و مستی این آبشاران چیست
که چون حافظ نوائی جاودان دارد بهمرموزی
ندانم آتش حافظ بر این اوراق دیوان چیست
که تا در من گرفته نالهای دارد شبانروزی
کلاس ساز و آوازیست باغ از نغمهٔ مرغان
صبا را لحن استادی و بلبل را نوآموزی
زرنك سازی پروانه جمال جان نثاریهاست
که چون مطرب سراندازد بپایان زراندوزی
چشیدی طعم زندان در دل فانوس خود ای شمع
شب زندانیان طی کن بهدمسازی و دلسوزی
مخواه از تنگچشمی تیره روز روشن مردم
ببین کز چاه کن تنگ است چشم روزن و روزی
دلی کو شهریارا مهر با آفاق میورزد
همه نوروز فرخ خواهد از ایام و فیروزی

پروفسور ع. بیگدلی:

بزرگان آذربایجان

شمس تبریزی‌نین حیات و یارادیجیلیقی

شمس‌الدین محمدبن علی‌بن ملک‌داد تبریزی هجری قمری ع‌ـنجی عصرده تبریزده آنـادان اولموش اونـون دوغولـدوقو ایل دقیق صورتده علـم عالمینه‌بللی دگیل‌دیر. اوشاقلیق و ایلك گنج‌لیك ایل‌لرینی دوغماشهرینده کئچیرمیش مقدماتی تحصیلینی‌ده‌اورادا آلمیشدیر. دئیلن‌لره گؤره اونون دیل اؤگرنمه‌قابلیتی یوکسك اولموش گنج یاشلاریندان بئله فارس و عرب دیللرینی‌ده اؤزآنا دیلی کیمی دانشیرمیش.

یوکسك ذکاء و بیوك استعداد صاحبی اولان ینی یتمه‌لیك دؤروندن بئله بیرمتفکر کیمی دوشونوب‌مختلف مذهب و طریقتلر و رنگارنگ اینام واعتقادلار حقینده‌دوشونوب بونجا تفرقه و پـراکنده‌لیك‌لرین اورتایاچیخماسی حقینده دوشونوب اونلارین تؤرنمه و نشؤ و نما ائتمه سبب‌لرینی‌آرایب‌آختارمیش‌وبوکیمی پارچالانمالاری، نئچه‌تیره‌لیك‌لری غیرضروری و ضررلی حساب‌ائتمیشدیر.

بعضی تذکره چیلرین یازدیقیناگؤره‌گویا شمس تبریزی منشأ اعتباری‌ایله اسماعیله فرقه‌سینین‌بیوك‌لـرینـدن اولان خـاوند علاءالـدینین نسلیندن اولموشدورکـه، اونونـدا کؤکوگئدیب بـزرگ امیدکیایـایتیشیرمیش، آنجـاق بو مدعایه هئچ بیر علمی ثبوت و استنادگاه یوخـدور. آرتیق علم عالمینه بللی دیرکه، شمس تبریزی آتـا‌بـابـا تبریزلی اولوب، اونون اولوبابالارینین هئچ بیریسی‌ده اسماعیلیه فرقـه‌سینه منسوب اولمایب، ماراغ‌داگؤسترمه‌میشلر.

شمسین طریقت سلسله‌سینه گلدیکده «**مناقب افلاکی**» اونون منسوب اولدوقو طریقتین اوناقدرگلیب چیخدیقی سلسله‌نی‌بیله تقدیم ائدیر و یازیر: «امیرالمؤمنین‌علی

حسن بصرینی تلقین اتمیش، اوحبیب عجمینی، اوداودطائینی، او معروف کرخینی، اوسری سقطینی، اوجنیدی، اوشبلی‌نی، او محمد زجاجی، او ابوبکر نساجی، او احمد غزالینی، او احمد بلخینی، اوشمس‌الائمه سرخسینی، او بهاء ولد لقبی ئیله مشهوراولان بهاءالدین محمدی، اوسیدبرهان‌الدین محقق ترمذینی، او مولانا جلال‌الدین محمدی، اوشمس‌الدین تبریزینی، اودا سلطان ولدی[1]»...

آنجاق بورادا ترتیب کرونولوژی آخردا بیر قدر پوزولوب و معین سهوه یول وئریلمیشدیر چونکه علم عالمینه تامیله‌آیدین دیرکه، مولانا جلال‌الدین رومی شمس الدین تبریزینی‌یوخ، شمس‌الدین‌تبریزی جلال‌الدینی‌رومینی تلقین‌ائدیب، اونون‌مرادی، مرشدی و جلال‌الدینین اوزسؤزوئیله دئسه‌ك «تانریسی»اولموشدور. اونا معنوی‌ادراك، طریقت و محبت درسی وئرمیشدیر. بئله‌که جلال‌الدین همیشه اؤزونو، مرادی ومرشدی اولان شمسین رهینی و منتداری بیله‌رك ۸۴۰۰۰ مصراعدان عبارت اولان ایری حجملی کلیاتینا «کلیات شمس تبریزی» آدی وئرمیش، مثلی، نظیری اولمایان مشهور «مثنوی» سینه‌ده اونون الهامی و معنوی تاثیریندن کمالا یتیشمیشدیر. بئله‌که دفعه‌لرله اوزو بو حقده ملاحظه سؤیلمیش، اوزونو شمس‌الدینین مریدی و شاگردی حساب اتمیشدی.

اگر نه عشق شمس‌الدین بدی هر روز شب ما را
فراغتها کجا بودی ز دام و از سبب ما را
تب شهوت برآوردی دمار از ما ز تاب خود
اگر از تابش عشقش نبودی تاب و تب ما وا
نوازشهای عشق او ، لطافتهای مهر او
رهانید و فراغت داد از رنج و نصیب ما را
زهی آن کیمیای حق که هست از مهر جان او
که عین ذوق و راحت شد همه رنج و لعب ما را
در آن مجلس‌که گردان کرد از لطف او صراحیها
گرانقدر و سبکدل شد دل و جان از طرب ما را
بسوی خطه‌ی تبریز چشمه آب حیوانست
کشاند دل بدان جانب چوخضری پی‌طلب مارا[2]

تذکره‌لرین یازدیقینا اساساً شمسین عرصه‌یه چاتدیقی دؤرده ایلك طریقت معلمی مشهور صوفی شیخ ابوبکربن اسماعیل سله‌باف تبریزی اولموشدور بئله که‌بوحقده

۱ـ «مقالات شمس تبریزی». تهران. خرداد ۱۳۴۹. ش. ه. صفحه ۱۱.
۲ـ شمس تبریزی. «کلیات دیوان». چاپ سوم. تهران ۱۳۴۵ شمسی. صفحه۷۶.

صونرالار «مناقب افلاکی» ده سلطان ولده استناداً یازیلیر: ـ مولانا شمس‌الدین تبریزی آتاما سؤیله‌یردی: «من نه بیلیرم سه هامیسنی تبریزلی شیخ ابوبکردن اؤیرنمیشم». عمومیتله بو احوالات شمس تبریزی مقالاتیندا دفعه‌لرله تصدیق اولونموشدور. شمسین اؤزوده دفعه‌لرله شیخ‌ابوبکر سله‌بافین[۳] طلبه‌سی اولدوغونو سؤیلمیشدی. بوفکری «روضات الجنان» کتابینین مؤلفی هجری قمری X عصرین عارفی حافظ حسین کربلائی تبریزی‌ده تصدیق ائده‌رگ یازیر: «شمس تبریزی بیر مدت شیخ ابوبکر سله‌بافین طلبه‌سی اولدو، ائله که اونون کمال و معرفت رتبه‌سینی گونو ـ گوندن یوکسلن گؤرن ابوبکر، انصاف اوزوندن اونا سؤیله‌دی: ـ آرتیق سنه تعلیم وئرمك منیم عهدمدن خارج‌دیر، باشقا بیر معلمین یانینا گتمه‌گینی مصلحت گؤرورم.»

بو رخصتی آلدیقدان صونرا شمس سیاحته‌چیخیر، گئدیب سجاس ولایتینه‌چاتیر اوراد شیخ رکن‌الدین محمد سجاسی ایله گؤروشوب بیر مدت صونرا شیخ شهاب‌الدین محمود تبریزی‌نین یانینا گئدیب کسب کمال و معرفت ائدیر. بیر مدت صونرا سیاحتینی دوام ائتدیره‌رك نهایت گئدیب تورکستان‌ولایتینه چیخیر اورادا شیخ‌الشیوخ شیخ شهاب‌الدین حضورونا یتیشیب اونون مریدلری‌سیراسینا داخل‌اولور. معین بیرمدت کسب کمال‌ائدیر، بئله‌که «جواهرالاسباب» اثرینین مولفی حسین‌بن کاشفی خوارزمی/۸۳۹ـوفات/هجری قمری بوحقده یازیر: «تاج‌المعشوقین شیخ شمس‌الدین تبریزی تجارت آدی‌ایله شهرلری گزیردی. هر دیارین اورك صاحبلری ایله گؤروشوب صحبت‌ائدیردی. تورکستانا گلیب اورادا باباکمال خجندی‌نین چله‌خانه‌سینده اوتوردو[۴]». آنجاق نهایت اورادا دا اقامت اتمه‌ییب، سیر و سیاحتینه دوام أتدیرمیش، بو اوغورلو سفرلرده‌ن دورمادان دایانمادان حیات تجربه‌لری الده ائدیب، علم و معرفت توپلایب، گت‌گده زمانه‌سینین بیوك بیر عارفینه‌چؤریلیر. اونون شهرتی‌هریانایایبلیر، عرفا اونودؤرون قطب‌لریندن‌بیری‌صانیب، درین اعتقاد بسله‌یبرلر. اونا «**کامل**» تبریزی لقبی وئریرلر. بوتون عمروبویو سفرده، حرکت‌ده، سیرده و سیاحت‌ده اولدوغونا گؤره اونا «**اوچان‌قوش**»دا دییرلر. طریقتلر باشچیلاری اونو «سیف‌الله» آدلاندیریب، کسرلی بیر قلینجابنزه دیرلر. بیر قدر صونرا جلال‌الدین رومی ایسه اونودورون فقیه‌لری‌نین ان بیوگو بیلیب «... کامل‌تبریزی‌قونیه شهرینین ابدالی‌دیر. اونون رتبه‌سی حتی دفعه‌لرله‌له فقیه احمددن‌ده اوستونه‌دور[۵]» دییه اونو «نور مطلق» آدلاندیرمیشدیر.

۳ـ سله باف ـ سبد هؤرن.

۴ـ مقالات شمس تبریزی. صفحه ۹.

۵ـ مناقب افلاکی. آنکارا، ۱۹۶۱. صفحه ۶۳۵.

شمس تبریزی که **نور مطلق** است آفتاب است و ز انوار حق است

شمس تبریزی ائله‌جه‌ده تفسیر، حدیت، فقه، کلام و فلسفه علملرینی دریندن اویرنمیشدیر. او، شافعی فقه (دینی حقوق)نین ۵ مشهورکتابیندان بیری‌اولان«التنبیه[۶]» اثرینی بیر درس لیك‌کیمی اوخوموش‌دور. بئله‌که، صونرالار «مقالات»دا سؤیلویور: «نهایت فقیه اولدوم التنبیهی و باشقا فقه‌کتابلارینی اوخودوم. آنجاق ایندی اونلاردان هئچ بیر مطلب خاطریمده قالمامیشدی[۷]».

بوتون بونلارگوسترپرکه، شمس تبریزی دوروتون بیوك عارفی، مثلی، نظیری اولمایان بیرعالمی‌اولموشدور. ائله‌اونون بیوك‌لوگو، خارق‌العاده شخصیتی‌اونلادیرکه، او مولانا جلال‌الدین رومی‌کیمی بیوك بیر متفکری ائله مجذوب و مفتون اتمیشدیرکه، او بیردن فتوی و تدریس مسندی ترك ائدیب عشق و عرفان میدانینا آتیلمیشدیر. قورو بیر زاهد، عادی بیر مفتی‌نی، رند و پاکباز بیر عاشقه، بیر حقیقی وحدت‌وجودطرفدارینا چوئرمیش، اونوآللهی محبت مضمونلو درین معنالی قصیده و غزل‌لر، رباعی وترجیع‌لر و ترکیب بندلر و«مثنوی»کیمی دنیا شهرتی‌قازانان اثرلر یاراتماقا سوق ائتدیرمیشدیر.

***

شمس تبریزی جلال‌الدین رومی ایله‌گؤروشمك مقدی ایله قونیه‌یه سفر ائدیر. گدیب شکرچی‌لرکاروانسراسیندا منزل صالیر. جلال‌الدین رومی‌نین تدریس ائتدیگی مدرسه‌یه گئدیر. اونونلا گؤروشور.

شمس تبریزی ایله جلال‌الدین رومی‌نین ایلك‌گؤروشلری ۶۴۲ هجری‌قمری‌اینیین جمادی‌آلاخر آینین ۲۶ سی‌شنبه‌گونو اولموشدور[۸]. بو زمان جلال‌الدین رومی‌نین ۳۹ یاشی واریمیش. بوایکی بیوك متفکرین ایلك‌گؤروشلری باره‌ده ماراقلی جدی ملاحظه‌لر ومختلف غیرجدی فکر یوردونلر اولموشدورکه، بونلارین‌آراسیندا جلال‌الدین رومی‌نین اوغلو سلطان بیر ولزین یوروتدوگو ملاحظه البته‌مین و اساسلی‌دیر.

سلطان ولد اوزونون «ولد نامه» آدلی اثرینده بوتون غیرجدی و اویدورما ملاحظه‌لری رد ائدیب بوگؤروشو ایکی عادی انسانین گؤروشوکیمی تصویر و تصدیق ائدیر. منتها شمس تبریزی مرشد، پیر، درین بیلیك و مسلك صاحبی مشهور بیر عارف اولدوغوتا گؤره جلال‌الدین مولوی طرفیندن بیوك جلال و حرمتله قارشی لانمیش،

۶ـ التنبیه‌ـشافعی مذهبنین فروعاتینی‌بیان‌ائدن بیرکتاب‌دیر. مؤلفی‌شیخ‌ابواسحاق ابراهیم بن علی فقیه شیرازی (۴۷۶ـهجری قمری وفات).

۷ـ مقالات شمس تبریزی: صفحه ۲۴۳.

۸ـ مناقب افلاکی... صفحه ۶۱۸.

اونا عادی بیر قوناق، معمولی‌بیرعالم‌کیمی دگیل فوق‌العاده بیر شخصیت، بؤیوك‌مرشد مکمل بیر عارف‌کیمی یاناشلمیشدیر.

بیله‌که سلطان ولد بوگؤروشو بیله تصویر ایدیر:

بعد بس انتظار رویش دید — گشت سرها بر او چو روز پدید
دید آن را که هیچ نتوان دید — هم شنید آنچه‌کس زکس نشنید...
شد براو عاشق وبرفت ازدست — کشت پیشش یکی بلندی و پست
دعوتش‌کرد سوی‌خانه‌ی‌خویش — گفت بشنو شها از این درویش
خانه‌ام گر چه نیست لایق تو — لیك هستم به‌صدق عاشق تو
بنده‌را هرچه هست وهرچه بود — بیگمان جمله آن خواجه بود
پس‌ازین‌روی خانه‌خانه‌ی تست — به‌وثاقت همی روی تو درست
بعدازآن‌هردوخوش روانه‌شدند — شاد او خندان به‌سوی خانه شدند[۹]

بوگؤروش‌ده جلال‌الدین‌رُومی‌بوآلهلی عارفین قارشیسیندادیزچؤکور. اونواؤزونه مراد و مرشد سئچیر، گئتگئده اونون معنوی ارشادینا محتاج اولدوغونو دویور. بئله‌که، ائله اوگونده‌ن مدرسه‌نی، وعظی، منبری، فتوانی، طلابی ومحرابی‌ترك‌ائدیب، حقیقی بیر مریدکیمی بوتون وارلیقینی اونون اختیارینا وئریر. شمسین‌گؤستریشی ایله صوفیانه خلوتده اگله‌شیر. چله‌یه‌گریر ینی طلبه‌لیك عالمینه قایدیب تعلیم و تربیه‌آلماقا باشلایير. سلطان وله بوینی مرحله‌نی بئله قلمه آلمیش‌دیر:

شیخ استاد گشت نوآموز — درس خواندی به‌خدمتش شب‌وروز
منتهی بود ، مبتدی شد باز — مقتدا بود و مقتدی شد باز[۱۰]

بو تجرید و خلوت زمانی مراد (شمس) ئوز مرید (جلال‌الدین) نیه غریبه معنوی تأثیر بوراخیر، طاعت موعظه و منبردن آیریلمایان جلال‌الدینین حیات و تفکر طرزینی کؤکوندن‌دگیشدیریر. تمامیله ینی بیرجلال‌الدین، الهی محبت و وحدت وجودطرفداری جلال‌الدین یارانیرکه، نتیجه اعتباری ایله بو تحول و ده‌گیشمه‌نین محصولو ۸۴۰۰۰ مصراعدان عبارت «کلیات شمس تبریزی» آدی داشیان دیوانی و ۵۱۲۵۰ مصراعدان عبارت جهانشمول شهرت قازانان «مثنوی»سی اولور. دوز ۱۶ آی تمام شمس تبریزی جلال‌الدین‌له بیرگه قونیه‌ده اولوب، بو مدتین چوخ حصه‌سینی خلوت‌ده، تجریده و حله‌ده گئچیریرلر. جلال‌الدین بیر نوع اؤز آداملاریندان تك‌لنمیش اولور. بو دورکه،

۹ـ ولدنامه. مثنوی ولدی، انشاء بهاءالدین بن مولانا جلال‌الدین محمدبن‌حسین بلخی. تهران ۱۳۱۵ شمسی هجری صفحه ۴۲.

۱۰ـ ولدنامه... صفحه ۵۳.

متفکرین:

مرید و طلبه‌لری، اورتا آسیادان آتاسی‌ایله بیرگه‌اورایا گلن‌مهاجرلرشمسه حسدآپاریب‌صون‌درجه‌حدت‌له‌نیرلر. اونلاری‌بیربیرلریندن آیرماقاجان‌آتیرلار. نهایت‌ایش اویثره‌گلیب چیخیرکه شمسه تحقیرلر ائدیب، بو عالیجناب تبریز «پیرینی» ژولیده آدلاندیریب، اونون جلال‌الدینه مرشد و مراد اولماغا لایق اولمادیقینی سؤیلویورلر اونو ساحرآدلاندیریرلار. بو دورکه، صوفیلر، مریدلر و هوادارلار آراسیندا ایکی تیره لیک‌دوشور-شمسی ایسته‌ین‌لر و ایستمیه‌ین‌لر.

بواحوالاتی مشاهده ائدن شمس/۱۲۴۶-۱۲۴۵/۶۴۳ هجری‌قمری ایلینده گیزلیجه اولاراق قونیه‌نی ترك ائدیر، دمشقه گئدیب چیخیر اورادان آشاقیدا بیر پارچاسینی وئر دیگمیز ایری حجملی مکتوبو جلال‌الدینه گونده‌ریر.

«مولانا یابللی‌اولسون‌که، بو ضعیف خیر دعایه مشغولدور. هئچ بیر مخلوقا یا ناشیب قووشمور چونکه‌هرهسینین احوالاتی اونلارین عمل‌لریندن‌آیدین‌دیر. بو حقده دوستلار حضورونوزا سؤیلویه‌جك‌لر. آنجاق عزیز و اورك صاحبی اولان بیر درویش وارکه، اگر مولانا اونون حقیقت احوالیناآگاه‌اولارسا امینم‌که، اونا نظر سالاجاق، اونا حرمت‌بسلیه‌جك، او، اون‌ایل‌دیرکه، بودعاگوایله‌تانیش‌و دوستدوردمشقه‌قایتدیقیمیزدان صونرادا او، اؤزدوستلوغونو ثبوت ائتدی[۱۱]...»

مرادینین اوزاقلاشماسیندان صون درجه معنوی‌عذاب چکن جلال‌الدین‌آلدیغی مکتوبلارا جواب اولاراق، اونا اؤزکدر والم‌لرینی بیلدیریر واونوگری قایتماقادعوت ائدیر. بو مکتوبلاردان بیت‌لر:

ایها النور فی‌الفوآد تعال　　غایة الوجد و المرادتعال[۱۲]...

دیگر مکتوبوندان:

ای ظریف جهان سلام علیك　　ان دائی وصحتی بیدیك[۱۳]...

دیگر بیر مکتوبدان:

زندگانی صدر عالی باد　　ایزدش پاسبان وکالی باد[۱۴].

لیکن‌مکتوبلارین‌تأثیر سیزاولدوغونوگؤره‌ن جلال‌الدین نهایت‌اوغلوسلطان‌ولدی

۱۱- مقالات... صفحه ۱۹۹.

۱۲- «کلیات دیوان شمس تبریزی» صفحه ۵۲۹.

۱۳- «کلیات دیوان شمس تبریزی» صفحه ۵۱۵.

۱۴- «کلیات دیوان شمس تبریزی» صفحه ۳۹۳.

اؤزمرادینین‌آردینجا دمشقه‌گؤنده‌ریز. شمس دوز ۱۵-آی دمشقده قالدیقدان صونرا ۶۴۴-هجری‌قمری ایلین(۱۲۴۷-۱۲۴۶ میلادی) ینی‌دن قونیه‌یه قایدیر. علیهدارلاری اؤز جسارتلریندن عذر خواهلیق‌لار ائدیر. صانکه بوتون ایشلر ایسته‌نیلن‌کیمی اولور. هرشی اؤز قایداسینا دوشور. آنجاق‌ینه‌ده وضعیت‌ده گیشیر. آز بیر زمان‌کئچمه‌ده‌ن کئچمیش‌اختلافلار ینی‌دن‌باشلانیر. مخالفتچی‌لر جلال‌الدین دلی شمسی ایسه جادوگر آدلاندیریب، هنگامه قوپاریب. اونلاراینی‌دن هرجور تهمت و افترا آتشی‌یاغدیریرلار. لیکن ایسترشمس، ایسترسه‌ده جلاالدین بوکیمی تهمت وافترالارایی‌اعتناء اولاراق، مرید اؤز مرادینا اورکدن باغلیدیر و گئجه‌گوندوز فکری و ذکری بودور :

پیر من و مراد من ، درد من و دوای من
فاش بگویم این سخن شمس من و خدای من[۱۵]

دییه‌ـاوز پیرینه اولان یوکسك محبتنی ترنم ائدیر.

بوتون بونلارا باخمیاراق جلال‌الدینین آتاسی ایله شرقدن‌گلن مریدلر، ائله‌جه مولانانین قهوم قارداشلاری برك ناراضی دیرلار. شمسی آچیقدان آچیقا تحقیر ائدیر. اونو محو ائتمك‌له هده‌له‌ییرلر. بو احوالاتی دویوب مشاهده ائدن شمس سلطان ولدله مصلحت‌له‌شیب، آرتیق‌کیمسه‌نین خبری اولمادان همیشه لیك قونیه شهرینی‌ترك‌ائدیر. بوباره بوندان باشقا نه دئیلمیشدیرسه افسانه، غیرجدی و غیرعلمی اویدورمالار، یاداکه شخصی غرضله یورودولموش خفیف ملاحظه‌لردیر. سلطان ولد احوالاتین‌نئجه‌اولدوغونو «ولدنامه»ده آشاغیداکی مصراعلاردا قلمه آلمیشدیر:

باز چون شمس‌دین بدانست این — که شدند آن گروه ، پر از کین
آن محبت برفت از دلشان — باز شد دل زبون آن گلشان
نفسهای خبیث جوشیدند — باز در قلع شاه کوشیدند
گفت شه با ولد که دیدی باز — چون‌شدند ازشقا همه دمساز...
خواهم این بار آنچنان رفتن — که نداند کسی کجایم من[۱۶]...

دوغرودانـدا شمس بو دفعه ائله قویوب‌گئدیرکه، آرتیق‌کیمسه اونون هارادا الدوغوندان هئچ بیر خبر توتابیلمیر.

۱۲۴۸-۱۲۴۷/۶۴۵-هجری قمری ئیلینده باش وئره‌ن بو حادثه جلال‌الدینه‌آغیر تأثیر بوراخیر. پیری‌نین، معنوی رهبری‌نین ایذینه دوشوب هریردن سوراغینی توتور. دوز ایکی ایل تمام بیر سیرا عرب و عجم ئولکه و شهرلرینی‌گزیب دولاشیر. ایکی‌دفعه دمشقه‌گئدیر، جدی آختاریشلار آپاریر. دوزیدی ایل دوام ائده‌ن بو آختاریشلارآنجاق

۱۵- «یئنه اورا دا»صفحه.

هئچ بیر نتیجه وئرمیر. نهایت شمسین ابدی فراقی جلال‌الدینی صارصیدیر. بودورجلال الدین اوزالم وکدرلرینی آنجاق شعر و سماع واسطه‌سیله دفع ائتمگه چالیشیرشعرورقص و سماع جلال‌الدینین سویملی و آردیجیل عباذتینه چوریلیر. نهایت شمسین‌اولوم‌خبرینی آلیب، اونا بیر چوخ مرثیه مضمونلو آتشین وحزین شعرلر حصر ائدیر. بودورانلاردان بیر نمونه:

قدر غم گر چشم سر بگریستی — روز و شبها تا سحر بگریستی
آسمان گر واقفستی زین فراق — انجم و شمس و قمر بگریستی
گر گلستان واقفستی زین فراق — هر گل و هر شاخ تر بگریستی
روزن ار واقف شدی از دود مرگ — روزن و دیوار و در بگریستی
این اجل گبر است و ناله نشنود — ورنه با خون جگر بگریستی
هین‌خمش[17] کن نیست یك‌صاحب‌نظر — ور بدی صاحب نظر نگریستی
شمس تبریزی برفت و کو کسی — تا بدان فخر بشر بگریستی[18]

ائله بوابدیتیه قوشان فراقین محصولو اولاراق شرق و عرفان عالمینین شاه اثر لریندن صایلان «مثنوی» و «کلیات شمس تبریزی» یارانیر.

شمس تبریزی‌نین بؤیوك لوگونو درك اتمك اوچون بیرجه بو فاکت‌کفایت‌دیرکه، جلال‌الدین رومی‌کیمی بیوك بیر انسان ۳۹ یاشلاریندا اونونلاگؤروشدوگو گوندن عمرنون صونونا قدریعنی دوز ۳۰ ایل تمام اورکده‌ن اونا باغلانمیش، اونون‌شخصیتیندن تأثیرلنمیش، الهام‌آلمیش حضوراً و غیاباً اونون آدی ایله یاشامیش‌دیر.

***

بیوك انسان، مشهور فیلسوف مترقی احوال‌روحیه‌لی پانته‌ئیست متفکر صوفی اولان شمس تبریزی، دورونون معلوم علم‌لرینی بیلن میلادی اونچونجو عصرین ان گؤرکملی عالم‌لریندن بیری‌دیر. آنجاق تأسف‌که، بونجا بیلیك و تجربه صاحبی اولان شمس، ئوزوندن یازیلی صورتده ادبی بیر میراث قویمامیش‌دیر. اونون «مقالات شمس تبریزی» آدلانان ادبی میراثی، بو بیوك انساندان قالان یگانه یادگاردیرکه، مریدلری طرفیندن سؤیله‌دیگی نطق‌لراساسیندا، سؤال‌لارا وئردیگی جوابلار و ایضاحلار اساسیندا ترتیب ائدیلمیشدیر. شمس ئوزونیه یازمادیقی حقینده بیله دئمیشدیر: «من هئچوقت

۱۶- «ولدنامه». صفحه ۱۶.

۱۷- خمش یا خموش‌یاخاموش سوزلری جلال‌الدین رومی‌نین‌ئخصلواولموشدور.

۱۸- «کلیات شمس تبریزی». صحیفه ۹۲۱.

یازماقا عادت ائتمه‌دیم، چون یازا بیلمیرم، خاطریمده قالمیر. من هرلحظه حالدان حالاده گشیرم، یازی ایسه بهانه‌دیر[۲۰]».

قید ائتدیك‌که، «مقالات شمس‌تبریزی» آدلانان اثر، اونا وئریلن سؤال‌لارین‌شفاهی جوابی و بیرسیرا مذاکره‌لر وصحبت‌لر مجموعه‌سی‌دیر و بونلاری مریدلری‌توپلامیش‌دی و اولسون‌که، بو مریدلر چوخدا سوادلی اولمامیش‌لار. بیرده‌کی صحبت نهانی شمس مریدلرله آیدین دانیشیسین‌دیه بیر او قدرده فکرنین و افاده‌سینین گوزل‌بیان ائدیلمه‌سینه، املاء و انشاء قایداقانونلارینا فکیر وئرمه‌میش مطلبی ایدین بیان اتمیك مقصدی ایله ساده شرح‌وبیان ائتمیش‌دیر. بونا باخمیاراق ینه‌ده گؤرونور شمسین نطقی‌ـبیانی، افاده‌سی دولقون، درین مضمونلو سلیس و تأثیر ائدیجی‌دیر، اوره‌گه یاتان‌دیر.

اثرین مندرجه‌سی دینی، اخلاقی و عرفانی مسئله‌لری احاطه ائدیر، اصل انسانین یوکسك‌لیگی و شخصیتی، ماهیتی و حقوق برابر لیگی، معنویاتی و گؤزل‌لیگی ایضاح اولونور. یاخشی لیقلارامیل، پیس‌لیك‌لردن احتراز و امتناع اساس وظیفه‌کیمی قویولور. اثر اوناقدر میدانا چیخان تصوف اثرلری‌نین ان‌گؤزلرینده‌ن بیری‌دیر.

تصوفون اساس مدعالاریندان اولان: انسان پرورلیك، انسان حقوق برابرلیگی، تواضعکارلیق، قناعت، عزت‌نفس و آلهی محبت شمس تبریزی اثری‌نین اساس و مغزینی تشکیل ائدیر، اصل موضوعدور. بو اثرده «وحدت وجود» مسئله‌سی، توحید و آللهیات موضوعو آپاریجی‌دیر. اثرده عرفا ایله فیلسوفلارین علمی ملاحظه، گؤروش و عقیده لرینده‌کی اختلافلاردان دانیشلیر. مبدأ و معاد مسئله‌لری تحلیل اولونور. ادراك آلهی نورون جلوه‌گاهی‌کیمی ترنم ائدیلیر.

اثرده‌کی ایشله نیلن عرب افاده و جمله‌لری چوخ سلیس، علمی و دولقون‌دور. اکثراً حدیث‌لردن‌گؤتورولموش بوشاهد ومثال‌لار مترقی بیر صوفی‌نین علمی‌سوزگجین‌دن گئچیب، اونلارین مضمون، مندرجه ومفهومو «وحدت وجود» باخیمیندان‌تحلیل‌وتفسیر ائدیلمیش‌دیر.

اثرین عمومی موضوعوومندرجه‌سی‌ایله جلال‌الدین رومی‌نین «مثنوی»سی‌آراسیندا بیوك بیر اویقونلوق و یاخین‌لیق واردیر.

عمومیتله‌شمس تبریزی‌نین فرمالاشیب یتیشمه‌سینده، اونون «مقالات» اثری‌نین

۱۹ـ «مقالات شمس تبریزی» مجمه‌سی ۱۳۴۹ شمسی شدری ایلینده عماد تخلصو داشایان آقای احمد خوشنویس طرفیندن ایلك دفعه اولاراق تهران دانشر ائدیلمیشدیر. ایری حجملی اثردیر.

۲۰ـ یوخاندا آدی چکیلن اثرده.

یارانماسیند آشاغیداکی منبع‌لر اساس رول اوینامیش‌لار. سوزسوزکه، شمس تبریزی آدلارینی چکدیگمیزاثرده و منبع‌لرده‌ن تنقیدی صورتده استفاده ائدیب ، یئری گلنده اونلاردان شاهدلرده گتیرمیش‌دیر. بیز اساساً «مقالات» دا آدلاری چکیلن شخص‌لر و اثرلرین آدلارینی‌قلمه آلدیق.

شخصلر و اثرلر بونلاردیر:

۱- قرآن کریم. شمس قرآنین آیه‌لرینده‌ن چوخلو شاهدلر گتیرمیش . همده حدیث لردن استفاده ائتمیشدیر. ۲-سیوطی‌نین «جامع صغیر»ین‌ده‌کی حدیث‌لره‌داها‌چوخ استناد ائتمیشدیر. ۳- حسین‌بن‌منصورحلاج بیضاوی (وفات ۳۹۰میلادی)میراثی. ۴- مجنون عامری‌نین «دیوانی». ۵- سهروردی‌نین «عوارف‌المعارف» اثری. ۶- آتالارسؤزلری. ۷- علی بن ابی طالب «دررالکلام». ۸- ابن فهد حلی «تحصین». ۹- شیخ ابوالنجیب عبدالقادر سهروردی (وفات ۵۶۳ هجری قمری) اثرلری. ۱۰- اخوان الصفا « رسائل». ۱۱- تنقید فلسفهٔ افلاطون. ۱۲- سراج‌الدین محمود بن ابی‌بکراورموی قاضی القضات «مطالع الانوار».

۱۳- بایزیدبسطامی(آثار). ۱۴- شعیب. ۱۵- ایوب. ۱۶- بزرگمهر. ۱۷- سعیدبن مسیب قرشی. ۱۸- عبدالملك بن مروان. ۱۹- ابن بواب. ۲۰- التنبیه فی فروع الشافعیه، للشیخ ابی اسحاق ابراهیم بن علی. ۲۱- لوط- فرزند هاران بن تاراخ، ابراهیم خلیل اللهین قارداشی. ۲۲- ابوالعلاء معری. ۲۳- شهید بن حسین بلخی. ۲۴- بقراط. ۲۵- خضر. ۲۶- الیاس. ۲۷- جالینوس. ۲۸- محی‌الدین عربی طائی اندلسی. ۲۹- ابومنصورحفده. ۳۰- زین صدقه. ۳۱- اویس بن عامر قرنی. ۳۲- سلیمان. ۳۳- شیخ اوحدالدین کرمانی. ۳۴- شهاب‌الدین ابوالفتح یحیی بن حبشی بن امیرك «شهاب الدین سهروردی». صاحب «حکمت‌الاشراق». ۳۵- ابن جوزی. ۳۶- صلاح الدین. ۳۷- ابن خلکان. ۳۸- ادریس.

دکتر حمید نطقی

ائلیمین قوجاغیندا:

آرتیق نه دئییم؟
اولکه‌م ده‌ییم!
اؤز یوردومدا،
آنامین دیزینده،
ددەمین اوجاغیندا،
ائلیمین قوجاغیندا،
خاطره‌لر غربتیندن ائویمه گلدیم.
دولاندیم یوردومون داغیندا.
صالخیم-صالخیم گونش ایچدیم، قیب-قیزیل اوزوملو باغیندا.
سرینله‌دیم بولاغیندا...
هر سؤز بیر دفتر اولدی،
دفترلر سؤزله دولدی.
قایالاردان عکس ائدن کور اوغلونون گور سسی،
معنی وئردی سؤزلریمه.
اوغور وئردی سفریمه،
بیرلرین، ولی لرین نفسی.
ایندی... ایتیردیگیم الیمده،
حسرتیم دیلیمده.

ح. م. ساوالان

یوردومدا من ایکی چایابورجلویام

۱

گول چیچکلی یام یاشیل
ساوالانین آیاغی
چایلی، چمنلی بیرکند
گؤزه‌لدیر چؤلو، باغی

۲

گولونون لئچه‌گینده
بولبولون گؤزیاشی‌وار
هر چیچه‌گین دینله‌سن
عشق سؤزون پیچیلدار

۳

بو بهشته بنزه ره
بابارپم نیر[1] دئیب
سا[2]یین‌نین چیخ یاشینا
شهر گؤرسه‌نیر دئیب

۴

شهر دئدیم بو یئرین
بیر جنت هاواسی‌وار
گؤزللیکده وفادا
کندین ثوز صفاسی‌وار

۵

منیم یورجلو اولدوغوم
بو یئرده ایکی چای‌وار
بیری بالیخ دولوسو
بیرینده بالیخ آغلار

۶

گئجه، گوندوز باخیرسان
بو چایلار آخیر گئدیر
قایغی چکیر یوردوما
ائلیمه باخیر گئدیر

۱- نیر شهری اردبیل شهری‌نین ۵۰ کیلومتر لیگینده بیرکیچیك شهردیر.

۲- سایین نیرشهری‌نین بیرکیلومتر لیگینده بیرآلچاق داغ‌دیر و بوروخ-بوروخ یولی اولدوغونا سایین گدیگی معروفدور. بوچایلارین بیری‌نین‌آدی آغلاغان‌وبیری‌نین آدی بالیقلی چایی‌دیر.

۷

سویوکنده پایلایبر
دایانمایبر، تئز کئچبر
کؤشه‌نین هر بیتگیسی
دویونجا اوندان ایچبر

۸

منت اولماسین دبیه
بیرجه آن‌دا دایانمبر
کیمدی بیلن قدرینی
پابیلمه‌ینی سانمبر

۹

بیز اونلارا بو رجلوبوق
آتا-بابادان بئله
دیریلیك وئریب هرآن
اوچایلار بیزیم ائله

۱۰

منیم ائلیمده چوخدور،
چوخلوقدیر بیلن‌وار
بیلر آغلاغان چایی
ائلین غمیدن آغلار

۱۱

بالیقلیم ائل غمیندن
دئمه‌کی سایمازکئچر
بالیقلاری آغلاشار
گؤزونون یاشین ایچر

۱۲

آمما بو چایلار مدام
غم آلیب سئوینج وئره‌ر
شاقیلدایبب، داشاندا
چؤل، چمن کؤشن کولر

۱۳

چای قیراغیندا آخشام
گؤزه‌ل اوکند قیزلاری
اوزی گولر صافب‌صادیق
صانکی گولدور ئوزلری

۱۴

گول-چیچکلی پارچادان
اگینلرینده کؤینك
نازلی، آغیر یئریشلی
چیکنیده دولموش سینك

۱۵

سوزولموش شهر سویو
وارلی ائوین آلیبدی
یوخسول ائوینده آنجاق
قدیم سایاق قالیبدی

۱۶

چای قیراغی چوخ وحده
گؤزه‌ل بنك-بنکدیر
دقت ائدیب گؤررسن
ایکی جوره چیچکدیر

۱۷

گؤررسنکی، بیرچیچك
اگیلیب چیچك‌دریر
دولدوروب آغ‌اللرین
گؤی چمن اوسته سریر

۱۸

آیاقلار بیللورکیمی
سوایچینده کند قیزی
اتك دولوسو درمیش
بیلاق اوتو، یارپیزی

۱۹

دردیگی بیتگی‌لری
دسته‌له‌یر، تاپاقلار
بیر دسته‌لی عطیرلی گول
قوخلار، الینده ساخلار

۲۰

بیزیم ائلده اکینچی
هر یئری شوملار، اکر
سووارد یقجا، هرکوزو[۳]
سانکی برکت تؤکر

۲۱

منیم بورجلو اولدوغوم
بو یئرده ایکی چای‌وار
بیری بالیق دولوسو
بیرینده بالیق آغلار

۲۲

بیزارلارا بوجلویوق
آتا-بابادان بئله
دیریلیك وئریب هرآن
اوچایلار بیزیم ائله

۲۳

بابالاریمدان منه،
بیر سؤز قالیبدیر بیر سس:
تورپاغی حرمتلی بیل!
اودلا-سویو مقدس!..

تهران ۱۳۵۸

۳-کوز، اکیلمیش یئرین بؤلومودیر

غلامحسین صبزی:

وطن

ای منیم مهربان عزیز وطنیم
سایه نده بوی آتیب گنجلیگیم منیم

حیرانام گونشلی آیلی ایشیغا
سنده‌کی طبیعت ، آل یاراشیغا

عطرلی‌چیچکلی ، گوللی باغلارین
اوزرومسی گوموش قارلی داغلارین

کؤپوکلی چایلارین گورآخان‌سسی
روحلاری اوخشایان خوش زمزمسی

یاشیل چمنلرین گؤی منظره‌سی
گؤز ایشله‌ین الوان ، درین درمسی

جیران دوزلرینده آت کیشنه‌مسی
کؤرپه قوزولارین هی‌مله‌شمه‌سی

منه الهام وئرن ای عزیز وطن
عاشیقم سنده‌کی گؤزللیگه من

سنه زینت وئرمیش اولو طبیعت
صانکی یئره ائنمیش گؤیلردن جنت

اولادینام سنین بسله‌می‌سن‌سن
سودامیشم دائم دؤشلرینده من

ناموسوم عزتیم سن‌سن ای آنا
اودورکی باغلیام ازلدن سانا

سن‌منیم‌اؤزدوغما یوردوم اولوسان
ظلملر آلتیندا یاشادولموسان

بیلیرم سینه‌نده اودلار قالاندی
جوانلار ، قوجالار او اوددان یاندی

یانمادی شاه‌لارین قلبی ملته
سن دؤزدون عسرته هر فلاکته

لاکن غیور خلقین چاره‌جو اولدی
صاریلدی سئل کیمی سلاحه دولدی

خلقین قیام ائتدی ، ائیله‌دی همت
یوخ اولدی استبداد چکیلدی ظلمت

داغیلدی گؤگلردن قارابولودلار
گؤیردی، بوی آتدی چیچکلر، اوتلار

گونش صاچلارینی یایدی باخ دوزه
گنجه تسلیم اولدی، دؤندی گوندوزه

گؤنول الهام آلیر بو گون ای وطن
سنین قدرتیندن ، عظمتیندن

باخدیقجا هر طرف گؤرونور دلشاد
غصه‌دن هجراندان اولمسان آزاد

سنین رشید جوان قهرمانلارین
اوخوناق شجاع بول داستانلارین

یاراندی تاریخده بؤیوك انقلاب
خلقلرین بیر داها چکمه‌ز اضطراب

تبریز: آقای نقابی

گونده ریلن شعرلر

هر کیمین غیرت ملیتی‌وار
وارلیقی ثابت ائدن دیلدیر دیل
وورمّاسن طعنه منیم ائوزدیلیمه
بودیل عالمده ییگیتلر دیلی‌دیر

دیلینی ساخلاماغا قدرتی‌وار
دیلین عالمده بؤیوك حرمتی‌وار
بالدی تورکی منه چوخ لذتی‌وار
هارا گئتسن بو دیلین صحبتی‌وار

فکاهی اوره‌ك بایاتیلاری

من عاشقم سؤز دییه‌نه
سؤزونی دوز دییه‌نه
مین لعنت بئزه‌ـایبك
ایپکه‌ـبئز دییه‌نه
***
داغ گونی گوندن اوجالار
بولود لاردان باج آلار
پاخیللیق ائلیین شخص
گنج قالماز تئز توجالار
***
ایگید اودلاردان گئچر
آغی قاراداان سئچر
سؤزینی یالان دییه‌ن
آددیم باشی آند ایچر
***

باغا گیردیم بار ایچون
باقالادا یاغ ایچون
شیرین عمری چوروتدوم
یاریم کیلو یاغ ایچون
***
چمنده یاتان اوغلان
کؤینگی کتان اوغلان
تبریزین برقی گئشدی
خبر سیز یاتان اوغلان
***
بو بازار، راستا بازار
ایچینده داشقا گزر
آلیش‌ـوئریشه گئدن
عاقبت باغرین اوزر
***

مصطفی پایان وفات ائتدی



مصطفی پایان ۱۲۸۴ ده زنجانین سیدآوا محالی‌نین قیزیلجاکندینده‌آنادان‌اولوب۷یاشیندا ایکن دایی‌سیله بیرلیکده باکی یاگئتمیشدیر. باکی‌دا دایی‌سی‌نین چؤرکچی‌دکانیندا‌چالیشیرکن اوخوماغا باشلامیش واستعداد وذوقی مناسبتیله خواننده‌لیگه وموسیقی اؤگرنمه‌گه قراروئرمیش و آز مدت ظرفینده باکی‌نین بنام اوخویانلاری آراسینا گیرمیش و ۱۳۳۴ ده باکی رادیو سوندا مختلف‌آذری ماهنی‌لاری ومقاملارینی‌اوخوماغا باشلامیشدیر.

مصطفی پایان اسلام عبداله‌یف، شوشالی‌سید و شوشالی‌خان و قاریاغدی اوغلو جبارکیمی گؤرکملی خواننده‌لرین‌صون چاغلاریله معاصراولموش‌دیر. اواؤزونه‌مخصوش بیر سبکده اوخور و اوخودوغو هر ماهنی و شعری بوتون دینلییئنلری صون‌کلمه‌سینه قدر آنلاردی. پایان ایرانا دؤندوقدان صونرا بیر مدت انزلی‌ده و صونرا زنجاندا قالیر و آذری موسیقی و ماهنیلاری نی‌اوخوماقلا ترویج‌ائدیرصونرا ۱۳۱۹دا تهرانا گلیروینی آچیلمیش اولان ایران رادیو صوندا آذربایجان خواننده‌سی عنوانیله اوخوماغاباشلاییر. پایان، ۴ ایله یاقین بیرمدت‌آذری تصنیف وماهنی‌لارینی مجانی دئیله‌جك شکلده اوخورو بوتون خلقلرین مخصوصاً آذر تورکلری‌نین سوسدورولدوغو (خاموش) و ازیلدیگی بیر دوراندا گؤزل وگورسسیله آذری‌لرین اوره‌کدن گلن نغمه و ماهنی‌لارینی ترنم ائتمیش و بوشکلده آذری سؤز و هاوالاری‌نین یاشاماسینا وخلقین قلبینده‌کؤك صالماسیناویادلاریندا قالماسینا یاردیم ائدیر.

پایان معیشتینی تأمین اتمك ایچون استانبول خیابانیندا بیر رستوران آچمیش و اورادادا همشهری‌لریندن بیر قوناقجیل آذری‌کیمی پذیرالیق ائتمیشدیر. مصطفی پایان اسفندآیینین‌دؤردونده اوره‌كسکته‌سیندن وفات‌ائتمیش‌وبوتون‌آذری موسیقی‌علاقمندلرینی مکدر و عزادار ائتمیشدیر. بویوك تانری‌دان اونا رحمت و مرحمت دیله‌ریز نورایچینده یاتسین انشاءاله. اوندان دؤرد اوغول وایکی قیز قالمیشدیر اونلارا و بوتون‌عائله‌سینه یاش صاغلیغی، صبر و موفقیت دیله‌ریز.

وارلیق

جمع‌آوری و ترتیب از: ج. هیئت و س. هیئت

لغت	معنی	لغت	معنی
اوغروندا	در راه او	آنشسیز	بی‌نظیر
آغی	آنچه‌درماتم‌خوانده‌میشود	آخین	هجوم
ایلك	اول	اولو	علوی بالا-بؤیوك
آرخائیك	کهنه	اوجقاریااوجگار	دور مانده
اوچماق	بهشت-پرواز	آلقیش	کف‌زدن-آفرین-استقبال
اکشی	ترش	اووتماق	تسلی دادن
آری	پاك-صاف	اورنامنت	تزئین-آرایش
اؤنملی	مهم	اؤته‌ری	فرصت‌طلب - گذرا
اوزان	عاشیق	اوستون	برتر- عالی
اوچرك	حکایت‌کوتاه	اوستونلوك	تفوق
آنجیلن	آنچنین (ترکی قدیم)	آراماق	جستجوکردن(آختارماق)
انکشاف	تکامل	اؤرنك	نمونه
اوزره	روی-در حال	آیغیر	ایلخی (ارکك آت) اسب نر ایلخی
اونوتماق	فراموش‌کردن	آیدین	آشکار
آل	حیله-سرخ	اوفانیب	کوچك‌شدن-پژمرده‌شدن
اومماق	امید داشتن	اوزرینده	در رویش
ایاغ	پیاله-پا	ایره‌نج	متعفن-منفور
اؤزللیك	خصوصیت	اؤیمك	مدح‌وثنا-تعریف
آوونماق	تسلی پیداکردن	ایز	اثر-ردپا
اسرومك	مست شدن	ایلدیرم چاخماق	نور رعدوبرق
اوش	اینطور	اؤگوت	نصیحت
آدا	جزیره	اگلنجه	اسباب تفریح-تفریح
آبده	بنای تاریخی	اورتاق	شریك
اسکی	قدیم-کهنه	اینجه‌لتمك	نازك و ظریف کردن
اثش	نظیر	ایفا	اجرا

لغت	معنی	لغت	معنی
آته‌ئیست	منکر خدا	تؤره‌مك	تولید مثل-تولید
ایزله‌مك	تعقیب	توکندی	تمام‌شد. بیتدی
باشقا	دیگر	توپلانتی	جمع-بیغینجاق
باشلانقیچ	آغاز	تارلا	مزرعه
باغری‌وباغیر	سینه	جدا	نیزه
بکله‌مك	انتظار (گوزله‌مك)	جیزرانتی	صدای سوختن گوشت
بیریکمك	بیغیشماق-جمع شدن	چاتی	طناب تابیده-ایپ
یومور	لطیفه-بدیهه	چئری	سرباز-عسگر
بوراخماق	انتشار دادن-وئل کردن	چلب	الله
بسته‌کار	آهنگساز	چلبی	مرشد-پیر
بویوندروق	افسار-اسارت	چاغ	عصر
بوزقیر	استپ-دشت	چینوونیك	مأمور دولت
بوتون	کل-تمام	چئوره	اطراف
باخیم	نقطه‌نظر و پرستاری	چرچیوه	چارچوب
باخیش	نظر-نگاه	چیلقین	دیوانه-دلی
بویونجا	درطول	زنگین	ثروتمند-غنی
بویوزدن	بدینجهت	ژانر	نوع
بیدارلاماق	تکه‌پاره‌کردن	چاشمیش	سرگردان-حیران
باغیرماق	فریادکردن	حمیل	رام
بدیع	هنری	دیله‌ك	آرزو-خواسته
پاترپاتر‌کال	پدرشاهی-سنتی	ورساغی	نوعی‌شعرربلعی-نام‌قبیله
پیتا	بوته	دره	جویبار-دره
پنبه	صورتی‌رنگ	دورلو	جور-نوع
پوتگووماك	فوران‌خونهیش	دوشونجه	فکر
تؤرتمه	ایجاد	دویقو	احساس
تامو دامو	جهنم	دالماق	فراورفتن-خیره‌شدن
تو کنمك	تمام شدن	دالغه	موج
تولك	زنگ-سوت‌لوش‌دبی‌مو	دنیز	دریا
تمل(تله‌مل)	اساس-پایه	دوروم	وضع-وضعیت

لغت	معنی	لغت	معنی
دورقونلوق	رکود	صاقین	زینهار
دویماق	احساس کردن	صاریق	عمامه
دال‌ـبوداق	شاخ‌وبرگ	صالقین	اپیده‌می‌ـهمه‌گیری
دئپوتات	نماینده	صاخین	زینهار
دراماتورقیا	نمایشنامه‌نویس	صاغیر	کر
رئوولوسیا	انقلاب	صایقی	احترام
سورگون	تبعید	صیرا	ردیف‌ـنوبت‌ـموقع
سس‌ـسمیر	صدا	غیرلانماق	چرخیدن
ساغور	مرثیه	قازامات	زندان‌ـدوساق
سارای	دربار	قاووشماق	واصل اولماق
ساتیریك	طنزوریشخند	قایناق	منبع
سؤز	کلمه‌ـسخن	قالابالیق	انبوه‌ـشلوغ
سیرا	ردیف	قارشی	مقابل
سکسان	هشتاد	قوپوز	سازعاشیق
سیاف	شمشیرزن	قاندا	کجاـهاردا
سیلدیریم	قائم‌ومستحکم‌ـصخره	قاموـهامو	همه
سینه‌گرمك	سینه‌سپرکردن	قوروماق	حفظ کردن
ساچماق	پراکندن‌نور	قوتلو	مبارکه‌ـاوغورلو
سرگی	نمایشگاه	قاچان	چه‌وقت (ترکی‌قدیم)
سیناق	امتحان	قونوق	مهمان (قوناق)
سوسله‌مك	تزئین‌کردن	قانماق	سیراب شدن‌ـفهمیدن
سیغماق	جاگرفتن (یرلشمك)	قایغی	غم و غصه
شمشك	رعد و برق	قات قات	نئچه برابر
صوی‌آدی	نام فامیل	قاباقجیل	مترقی
صارصیتماق	متزلزل‌کردن	قاناری	چنگك
شرقی	تصنیف	قارشیلاماق	استقبال کردن
صاری	زردـطرف	فنر	فانوس‌ـچراغ
صولوجان	چوگان‌ـکرم‌اسکاریس	قولاج	انبوه‌ـاندازه‌آرنج‌تاانگشت
صیغی‌ـصیقی	محکم‌ـبرگ	کوارتار	محله‌ـکدخدای‌محله

لغت	معنی	لغت	معنی
کؤك	ریشه	هایدی	یاالله-یالاه
کوتان	گاوآهن-جوت	هپ	همه-هامی
کسگین	قطعی	یوغ	ماتم
کسه‌ر	شمشیر-خنجر-تبر	یابانجی	بیگانه
کسگین	قاطع-برنده	یاناشی	برابر
کتله	توده-جمع	یاز	بهار
کندیر	کندر	ئولکه	کشور
کؤیوس	سینه	یاساق	قدغن
گووه‌نمك	اعتماد کردن	یارادیجیلیق	خلاقیت-هنرمندی
گئچید	معبر-گذرگاه	ئوگونمك	افتخار کردن
گونش	آفتاب-گون	یومور	لطیفه-بدیهه
گبه‌رمك	مردن‌باتحقیر-اؤلمك	یووارلانماق	سقوط‌باغلط‌خوردن-گردش
گئری	عقب (دالی)	یالدیز	بزه‌ك
گؤزگو	آینه	یاردیم	کمك
لکسیك	لغوی	یاریش	مسابقه
لاچین	شاهین-عقاب	یئلکن	بادبان کشتی
لیمان	بندر	یئتمك	کفایت کردن
ماهنی	ترانه	یغلاماق	گریه کردن (ترکی‌قدیم)
ماراقلی	جالب	یولوشان	ریشه گل کوهی علف‌صحرایی
مانی	بایاتی(چهاربیتی‌هجائی)		
ماراق	علاقه		
ناصیل	چطور-نئجه		
نرده	کجا		
وارماق	رفتن-رسیدن		
وورغون	عاشیق		
وارلیق	هستی-موجودیت		
وارلیلیق	دارائی-ثروت		
وئرگی	مالیات		
وازکچمك	صرفنظر کردن		

توجه

۱ـ خواستاران اشتراک می‌توانند مبلغ آبونمان سالیانه (۸۰۰ ریال) را از نزدیکترین شعبه هریك از بانکها بحساب شماره ۲۱۶۳ بانك ملی ایران (شعبه داریوش خیابان بهار) واریز نمایند و رسید آنرا بضمیمهٔ نشانی خود بآدرس مجله (خیابان مصدق ـ کوچه بیدی ـ شماره ۱۷ ـ تهران) ارسال فرمایند.

۲ـ شماره‌های گذشته مجلهٔ وارلیق را می‌توانید از کتابفروشی‌های مقابل دانشگاه تهران تهیه نمائید.

۳ـ ضمن تشکر وسپاسگزاری ازهمکاری بیدریغ نویسندگان مجله وارلیق باستحضار میرساندنظر باینکه تعداد صفحات مجله محدود است باکمال تأسف نمیتوانیم همه‌ی نامه‌ها ومقالات واشعار همشهریان عزیز را چاپ نمائیم ضمناً برای رعایت شرایط وموازین علمی خواهشمندیم در آخر مقالات مآخذ ومنابع مورد استناد واستفاده را مرقوم فرمایند و در ترجمه‌ها وترانسکریپسیونها ضمن رعایت امانت و وفاداری بمتن درصورت حذف ویا اضافه ویا تغییر کلمه ویا قسمتی از متن تذکر لازم را در پائین مقاله بدهند.

۴ـ جلد اول **تاریخ ادبیات آذربایجان** ازقرن ۱۳ تا آخرقرن ۱۹ میلادی تحت عنوان «آذربایجان ادبیات تاریخینه بیرباخیش» از چاپ خارج شد همشهریهای علاقمند میتوانند از انتشارات فرزانه ویاسایر کتابفروشی‌های مقابل دانشگاه خریداری ویا با پرداخت ۳۰۰ ریال توسط آدرس بانکی مجله و ارسال رسید آن بدفتر مجله یکجلد از این کتاب را تهیه نمایند.

۵ـ مجموعه ده‌شماره سالیانه مجله در یك جلد منتشرشد علاقمندان میتوانند هرچه زودتر قبل از اتمام آن از انتشارات فرزانه ودیگر کتابفروشی‌های روبروی دانشگاه تهیه نمایند.

۶ـ در این شماره مجله صورت لغات ترکی ادبی را که در ۱۰ شماره مجله در سال جاری بکار برده شده بـا معانی آنها درج نمودیم تـا خوانندگان محترم مجله وارلیق مجموعه‌ای از لغات ادبی ترکی را در دسترس داشته باشند.

وارلیق

مجله ماهانه فرهنگی، ادبی وهنری

(به‌زبانهای فارسی وترکی آذری)

تحت نظر هیئت تحریریه

صاحب امتیاز و مدیر : دکتر جواد هیئت

محل اداره : تهران، خیابان مصدق، کوچه بیدی شماره ۱۷

تلفن ۶۴۵۱۱۵ / ۷۶۱۸۳۶

چاپ کاویان ـ میدان بهارستان

قیمت ۷۰ ریال

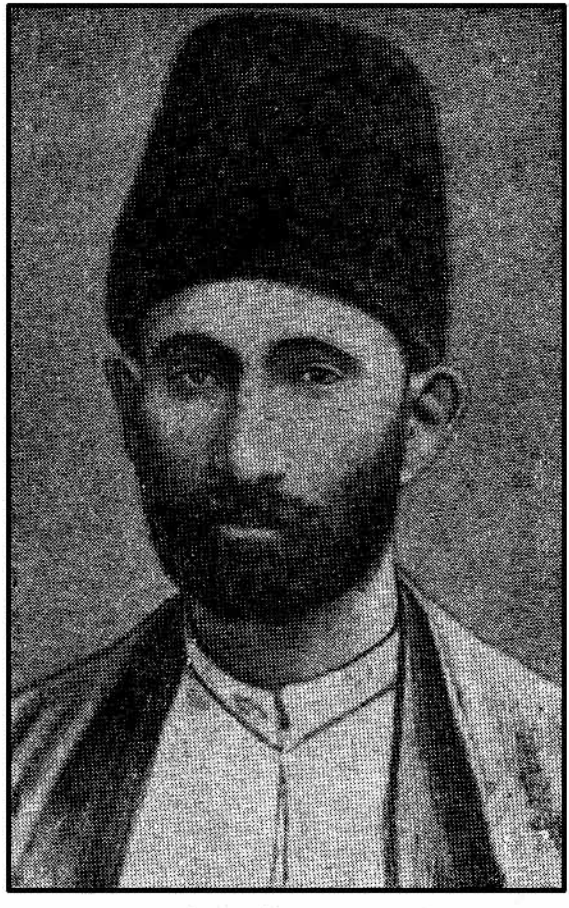

سیدعظیم شیروانی

شاعر ومتفکر بزرگ آذربایجان

۱۸۸۸ ـ ۱۸۳۵